



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

المنبر على المستضعفين

في

جعلهم ائمة و الوارثين

اخبار آخر الزمان ، إعلان ظهور و بشارت

امام مهدي عليه السلام

جل جلاله

بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المنه على المستضعفين في جعلهم ايمه والوارثين: بررسی برخی اخبار، آیات و علایم آخرالزمان

نویسنده:

محمدباقر کرم پوربهشت آبادی

ناشر چاپی:

خورشید علم

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

فهرست	۵
المنه على المستضعفين في جعلهم ائمه والوارثين: بررسی برخی اخبار، آیات و علایم آخرالزمان و زمان غیبت و آن چه که به حضرت صاحب العصر والزمان علیه السلام مربوط است	۱۱
مشخصات کتاب	۱۱
اشاره	۱۲
فهرست مطالب	۱۶
مقدمه	۱۸
اشاره	۱۸
ذکر چهارده نکته مهم	۲۰
اشاره	۲۰
اول:	۲۰
دوم:	۲۳
استقامت در عقیده و استمرار بر آن	۲۳
سوم:	۲۵
چهارم:	۲۷
پنجم:	۳۰
ششم:	۳۱
هفتم:	۳۱
هشتم:	۳۲
نهم:	۳۳
دهم:	۳۵
یازدهم:	۳۵
دوازدهم:	۳۶
سیزدهم:	۳۷
چهاردهم:	۳۷

- ۳۸ ..... اشاره
- ۴۰ ..... بيان اخبار و رواياتى حول امام (عليه السلام)؛ بشارت امام مهدى (عليه السلام)
- ۴۰ ..... مقصد اول؛ بشارت امام مهدى (عليه السلام)
- ۴۲ ..... مقصد دوم؛ شناخت و معرفت به امام (عليه السلام) در زمان حيات
- ۴۲ ..... اشاره
- ۴۷ ..... به سبب امام (عليه السلام) خداوند عبادت مى شود
- ۴۸ ..... زمين بدون حجت نيست
- ۴۹ ..... نکات
- ۵۲ ..... مقصد سوم؛ تشمت و تفرقه و سرگردانى شيعه و ابتلائات قبل از ظهور
- ۵۲ ..... اشاره
- ۵۹ ..... تشمت در عقیده و لعن بعضى به بعض ديگر
- ۶۵ ..... بيان شدت و عسرت شيعه قبل از ظهور
- ۶۶ ..... مقصد چهارم؛ برخى ديگر از علائم ظهور حضرت (عليه السلام)
- ۶۶ ..... اشاره
- ۷۳ ..... ادامه بيان اخبار و روايات در علائم و وقايع مربوط به ظهور
- ۷۴ ..... فتح پنج شهر توسط سفينانى از علائم فرج
- ۷۵ ..... ندای آسمانى
- ۷۵ ..... كيفيت سلام بر حضرت
- ۷۶ ..... ياران خاص و حلقه دوم
- ۷۶ ..... پنج مورد از علائم حتمى
- ۷۸ ..... خروج سفينانى و يمانى و مروانى و شعيب بن صالح قبل از ظهور
- ۷۹ ..... سيصد و سيزده نفر ياران خاص
- ۸۰ ..... طاعه معروفه؛ اطاعت با شوق و افتخار
- ۸۱ ..... ندای آسمانى براى شرق و غرب
- ۸۳ ..... علامات منظم قبل از ظهور

- ۸۸ ..... اختلاف بنی عباس از علائم فرج شیعه
- ۹۲ ..... گرمی شدید هوا؛ تغییرات طبیعی و اقلیمی
- ۹۲ ..... خورشید و ماه گرفتگی
- ۹۴ ..... به هم خوردن حساب منجمین
- ۹۶ ..... وقایع خراسان و سجستان
- ۹۷ ..... حکومت همه طوایف قبل از ظهور - و دولت اهل بیت (علیهم السلام)
- ۹۸ ..... زوال ملک بنی عباس
- ۹۹ ..... دوازده مدعی غیر صادق
- ۱۰۰ ..... خروج کاسر العینین از صنعاء قبل از سفیانی
- ۱۰۲ ..... جنگ قرقیسا و سفره ای برای وحوش و طیور
- ۱۰۴ ..... مسلک دوم؛ بلاهای آخرالزمان، علائم ظهور، عسرت شیعه و فضیلت صبر
- ۱۰۴ ..... اشاره
- ۱۰۶ ..... مقصد اول؛ برخی علائم آخرالزمان؛
- ۱۰۶ ..... اشاره
- ۱۰۶ ..... کمیاب شدن کسب حلال و برادر دینی
- ۱۰۷ ..... زنان غرق در شهوات
- ۱۰۷ ..... فضل اهل ایمان در آخرالزمان
- ۱۰۸ ..... سایر علائم؛ ده نشانی دیگر
- ۱۱۰ ..... علامات و بلاهای طبیعی از زلزله و خورشیدگرفتگی و طوفان
- ۱۱۰ ..... عبادت کنندگان نادان و قاریان فاسق
- ۱۱۱ ..... پانزده خصلت که سبب بلا می شود
- ۱۱۴ ..... از بین رفتن علم و ظاهر شدن نادانی
- ۱۱۵ ..... سوال کردن در باره حاجت
- ۱۱۶ ..... غربت اسلام در آخرالزمان
- ۱۱۶ ..... اقامه دین در آخرالزمان و عدالت جهانی
- ۱۱۷ ..... سلطه زنان و ولایت کودکان

- ۱۱۸ ..... خروج عرب زشت روی و خورشیدگرفتگی علامت فرج
- ۱۱۹ ..... خلافت و حکومت اهل بیت (علیهم السلام) بعد از قتل سفیانی
- ۱۲۰ ..... هرج و مرج و بسته شدن راه ها و از بین رفتن حرمت ها
- ۱۲۰ ..... ترس و گرسنگی و نقص در اموال و جان ها و محصولات
- ۱۲۱ ..... گرسنگی عام و گرسنگی خاص
- ۱۲۲ ..... اختلاف احزاب، رایات سود خراسان و صدایی در شهر رمضان
- ۱۲۴ ..... فرج کل بعد از هلاک مردی از بنی عباس
- ۱۲۵ ..... مقصد دوم؛ سایر علامات وقت ظهور
- ۱۲۵ ..... اشاره
- ۱۳۲ ..... آتشی در آسمان؛ ترس بر اهل عراق
- ۱۳۳ ..... ندای آسمانی بر تمییز بین اهل حق و باطل
- ۱۳۴ ..... مساجد آخر الزمان
- ۱۳۸ ..... مقصد سوم؛ تمحیص و خالص سازی شیعیان
- ۱۳۸ ..... اشاره
- ۱۳۹ ..... علائم دیگر؛ دابه الارض، عیسی (علیه السلام) و دجال و اختلاف شدید بین مردم؛
- ۱۴۰ ..... خسف و دجال
- ۱۴۱ ..... مقصد چهارم؛ فضیلت انتظار فرج
- ۱۴۱ ..... اشاره
- ۱۴۲ ..... صبر و انتظار فرج
- ۱۴۳ ..... تقیه در برابر کفار و فسقه
- ۱۴۶ ..... مقصد پنجم؛ ضرورت علم و تفقه در دین
- ۱۵۰ ..... مسلک سوم؛ علائم قریب ظهور، فضیلت صبر، وظائف شیعیان
- ۱۵۰ ..... اشاره
- ۱۵۲ ..... مسلک سوم؛ آن چه مربوط به دوران قریب ظهور است؛ فضل انتظار و وظیفه شیعیان
- ۱۵۲ ..... مقصد اول؛ ذکر بعض آیات و اخبار؛ تاکید بر صبر و انتظار؛
- ۱۵۲ ..... اشاره



- ۱۵۳ ..... مرابطه با امام منتظر(علیه السلام)
- ۱۵۳ ..... یاری ملائکه و شتاب نکردن در خروج
- ۱۵۴ ..... اخبار و روایات دال بر لزوم ارض و عدم قیام و خروج
- ۱۵۵ ..... ساکت ماندن و عدم شرکت در مجالس خروج کنندگان
- ۱۵۷ ..... روگردانی امام (علیه السلام) از مردم
- ۱۵۹ ..... تاکید بر صبر و عدم فتنه انگیزی
- ۱۶۲ ..... زیدیه - خروج کنندگان - سپر بلای شیعیان
- ۱۶۳ ..... مقصد دوم؛ عدم خروج و تسلیم شدن برابر امر اهل بیت (علیهم السلام) سبب نجات؛
- ۱۶۳ ..... اشاره
- ۱۶۴ ..... فضیلت انتظار امر اهل بیت (علیهم السلام)
- ۱۶۵ ..... اعمالی که سبب می شود انسان از اصحاب قائم(علیه السلام) باشد
- ۱۶۷ ..... سکوت مردم تا زمان سکوت آسمان و زمین
- ۱۶۸ ..... مقصد سوم؛ انتظار فرج با صبر
- ۱۶۸ ..... اشاره
- ۱۶۹ ..... فضل ثبات ایمان در زمان غیبت
- ۱۷۰ ..... مسلک چهارم: اخبار دجال
- ۱۷۰ ..... اشاره
- ۱۷۲ ..... مسلک چهارم؛ اخبار دجال
- ۱۷۲ ..... مقصد اول؛ بیان برخی اخبار دجال
- ۱۷۲ ..... ایمان کافر به دجال و کفر مومن به دجال
- ۱۷۲ ..... پیشوایان گمراه، بدتر از دجال
- ۱۷۳ ..... حذر از سه نفر در مورد دین
- ۱۷۵ ..... مقصد دوم: اسباب ایمان به دجال
- ۱۷۵ ..... اشاره
- ۱۷۶ ..... روزه رجب سبب عافیت از فتنه دجال
- ۱۷۸ ..... متابعت هفتاد هزار نفر از دجال

- ۱۷۸ ..... دو دجال از نسل فاطمه سلام الله علیها
- ۱۷۹ ..... قتل دجال اصلی به دست امام مهدی (علیه السلام)
- ۱۸۰ ..... مسلک پنجم: بشارت بر مستضعفین
- ۱۸۰ ..... اشاره
- ۱۸۲ ..... مقصد اول؛ بشارت بر مستضعفین
- ۱۸۴ ..... مقصد دوم؛ جهانی شدن ندای توحید؛ وفور نعمت ها در دوران مهدی (علیه السلام)؛
- ۱۸۴ ..... قیام قائم (علیه السلام) همگانی شدن ندای توحید
- ۱۸۵ ..... وفور نعمت ها
- ۱۸۶ ..... خاتمه: ادعیه و توسل مختصر به امام مهدی (علیه السلام)
- ۱۸۶ ..... اشاره
- ۱۸۸ ..... مقصد اول؛ مختصر ادعیه و نماز و زیارت برای توسل به امام مهدی (علیه السلام)
- ۱۸۸ ..... مقصد اول؛ ادعیه جامع مربوط به حضرت
- ۱۸۹ ..... دعای غریق
- ۱۹۰ ..... دعای معرفت
- ۱۹۱ ..... دعای عهد
- ۱۹۴ ..... دعای عهد دیگر
- ۱۹۶ ..... دُعَاءُ الْمُهْدِيِّ (علیه السلام)
- ۱۹۷ ..... دعایی بعد از تعقیبات نماز
- ۱۹۸ ..... دعای سلامتی حضرت
- ۱۹۹ ..... مقصد دوم؛ زیارت و نماز استغاثه به امام زمان (علیه السلام)
- ۱۹۹ ..... اشاره
- ۲۰۴ ..... نماز و دعای فرج
- ۲۰۴ ..... نماز و دعای فرج برای رفع مشکلات مهم
- ۲۰۹ ..... مقصد سوم؛ رقعہ مختصر به محضر امام زمان (علیه السلام)
- ۲۱۴ ..... مصادر و منابع
- ۲۱۹ ..... درباره مرکز

# المنه على المستضعفين في جعلهم ائمه والوارثين: بررسی برخی اخبار، آیات و علایم آخرالزمان و زمان غیبت و آن چه که به حضرت صاحب العصر والزمان علیه السلام مربوط است

## مشخصات کتاب

سرشناسه: کرم پور بهشت آبادی، محمدباقر، ۱۳۶۰-

عنوان و نام پدیدآور: المنه على المستضعفين في جعلهم ائمه والوارثين: بررسی برخی اخبار، آیات و علایم آخرالزمان و زمان غیبت و آن چه که به حضرت صاحب العصر والزمان علیه السلام مربوط است / محمدباقر کرم پوربهشت آبادی؛ اعداد و تنظیم علی کرم پوربهشت آبادی.

مشخصات نشر: قم: خورشید علم، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۲۰۷ ص.

شابک: ۲۰۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۸۸۸-۰-۷:

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۰۵ - ۲۰۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: بررسی برخی اخبار، آیات و علایم آخرالزمان و زمان غیبت و آن چه که به حضرت صاحب العصر والزمان علیه السلام مربوط است.

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

Muhammad ibn Hasan, Imam XII : موضوع

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- احادیث

Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Hadiths : موضوع

موضوع: مهدویت

Mahdism : موضوع

موضوع: مهدویت -- احادیث

Mahdism-- Hadiths : موضوع

شناسه افزوده : کرم پور بهشت آبادی، علی، ۱۳۷۱-، گردآورنده

رده بندی کنگره : BP۲۲۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۷۴۲۸۰۳۰

وضعیت رکورد : فیا

ص: ۱

**اشاره**

كيفية سلام بر امام زمان عليه السلام

در زیارت سرداب کیفیت

سلام بر امام زمان عليه السلام

در زیارت سرداب

سلام الله و برکاته

و تحياته و صلواته

على مولای صاحب الزمان

صاحب الضياء و النور

و الدين المأثور

و اللواء المشهور

و الكتاب المنشور

و صاحب الدهور و العصور

بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ٩٩؛ ص ٨٤

ص: ٢

المنه على المستضعفين في جعلهم ائمه و الوارثين

بررسی برخی اخبار، آیات و علائم آخرالزمان و زمان غیبت

و آن چه که به حضرت صاحب العصر و الزمان علیه السلام مربوط است

محمد باقر کرم پور بهشت آبادی

ص: ۳

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٤

فهرست مطالب

۷	مقدمه	
۷	مقدمه	امر اول
۹	چهارده نکته مهم	امر دوم
مسلك اول؛ بيان روايات و بشارت امام مهدی <small>علیه السلام</small>		
۲۹	بشارت امام مهدی <small>علیه السلام</small>	مقصد اول
۳۱	شناخت و معرفت به امام <small>علیه السلام</small> در زمان حیات	مقصد دوم
۴۱	تشتت و تفرقه و سرگردانی شیعه و ابتلائات قبل از ظهور	مقصد سوم
۵۵	برخی دیگر از علائم ظهور حضرت <small>علیه السلام</small>	مقصد چهارم
مسلك دوم؛ علائم بلاهای آخرالزمان؛ علائم ظهور؛ عسرت شیعه و فضیلت صبر		
۹۵	برخی علائم آخرالزمان	مقصد اول
۱۱۴	سایر علامات وقت ظهور	مقصد دوم
۱۲۷	تمحیص و خالص سازی شیعیان	مقصد سوم
۱۳۰	فضیلت انتظار فرج	مقصد چهارم
۱۳۵	ضرورت علم و تفقه در دین	مقصد پنجم
مسلك سوم؛ دوران قریب ظهور؛ فضل انتظار و وظیفه شیعیان		



۱۴۱	مقصد اول	ذکر بعض آیات و اخبار؛ تاکید بر صبر و انتظار
۱۵۲	مقصد دوم	عدم خروج و تسلیم شدن امر اهل بیت <small>علیهم السلام</small> سبب نجات
۱۵۷	مقصد سوم	انتظار فرج
مسلك چهارم؛ اخبار دجال		
۱۶۱	مقصد اول	بیان برخی اخبار دجال
۱۶۴	مقصد دوم	اسباب ایمان به دجال و دفع شر آن
مسلك پنجم؛ بشارت بر مستضعفین		
۱۷۱	مقصد اول	بشارت بر مستضعفین
۱۷۳	مقصد دوم	جهانی شدن توحید؛ وفور نعمت ها در دوران مهدی <small>علیه السلام</small>
خاتمه؛ مختصر ادعیه و نماز و زیارت برای توسل به امام مهدی <small>علیه السلام</small>		
۱۷۷	مقصد اول	مختصر ادعیه و توسل به امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۸۸	مقصد دوم	زیارت و نماز استغاثه به امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۹۸	مقصد سوم	رقعه مختصر به محضر امام زمان <small>علیه السلام</small>
منابع و مصادر		
۲۰۳	منابع	اصول، منابع و مصادر

السلام عليك يا حجه بن الحسن ((عجل الله فرجك))

سپاس خداوندی را که توفیق برائت از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) و تمسک به دامان شما خاندان وحی (علیهم السلام) را به ما عنایت فرمود و شما را وسیله هدایت و نجات بر بندگان خود قرار داد. شکر بی پایان که توفیق کسب فیض از محضر خدمه علوم شما اهل بیت (علیهم السلام) را به ما تفضل فرمود: آنان که در سایه شما به ملوک و پادشاهان اعتنا و توجهی نمی کنند، از درب پر فیض شما به دربی دیگر نمی روند و دنیا و مظاهر آن را به سخره گرفته؛ تاج و زینتشان از تاج ملائک، زمین را مایه آرامش و قرار و هستی را فخر و زینت اند.

آنان که امیرالمؤمنین (علیه السلام) بدیدارشان مشتاق و دعای امام صادق (علیه السلام) بدرقه راهشان و فرشتگان آسمان بال های خود را برای آنها پهن کرده و گسترده اند. ای کاش اسلاف آن ها زنده بوده و می دیدند چه فرزندی را در خدمت اسلام پروریده و چه نجومی را به آسمان علوم اهل بیت (علیهم السلام) تقدیم داشته اند، که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بدانان بر انبیاء سایر امم (علیهم السلام) تفاخر می کند.

مکتبی که در سایه آن چنین استوانه های از علم و معرفت و تقوی رشد نموده و چنین پهلوانانی عرصه فقه و فقاهت را درنوردیدند. آنان که مایه روشنی چشم علم و دانش و خدمتگزار آستان مقدس حضرت امام مهدی (علیه السلام) هستند و حضرتش متولیهدایت

و رشد و بالندگی آنهاست و آنان را مرجع هدایت مردم و حجت خویش بر عباد در زمان غیبت قرار داده است. کثر الله امثالهم و رزقنا الله شفاعتهم.

در تفسیر قمی در تفسیر آیه شریفه الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ وَالَّذِينَ يَصِّمُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ آمَدَه است که ایشان از پدرشان از محمد بن فضل از ابی الحسن (علیه السلام) نقل کرده که فرمود: همانا رحم آل محمد در عرش معلق است و می گوید خداوندا پیوند ده هر که به من پیوندد و قطع کن هر که مرا قطع نموده است و این امر برای همه رحم ها خواهد بود و این آیه در شأن رحم آل محمد (علیهم السلام) نازل شده است. (۱)

لذا به مقتضای آیه سعی نمودم مطالبی در شأن و فضایل امام منتظر (علیه السلام) و وظایف شیعیان در عصر ظهور و راهنمایی های وارد شده از ائمه (علیهم السلام) در مورد حوادث متعدد زمان غیبت را به زبان خلاصه و ایجاز به گونه ای که برای عموم مردم به صورت سهل الوصول در اختیار بوده باشد تا ضمن بیان ساده تر، دسترسی سریع تر به اهم وظایف و رهنمودهای ائمه (علیهم السلام) داشته باشند. هم از بحث استدلالی و علمی که مربوط به مقام دیگر است پرهیز شود تا آن چه که مورد نیاز و متناسب با شرایط غیبت است به عموم معرفی گردد به این امید که این امر از مصادیقصله رحم آل محمد (علیهم السلام) و ایفای عهد و بیعت با ولایت و محبت و مودت آن بزرگواران باشد.

ص: ۸

هدف ما در این مقال، بررسی اختلاف نسخ نیست، بلکه هدف اطلاع بر اخبار مشهور برای آماده سازی ذهن جهت نوعی آگاهی و زمینه سازی برای توجه بیش تر به این امر و توجه به وظیفه هر فرد نسبت به این امر حساس و حیاتی است. قصد ما تألیف صرف کتابی علمی نیست، بلکه وسیله ای برای آشنایی عموم مردم و مخاطبین و تسهیل در آشنایی با برخی وظایف خود در زمان غیبت و آشنایی به شرایط و علائم آن و ایجاد وسیله ای برای ذکر حضرت (علیه السلام) به روش آسان و توجه مستمر به آن جناب مقدس است.

استفاده از مطالب علمی و مستند که در کتب اصحاب به صورت متواتر ذکر شده و جمع بندی موارد ضروری تر برای مخاطبین امروز تا فاصله بین ترجمه و سردرگمی در آن و جستجوی در مصادر متعدد آن ها را خسته نکند و شوق و ذوق مخاطبین سریع تر و زودتر به مفاهیم منتخبه برسد.

## ذکر چهارده نکته مهم

### اشاره

اگر چه بنای ما بر طولانی نمودن کلام نیست، اما برخی نکات که توجه به آن ها ضروری است را لازم دانستم که متذکر شوم؛

### اول:

پیمودن راه حق همراه با دشواری، سختی و تحمل مصایب و مشکلات است؛ به صورت طبیعی برای رسیدن به هر هدف بزرگی نیاز به تلاش و کوششی در همان اندازه خواهد بود و قطعاً پیمودن راه حق و حقیقت همراه با ناملایمات و مشکلات

ص: ۹

است که اگر تحمل شوند راه خروج از آنها برای به ثمر نشستن اهداف ائمه (علیهم السلام) هموار خواهد شد کما این که در طول تاریخ اگر مردم بر راه حق استوار می ماندند و تحمل سختی ها آن را می نمودند این همه ناملايمات و آشوب در دنیا دیده نمی شد، کما این که از نظر عرف و عقل هم مسلم است که رسیدن به هر هدفی نیازمند تلاش، کار و پذیرفتن سختی های آن راه است، بدیهی است که هر چه هدف بزرگتر و والاتر باشد با تلاش و دشواری بیشتری همراه است: در کافی شریف روایت شده است که:

سَهْلٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَفْصِ التَّمِيمِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ الْخَنْعَمِيُّ قَالَ: قَالَ لَمَّا سَيرَ عُمَيْرُ بْنُ أَبِي ذَرٍّ إِلَى الرَّبَذَةِ شَيْعَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَقِيلُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ٣ وَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَلَمَّا كَانَ عِنْدَ الْوَدَاعِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)؛

يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّكَ إِنَّمَا غَضِبْتَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - فَارْجُ مَنْ غَضِبْتَ لَهُ إِنَّ الْقَوْمَ خَافُوكَ عَلَى دُنْيَاهُمْ وَ خِفْتَهُمْ عَلَى دِينِكَ فَارْحَلُوكَ عَنِ الْفِنَاءِ وَ امْتَحِنُوكَ بِالْبَلَاءِ وَ وَاللَّهِ لَوْ كَانَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ عَلَى عَبْدٍ رَتَقًا ثُمَّ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ لَهُ مِنْهَا مَخْرَجًا فَلَا يُؤْنِسُكَ إِلَّا الْحَقُّ وَ لَا يُوحِشُكَ إِلَّا الْبَاطِلُ... (١)

ای ابوذر تو برای خوشنودی خدا به خشم آمدی، پس به آن که برای او خشمگین شدی امیدوار باش، این قوم (بنی امیه) بر دنیای خود از تو ترسیدند - که مبادا ایشان

ص: ۱۰

را مفضح نمایی - لکن تو بر دین خود از آنها ترسیدی؛ پس آن چه که برای آن از تو می ترسند به دستشان ده و از آن صرف نظر کن و برای آنچه که بر آن می ترسی از این جماعت بگریز؛ پس این قوم چه بسیار نیازمند به آنچه تو آنها را منع نمودی هستند و تو نیز چه بسیار بی نیازی از آن چه که تو را از آن منع نمودند؛ لکن به زودی در فردای قیامت خواهی دانست که سود از آن کیست؛ و چه کسی رشک و حسرت بسیار خواهد برد، و اگر آسمان ها و زمین ها بر بنده ای بسته شود لکن آن بنده، با تقوی و خدا ترس و پرهیز کار باشد، خداوند برای او راه خلاص و برون رفت از مشکلات قرار می دهد (آن چنان که در قرآن کریم می فرماید: **وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ (۱)**) یعنی هر کس تقوی داشته و پرهیز کار باشد خداوند متعال برای او راه نجات قرار دهد، و از جایی که گمان ندارد او را روزی می دهد؛ پس جز حق با تو انس نمی گیرد؛ و از تو گریزان نمی شود مگر باطل؛ و اگر دنیای ایشان را می پذیرفتی هر آینه تو را دوست می داشتند، و اگر از دنیا چیزی برای خود جدا می نمودی و طالب آن می بودی تو را در امان می گذاشتند (زیرا می دانند که اهل دنیا برای حفظ دنیا بسیاری امور را مرتکب خواهد شد)؛

ص: ۱۱

برای آشنایی بیش تر با کیفیت وظیفه شیعیان در دوران غیبت و سختی های آن و روایات وارد شده در این باب که راهنمای همگان است می توانید به کتب و رساله های غیبت شیخ مفید و «الغیبه للنعمانی»، از ابو عبد الله، محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی (رحمه الله)، مشهور به ابن زینب، از راویان بزرگ شیعه در اوایل قرن چهارم هجری و شاگرد شیخ کلینی (رحمه الله) است و شامل روایاتی از ائمه معصومین (علیهم السلام) در باره غیبت امام زمان (علیه السلام) و خصوصیات آن حضرت و دوران ظهور و غیبت است، مراجعه نمایید.

**دوم:**

### **استقامت در عقیده و استمرار بر آن**

در کافی شریف نقل شده است که: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيَأْذُنْ بِحَرْبٍ مِنِّي مَنْ آذَى عَبْدِي الْمُؤْمِنَ وَ لِيَأْمَنَ غَضَبِي مَنْ أَكْرَمَ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ مِنْ خَلْقِي فِي الْأَرْضِ فِيمَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَاحِدٌ مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ لَأَسْتَعْنَيْتُ بِعِبَادَتِهِمَا عَنْ جَمِيعِ مَا خَلَقْتُ فِي أَرْضِي وَ لَقَامْتُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ أَرْضِينَ بِهِمَا وَ لَجَعَلْتُ لَهُمَا مِنْ إِيْمَانِهِمَا أَنْسًا لَا يَحْتَاجَانِ إِلَى أَنْسٍ سِوَاهُمَا. (۱)

ص: ۱۲

محمد بن یحیی از احمد بن محمد از ابن محبوب از هشام بن سالم نقل کرده که گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: هر کس بنده مؤمن مرا بیازارد، اذن جنگ با من را به خود داده است و هر کس بنده مؤمن مرا اکرام کند از غضب من ایمن خواهد بود، و اگر از تمام مخلوقات من در روی زمین بین مشرق و مغرب فقط یک نفر مؤمن به همراه امامی عادل باشد، به سبب عبادت این دو آن ها را از تمام مخلوقاتم که روی زمین است بی نیاز می سازم، و آسمان ها و زمین های هفتگانه را به سبب آن ها برپا نگه خواهم داشت، و به سبب ایمان آن دو نفر انسی برایشان قرار می دهیم که به مؤانست و هم نشینی دیگری نیازمند نباشند.

مفاد روایت بسیار روشن است که اگر انسان با عقیده صحیح عمل صالحی انجام دهد و بر آن پایبند باشد، خداوند او را کفایت می کند. این روایت یک راهنمای کلی برای توجه به این نکته است که انسان در اثر خوف و ترس از عواقب بعضی امور نباید دست از وظیفه شرعی و اخلاقی خود بکشد تا مبادا در تنگنا نیفتد، بلکه ثبات در عقیده و عمل صالح اقتضای توجه ویژه پروردگار را دارد که همواره به مؤمنین رحیم بوده و نصرتش به آنان نزدیک است، یعنی با اندک سبب و اقتضای از این رحمت و نصرت بهره مند می گردند. و لذا در قرآن کریم می فرماید: و الو اسقاموا لاسقیناهم ماء غدقا(۱)

و البته بعد از صبر و اسقامت، نصر و کمال هدایت خواهد بود.

ص: ۱۳



برای آشنایی بیش تر با خصوصیات دوره قبل از ظهور و بعد از آن می توانید به کتاب الغیبه که نام دیگر آن، «إثبات الغیبه» است، اثر شیخ الطائفه، شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (رحمه الله) در باره غیبت امام زمان (علیه السلام) و مسائل مربوط به آن است که به صورت مدلل نگاشته شده است، مراجعه نمایید.

### سوم:

انتظار فرج و توجه جدی شیعیان به وظیفه خود در مقابل امام و مولای خود؛

به وظایف شیعه در قبال امام خود و این که تلاش در این راه دارای اجر و ثواب بوده و هر قدمی در این راه، دارای تاثیر خواهد بود. به طور قطع مساله ظهور برای خیلی افراد که حاضر نیستند تسلیم حکم خداوند باشند و ظالمین و کسانی که از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) را یاری نمایند، امری دشوار و نامطلوب است و برای تاخیر آن تلاش می نمایند ولی بر مؤمنین لازم است که از هر قدمی که توان آن را دارند کوتاهی ننمایند زیرا که وعده الهی قطعا محقق خواهد شد و اگر به سبب این مردم و این زمان نباشد توسط عده ای دیگر و در زمان دیگری رخ خواهد داد و قوم و گروهی که تلاش بیشتر و خالصانه تری نمایند می توانند این توفیق عظیم کهنصرت دین خدا و یاری امام عصر (علیه السلام) را نصیب خود نمایند که متعدد در دعاها به ما تعلیم دادند این درخواست و آرزو را در مقام عمل و واقعا داشته باشیم که از معروف ترین این دعاها فرازی از زیارت عاشوراست که می فرماید: وَ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ

مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَدَرِ فِقْرِهِ أَيْ دَرِ اِدَامِهِ فَرَمُودِهِ وَ أَنْ يَزُوقَنِي طَلَبَ شَارِكُمْ - مَعَ إِمَامٍ مَهْدِي (١) كَهَ اِكْرَامِكَانَ نَصْرَتِ اِمَامِ مَهْدِي (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ خَوَانِخَوَاهِي اِمَامِ حَسِينِ (عَلَيْهِ السَّلَام) مَطْلُوبٌ وَ مُمْكِنٌ نَبُودُ، اَهْلُ بَيْتِ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) اَنْ رَا بَهَ مَا تَعْلِيمِ نَمِي دَادَنَدِ وَلِي نَيْلِ بَهَ اَيْنِ اَمْرٍ بَا تَقْوَى وَ مَعْرِفَتِ وَ تَوْسَلِ بَهَ ائِمَّةِ مَعْصُومِ (عَلَيْهِ السَّلَام) بَا قَيْدِ دُورِي وَ بَرَاةِ اَزِ دَشْمَنَانِ اَهْلِ بَيْتِ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) مَيْسِرِ اسْتِ؛

رسول خدا (صلى الله عليه و آله) در وصایای خود به امیرالمومنین (عليه السلام) می فرماید: وَ عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَ اِنْتِظَارِ الْفَرَجِ فَإِنَّ النَّبِيَّ (صلى الله عليه و آله) قَالَ: أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ، وَ لَمَّا يَزَالُ شَدِيْعَتُنَا فِي حُزْنٍ حَتَّى يَظْهَرَ وَ لَمَدِي الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و آله) أَنَّهُ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا، كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا (٢)

و امام رضا (عليه السلام) نیز در ضمن روایتی فرمودند: مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ اِنْتِظَارَ الْفَرَجِ (٣)

و وجه اهمیت صبر و انتظار فرج این است که لازمه انتظار فرج تقوای الهی و لازمه آن دوری از محرّمات و اتیان واجبات و عمل در مسیر شرع است و صبر نیز به صبر بر طاعت و صبر بر معصیت و صبر بر نائبه معنی شده که این نیز توضیح همان قید تقوی است.

ص: ١٥

---

١- کامل الزیارات ؛ النص ؛ ص ١٧٧

٢- الإمامه و التبصره من الحیره ؛ المقدمه ؛ ص ٢١

٣- قرب الإسناد (ط - الحدیثه) ؛ متن ؛ ص ٣٨٠

برای آشنایی بیشتر به کتاب نجم ثاقب در احوال امام غائب (علیه السلام) درباره امام دوازدهم شیعیان حضرت ولی عصر (علیه السلام) که به قلم میرزا حسین محدث نوری (رحمه الله) تالیف شده و به احوال شخصی، اثبات امام عصر (علیه السلام)، حکایت ملاقات کنندگان و وظایف مؤمنان نسبت به آن حضرت در عصر غیبت می پردازد.

#### چهارم:

توجه به این امر که غیبت امر ایجابی است که به سببی عارض شده است و در صورت برطرف شدن موانع حضور رخ خواهد داد، لذا باید دعا کردن و تضرع به درگاه خداوند متعال از طرف شیعیان و موالیان حضرت ادامه یابد. و این امری مسلم است که غیبت و محرومیت ما از ناحیه امام (علیه السلام) نیست و امام (علیه السلام) اقتضای حضور را دارد و اگر مانعی هست از طرف مردم است. امام رضا (علیه السلام) در ضمن روایتی در تفسیر آیه و لتسئلن یومئذ عن النعیم (۱) فرمود:

.... النَّعِيمِ حُبْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مُوَالَاتِنَا يَسْأَلُ اللَّهُ عِبَادَهُ عَنْهُ بَعْدَ التَّوْحِيدِ وَ التُّبُوهِ (۲)

مراد از نعیم محبت و ولایت ما اهل بیت (علیهم السلام) است که خداوند بعد از توحید و نبوت درباره آن از مردم سؤال خواهد کرد. آیا در زمان حضور موالات نسبت به امام (علیه السلام) مهم تر است یا در زمان غیبت؛

ص: ۱۶

---

۱- سوره تکاثر. آیه ۸.

۲- عیون الأخبار ...؛ ج ۲؛ ص ۱۲۹

و آیا در زمان غیبت از موالات نسبت به حضرت مهدی (علیه السلام) سوال نمی شود؟

و در سایر موارد امر به همراهی و یاری و نصرت امام مهدی (علیه السلام) می شود و درخواست خونخواهی از مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) می شود و این معنی موالات است که اگر بخواهد تحقق یابد، باید شیعیان نسبت به مولای خود وظایفشان را انجام دهد و این امر از چند جهت دارای اهمیت مضاعف است:

اول این که امام معصوم (علیه السلام) در زندان غیبت و در اثر افعال ما مغلول الید و در پرده حجاب است و ما توجه نداریم و این چه موالاتی است که نه تنها نصرت و یاری نداریم بلکه به سبب اعمال خود، حضرت را رنجانده و باعث زندانی شدن او هستیم؟ آیا برای این امر جوابی هست که روایت فرموده در این مورد سوال خواهد شد؟

دوم: حضرت چون اهداف همه انبیاء و اولیاء و اجداد مطهرش (علیهم السلام) را باید پیاده و جاری نماید و دنیا را پر از عدل و داد نماید، باز از این جهت نیز اجرای این امر به تاخیر می افتد؛

سوم: حضرت منتقم خون اجداد مطهر خود (علیهم السلام) و امام حسین (علیه السلام) و سایر خون های به ناحق ریخته اجداد طاهرینش می باشید که با این مصایب، قلب حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و حضرت زهرا سلام الله علیها داغدار و محزون و مجروح است و شفای قلوب آن بزرگواران و ارتفاع پرچم و علم اهل بیت (علیهم السلام) که سالهاست بر زمین مانده است و باید بدست حضرت افراشته گردد، نیز به تاخیر می افتد.

لذا امیرالمومنین (علیه السلام) در ضمن روایتی می فرماید:

وَ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُحِبُّونَا بِقُلُوبِكُمْ وَ يُخَالِفُ ذَلِكَ فِعْلُكُمْ (۱)

و شما مردمی هستید با قلوب خود ادعای دوستی و محبت ما می کنید، ولی در عمل و کردار با ما مخالفت می کنید. و این گونه کجا معنای موالات اهل بیت (علیهم السلام) که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن را مزد و اجر رسالت خویش قرار داده است، حاصل می شود مگر این که انسان در مسیر اطاعت و ولایت و برائت از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) بوده و با امام زمان (علیه السلام) در آشتی و صلح باشد و با توسل به آن بزرگواران (علیهم السلام) در مسیری که خداوند متعال خواسته، برای یاری دین خدا قدم بردارد؛

و مهم این که هیچ فردی در هیچ شرایطی و با هر حال و وضعیتی نباید تصور نماید من یارای نصرت حق را ندارم و یا خود را حقیر و یا ناامید پندارد بلکه به طور مسلم رأفت اهل بیت (علیهم السلام) به گونه ای است که طالب صادق را می پذیرند و راه و مسیری که باید جاری شود از عدل و داد و حکومت الهی، که ظرفیت برای تلاش و یاری همه افراد هست و اهل بیت (علیهم السلام) و مشی و سیره آن بزرگواران به گونه ای به افراد می نگرند تا به هر گونه ممکن به بهانه وجود هر گونه خیر و استعداد که بتوان در افراد پیدا کرد، و به این بهانه از افراد دستگیری نمایند؛ فلذا یاس و ناامیدی و حقیر و

ص: ۱۸

ناتوان شمردن و کار را تمام شده دانستن فریب و دام شیطان است، زیرا که راهی که به این طریق شما را از آن منع می کند پر است از سعادت و بهجت و خوشبختی و رضایت و نعمت های بزرگ و عظیم در زیر سایه ولایت مولا- امیرالمومنین (علیه السلام) و یازده فرزند گرامیش سلام الله علیهم اجمعین. برای فهم بهتر این امر به کتاب مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم اثر عالم جلیل القدر سید محمدتقی موسوی اصفهانی (رحمه الله) است که مشتمل بر علل، فواید و نتایج دعا برای حضرت ولی عصر (علیه السلام) و نیز وظایف منتظران و شیعیان آن حضرت (علیه السلام) در زمان غیبت است؛

#### پنجم:

توجه و یاد حضرت و تشکیل مجالس دعا برای فراگیر نمودن مساله انتظار و معرفی آن به عنوان یک وظیفه همگانی برای تمام شیعیان، که هم بنفسه موضوعیت داشته و در مجلسی که ذکر اهل بیت (علیهم السلام) گفته شود سبب نزول رحمت است و از طرفی احیاء امر این بزرگواران است. چون به هر اندازه امر اهل بیت (علیهم السلام) احیا شود امر دشمنانشان محو می شود؛

امیرالمومنین (علیه السلام) پس از این که خبر شهادت محمد بن ابی بکر به او رسید فرمود؛

إِنَّ حُزْنَنا عَلَيْهِ عَلَى قَدْرِ سُورِهِمْ بِهِ إِلَّا أَنَّهُمْ نَقَصُوا [نُقِصُوا] وَبَغِيضاً وَنَقَصْنَا [نُقِصْنَا] حَيْبِيا (۱) حزن ما بر این امر به اندازه خوشحالی دشمن ما است مگر این که از آنان دشمنی کم شده و از ما دوستی کم شده است. یعنی واضح است که خوشحالی دشمن باعث حزن دوستان و حزن دشمن باعث خوشحالی دوستان می شود.

کتاب دار السلام عالم جلیل شیخ محمود عراقی (رحمه الله) دیگر هدیه ای است که در اختیار شیعه است.

#### ششم:

ترسیم دوره حضور و تلاش برای رسیدن به آن، زیرا که بیان روایات از آن دوران با شکوه سبب علاقه و تشویق بیشتر و عطش مضاعف برای حضور حضرت است. بصائر الدرجات محمد بن حسن صفار (رحمه الله)، کمال الدین شیخ صدوق (رحمه الله) و ارشاد شیخ مفید (رحمه الله) نیز درباره مبحث امامت و حضرت بحث مفصل کرده اند.

#### هفتم:

همراهی با امام عصر (علیه السلام) آرزوی همه ائمه و اولیاء (علیهم السلام) است: روشن است که هدف همه انبیاء (علیهم السلام) برپای حکومت عدل و اثبات کلمه توحید است. جلوه کامل تمام

ص: ۲۰

شرايع گذشته دين اسلام است كه توسط خاتم انبياء (صلى الله عليه و آله) به بشر هديه داده شد و پس از تلاش ها و جانفشاني هاي بسيار ائمه اطهار (عليهم السلام) به دست امام عصر (عليه السلام) به ثمر نهايي مي رسد. پس حضرت هم از اين جنبه كه موجب تعالي نهايي و اجراي كامل اسلام است ثمره ائمه و انبياء (عليهم السلام) است.

ديگر منبع مهم جلد ۵۲ كتاب شريف بحار علامه مجلسي (رحمه الله) است كه به اخبار حضرت پرداخته است و نيز جلد ۲۳ تا ۲۷ كه روايات مباحث مربوط به امامت است. مطالعه كتاب تكاليف الانام في غيبه الامام تاليف عالم بزرگوار علي اكبر همداني (رحمه الله) نيز مغتنم است.

#### هشتم:

منتظرين واقعي حضرت خود اهل بيت (عليهم السلام) هستند: پس از آن جا كه ثمره زحمات و تلاش هاي ائمه به دست مبارك حضرت مي باشد و حضرت اهداف و خواسته هاي اجداد طاهرينش (عليهم السلام) را عملي مي نمايد و از اين جهت كه ظلم هاي بسيار زياد و طاقت فرسا و غير قابل بيان بر حضرات ايشان وارد شده و حقوق اهل بيت (عليهم السلام) منع شده و خون بسياري از فرزندان ايشان توسط دشمنان رسول خدا (صلى الله عليه و آله) به ناحق ريخته شده - از طفل در شكم مادر تا طفل شش ماهه و سه ساله گر چه اين خاندان كلهم نور واحد بوده و خلقت نوري دارند و بزرگ و كوچكشان در حدي از عظمت اند كه لا يقاس بآل محمد من هذه الامه احد - و در علم ازلي پروردگار مقرر است كه



حضرتش انتقام خون های به ناحق ریخته و حقوق و مناصب غصب شده ایشان را بگیرند، لذا خود اهل بیت (علیهم السلام) منتظرین واقعی ظهور حضرت هستند. مطالعه کتاب دلائل الامامه تالیف ابی جعفر محمد بن جریر رستم طبری (رحمه الله) توصیه دیگر ما به علاقمندان است. البته خرائج و جرائح راوندی (رحمه الله)، احتجاج طبرسی (رحمه الله) و کشف الغمه نیز درباره امامت توصیه شده است.

#### نهم:

حضرت به شیعیان خود اشراف کامل و عنایت ویژه دارند و موالیان آن حضرت قطعاً از دوستان ایشان مراقبت و دستگیری می کنند کما این که در توقیعات متعدد و به اقتضای عموماتی که در شأن امام (علیه السلام) وارد شده است این معنی استفاده می شود: کما این که در روایتی از امام رضا (علیه السلام) - و نیز از امام امیرالمومنین (علیه السلام) مشابه آن وارد شده است - وارد شده که در شأن امام فرمود:

... و الأئمة الشفیع، مفرع العباد فی الدواهی و الحاکم و الأمر و الناهی، مهیمن الله علی الخلائق و أمینه علی الحقائق، حجّه الله علی عباده و محبته فی أرضه و بلاده (۱)

امام، پدر مهربان، پناه بندگان در هنگام مصایب سنگین، حکم کننده و امر و نهی کننده، نگهبان امر خدا برای بندگان، امین خداوند بر بندگان، حجت خداوند بر بندگان و مسیر و جاده رسیدن به خداوند در زمین است.

ص: ۲۲

و در توقیع شیخ مفید (رحمه الله) آمده است که حضرتش فرمود: ... وَ إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاةِكُمْ وَ لَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا [وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ] عَلَى اجْتِمَاعِ الْقُلُوبِ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا فَمَا يُحْبَسُ عَنْهُمْ مُشَاهَدَتُنَا إِلَّا لِمَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ :

همانا ما در مراعات احوال شما اهمال نداریم و یاد شما را فراموش نمی کنیم و اگر این امر نبود، حتماً شدت و بلا بر شما نازل می شد و دشمنانتان شما را ریشه کن می نمودند و اگر شیعیان ما - که خداوند آن ها را بر اطاعتش موفق بدارد - قلوبشان مجتمع می شد، سعادت لقای ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد:

پس چیزی موجب دوری آن ها از ما نمی شود مگر آن چه از اعمال آن ها که ما از آن کراهت داریم. و این نشاگر رحمت و عطوفت خاص نسبت به شیعیان است و اگر خود، آن چه شایسته شیعه نیست، مرتکب نشوند، از برکات حضور حضرت بهره مند خواهند شد و این امر وجه دیگری از انتفاع از حضرت را بیان فرموده که مشروط به شرط است و در علم اصول مسلم است که اگر مولی علم به انتفای شرطی داشته باشد امر به آن مشروط نمی کند و این دلیل کافی است بر امکان تحقق این مشروط که فیض به لقای حضرت است. (۱)

ص: ۲۳

---

۱- امر و مطلوبیت از این خطاب نیز فهمیده می شود: خطابات شارع لزوماً به صیغه امر نیست بلکه با مضارع مثل یعتق رقبه و یا لا- جناح علیکم که مفید و خوب قصر است و یا بیان محبویت و یا تجسم برزخی عمل است کما این که می فرماید: احب الاعمال الی ... و این ها جعلشان این گونه بوده و مطلوبیت و یا مبعوضیت را می رسانند.

برای معرفی بهتر حضرت به همراه ادله معتبر به کتاب الزام الناصب فی اثبات الحججه الغایب (علیه السلام) تألیف شیخ علی بن زین العابدین حایری یزدی مراجعه نمایید.

کتاب رجعت و جلاء العیون علامه مجلسی (رحمه الله) و مدینه المعاجز بحرانی (رحمه الله) و نوائب الدهور سید اجل میرجهانی (رحمه الله) نیز حاوی نکات ارزنده است.

#### دهم:

اهداف همه انبیاء و اولیاء به دست حضرت محقق می شود، کما این که اشاره شد. پس حضرت غایت همه غایات و منتهای آرزوی هر آرزومند و حد اعلی هر مکتب است؛ برای آشنایی بیشتر با کلمات آن سرور به کتاب المختار من کلمات الامام المهدی علیه السلام تألیف شیخ محمد غروی (رحمه الله) مراجعه نمایید. اعلام الوری طبرسی (رحمه الله) و احقاق الحق قاضی شوشتری (رحمه الله) نیز مفید فائده است.

#### یازدهم:

از لوازم توجه به حضرت است و این که باب استغاثه به حضرت همواره باز است و نواب حضرت در این امر نقش دارند، کما این که در عریضه های که نوشته می شود، باز در آخر این بزرگواران را خطاب می کنیم و این معنی را علامه مجلسی (رحمه الله) فرموده: در این حالات روحانی در اندیشه ات این گونه باشد که نامه را به دست آن

حضرت تسلیم کرده ای: زیرا، نامه به دستش مبارکش می رسد و به خواست خدا، حاجت و خواسته ات برآورده می شود. (۱)

محدث نوری (رحمه الله) فرموده است: از این روایت شریف استفاده می شود که این چهار بزرگوار، که در زمان غیبت صغری و اولیه امام زمان (علیه السلام) به عنوان واسطه بین امام شیعیانش بودند و پاسخ ها و نامه ها را عرضه می داشتند و پاسخ ها و نامه های آن امام عزیز را به صاحبانش می رساندند:

در زمان غیبت طولانی و کبرای امام زمان (علیه السلام) نیز در رکاب گرامی و ارزشمند آن حضرت هستند و این مقام (واسطه بودن) را هنوز در اختیار دارند. (۲)

المقنع سید علم الهدی (رحمه الله) که برخی امور فقهی و حدود و امور دیگر در زمان غیبت را ذکر کردند و الامامه و التبصره شیخ صدوق (رحمه الله) و اثبات الوصیه مسعودی (رحمه الله) نیز مفید است.

### دوازدهم:

مهم ترین راه تقرب به حضرت تحصیل رضایت حضرت است کما این که در روایات متعدد نیز به آن اشاره شده است. منبع دیگر کتاب تبصره الولی ممن رأى القائم المهدی تألیف عالم بزرگوار سید هاشم بحرانی (رحمه الله) است. البته دارالسلام، العبقری، بحار شریف، کشف الاستار و نجم الثاقب هم مثل بقیه ذکر کرده اند.

ص: ۲۵

---

۱- بحار الانوار ج ۹۴ ص ۳۰

۲- نجم الثاقب ص ۷۹۰

بهترین راه برای استقامت تحصیل معرفت امام (علیه السلام) و جایگاه ایشان است که اگر به خوبی تبیین شود ریشه خیلی از ترس ها و شک ها و اعمالی که سبب دوری از راه حق است، خشکانده می شود. استمرار بر زیارات معصومین (علیهم السلام) و توسل به دامان آن بزرگواران و ادعیه مربوط به آن ها، سبب تحصیل معرفت و ارتقاء روحی و شناخت جایگاه حقیقی ائمه معصوم (علیهم السلام) و اشراف و دستگیری آنان برای شیعیان است.

مجموعه ادعیه و زیارات حضرت (علیه السلام) در کتاب شریف صحیفه مهدیه (علیه السلام) تألیف الاستاذ الجلیل سید سیستانی گردآوری شده که برای اهل عمل مغتنم است؛ برای آشنایی با عنایات حضرت و تشرفات و الطاف حضرت (علیه السلام) می توانید به کتاب العبقری الحسان تألیف عالم جلیل القدر شیخ علی اکبر نهاوندی (رحمه الله) مراجعه نمایید.

#### چهاردهم:

مطالعه در احوالات شیعیان و مصائب آنان در طول تاریخ حیاتی و لازم است که چگونه معارف دین را به دست ما رسانده اند که نوعی سیره را به ما می آموزد که از متابعت کامل معصوم (علیه السلام) در هر امری دوری نکنیم تا بدین وسیله از سلامت در دین برخوردار شده و در دوران غیبت در دام شیاطین نیفتیم. مطالعه کتب ملاحم و فتن چون کتاب التشریف بالمنن از تالیفات سید جلیل سید بن طاووس (رحمه الله) مغتنم است؛

## مسلك اول: بيان اخبار و رواياتى حول امام (عليه السلام)

### اشاره

\* بشارت امام مهدي (عليه السلام)

ص: ۲۷



## بیان اخبار و روایاتی حول امام (علیه السلام)؛ بشارت امام مهدی (علیه السلام)

### مقصد اول؛ بشارت امام مهدی (علیه السلام)

در کتاب دلائل الإمامه آمده است: (۱)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): أَبَشِّرُوا بِالْمَهْدِيِّ، فَإِنَّهُ يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى شِدَّةٍ وَ زَلْزَلٍ، يَسْعُ اللَّهُ لَهُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: بشارت دهید به مهدی (علیه السلام)؛ که او در آخر الزمان در هنگام شدت و اضطراب خواهد آمد و زمین را از عدل و داد پر می کند.

و نیز رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در ضمن حدیث دیگری فرمودند:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي (۲).....

قیامت برپا نمی شود تا این که مردی از اهل بیت من (علیهم السلام) مالک زمین شود .... که روایات و اخبار در این باب بسیار است و در فضیلت حضرت و بشارت به ایشان از همه معصومین (علیهم السلام) روایت وارد شده است.

همه ائمه نور واحد بوده و اولین و آخرین آن بزرگواران یک هدف که هدایت و کمال بشر و استقرار عدالت در سراسر عالم را داشته اند و اقتضای این امر در همه آن بزرگواران بوده است کما این که در بعضی روایات نیز نجات نهایی و هدایت امت

ص: ۲۹

---

۱- دلائل الامامه - ص ۴۶۷

۲- دلائل الامامه - ص ۴۸۱



آخرالزمان به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت داده شده است زیرا که ایشان، صاحب شریعت است؛ اما این امر به سبب و توسط امام زمان (علیه السلام) محقق می شود:

در کتاب اختصاص منسوب به شیخ مفید از امام صادق یا امام باقر (علیهما السلام) آمده است: (۱)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَوْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ أَوْلُنَا دَلِيلَ عَلِيٍّ آخِرِنَا وَ آخِرُنَا مُصِيبٌ لَأَوْلِنَا وَ السُّنَّةُ فِينَا سَوَاءٌ وَ إِذْ حَكَمَ اللَّهُ حُكْمًا أُجْرَاهُ

اولین از ما (اهل بیت و ائمه) راهنمایی کننده به آخرین ما هستیم و آخرین ما تصدیق کننده اولین ما هستیم و سنت نزد همه ما یکی است و وقتی خداوند حکمی را جعل نماید آن را به فعل می رساند.

و نیز در اختصاص از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: (۲)

رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) وَ نَحْنُ فِي الْأَمْرِ وَ النَّهْيِ وَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ نَجْرِي مَجْرِي وَاحِدًا فَأَمَّا رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ (عليه السلام)

فَلَهُمَا فَضْلُهُمَا

همانا رسول خدا و ما در امر و نهی و حلال و حرام یک مسیر را می پیمائیم و اما فضل رسول خدا و علی (علیه السلام) مختص ایشان است. و نیز در اختصاص آمده است که

ص: ۳۰

---

۱- اختصاص - ص ۲۶۷

۲- همان؛

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی به ابوالصباح فرموده: (۱)

فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَا أَبَا الصَّبَاحِ إِنَّهُ لَا يَجِدُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا لِآخِرِنَا مَا لِأَوَّلِنَا

بنده به حقیقت ایمان نمی رسد تا این که علم پیدا کند به این که، هر آن چه برای اولین ما هست برای آخرین ما نیز خواهد بود. لذا از این حیث همه ائمه (علیهم السلام) در مسیر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده و یک آرمان را دنبال می نمایند. مطلب دیگر این که امام در هر عصر که هدف غایی خلقت و جانشین خداوند بر روی زمین و حجت بر بندگان است باید زنده و حی باشد.

و در اختصاص در روایتی از امام صادق (علیه السلام) فرموده است: (۲)

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّ الْحُجَّةَ لَا يَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَيٍّ يُعْرَفُ

حجت بر بندگان و خلق خدا نمی باشد مگر به امام زنده شناخته شده. و نیز در روایتی از امام رضا (علیه السلام) وارد شده است که امام باقر (علیه السلام) به همین مضمون فرموده است.

**مقصد دوم؛ شناخت و معرفت به امام (علیه السلام) در زمان حیات**

**اشاره**

لذا در روایات فرمودند حجت خدا باید زنده باشد و معرفت به امام حی و زنده شرط ایمان بوده و الا اگر کسی این شرط را دارا نباشد مثل مردم جاهلی خواهد بود: یعنی حیات و مرگ جاهلیت داشتن و نداشتن، دائر مدار معرفت به امام حی و زنده است:

ص: ۳۱

۱- اختصاص - ص ۲۶۸

۲- همان؛

و در اختصاص منسوب به شیخ مفید نقل شده است که عُمَرُ بْنُ يَزِيدَ گوید که از امام أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ (علیه السلام) شنیدم که فرمود: مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً إِمَامٌ حَيٌّ يَعْرِفُهُ فَقُلْتُ لَمْ أَسْمَعْ أَبَاكَ يَذْكُرُ هَذَا يَعْنِي إِمَامًا حَيًّا فَقَالَ قَدْ وَ اللَّهِ قَالَ ذَاكَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَالَ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ يَسْمَعُ لَهُ وَ يُطِيعُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً (۱)

هر کس بدون این که امامی داشته باشد بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است، امام زنده ای که او را بشناسد. عرض کردم: از پدرتان این را نشنیده بودم که امام حی و زنده مراد باشد: فرمود: به خدا سوگند که این امر را رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرموده است و نیز رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: هر کس بمیرد و امامی نداشته باشد که کلام وی را شنیده و مطیع آن باشد به مرگ جاهلی مرده است.

اما به حسب ظاهر همه دارای امام هستند و به آن معرفت نیز دارند. اما امام حق و راه درست کدام است که این همه مورد سفارش است؛ دارا بودن برخی امور خارق عادت ملاک این امر نیست چون این امر ممکن است ثمره ریاضت بوده و یا منشاء نفسانیداشته باشد. قرب معنوی و به صف ملک رسیدن هم دلیل نمی شود، چرا که ابلیس نیز به این امر نایل شد. حتی صیحه آسمانی هم در تأیید حق و نیز باطل خواهد بود؛ زیرا

ص: ۳۲

که گروه مخالف امیرمؤمنان (علیه السلام) نیز با صیحه آسمانی و به همان روش مشابه تایید می گردد لکن از طرف شیطان این تایید را دریافت می کنند؛<sup>(۱)</sup>

دارا بودن آیات الهی هم نمی تواند لزوماً اثبات حقانیت نماید زیرا که بلعم باعورا نیز این امر را دارا بود. در سوره اعراف می فرماید: وَ أَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ<sup>(۲)</sup> که مفسرین فرمودند مراد بلعم باعوراست که از آیات الهی هم به وی داده شده بود ولی وی در مسیر الهی نبود. پس راه درست چگونه شناخته می شود با چند امر:

مراجعه به اخبار و شرع مقدس و منابع و متون و ثقافه دینی که به خوبی توسط فقها و علمای عامل این مسئله تبیین و شاخصه های آن را بیان نمودند.

درخواست دائمی و صادقانه و توسل به خدای تعالی و اولیائش که از انسان دستگیری نمایند که اگر کسی صادقانه طالب معرفت و کمال باشد تکویناً عوالم وجودی در مسیر تکامل وی قدم برداشته و وی را یاری می دهند چرا که همه این زمینه ها به اذن امام (علیه السلام) بوده و وظیفه آن بزرگواران در جایگاه عالم هستی نیز همین مطالبات است که در مسیر رضوان خدای تعالی از انسان دستگیری نمایند. یکی از معانی حقیقی تسبیح موجودات برای خدای متعال نیز حرکت فطری و طبیعی و غریزی این موجودات در

ص: ۳۳

---

۱- گرچه روایات تصریح دارند که صیحه اول صحیح و برحق و صیحه دوم باطل است.

۲- الأعراف : ۱۷۵

راه خدمت به تکامل انسان است؛ و ملازمت با علماء حق و پرهیزگار که جز به رضایت خدا و ائمه (علیهم السلام) نمی اندیشد و در این امر با مجاهدات معنوی و علمی توان شناخت راه صحیح از کجراهه را می دانند. کما این در ملازمت با علماء ربانی فواید بسیار حاصل است و در علل الشرائع روایت است که امام اَبی الْحَسَنِ (علیه السلام) فرمود: [\(۱\)](#)

اِخْتِلَافُ أَصْحَابِي لَكُمْ رَحْمَةٌ:

رفت و آمد و ملازمت با اصحاب ما سبب رحمت برای شماست. مراد از اختلاف، اختلاف در فتوی نیست کما این که در روایتی از امیرالمومنین (علیه السلام) در وصف اهل بیت (علیهم السلام) می خوانیم:

وَ مَوْضِعُ الرَّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَ هُمْ كَالسَّمَاءِ الْمَرْفُوعَةِ [\(۲\)](#) و در فرازی از زیارت جامعه کبیره و سایر روایات هم به این معنا زیاد آمده و روشن است. یعنی رفت و آمد و نشست و برخاست با عالم ربانی سبب و مزید هدایت است؛

\*\* معرفت امام (علیه السلام) حکمت است؛ در کافی شریف نقل می کند: [\(۳\)](#) ۱۱- علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس عن ایوب بن الحر عن اَبی بصیر عن اَبی عبدالله (علیه السلام) فی قول الله عز و جل و من یؤت الحکمه فقد اوتی خیرا کثیرا [\(۴\)](#) فقال طاعه الله و معرفه الإمام

ص: ۳۴

۱- علل الشرائع- ج ۲ ص ۳۹۵

۲- کتاب سلیم بن قیس الهمدانی؛ ج ۲؛ ص ۵۹۲

۳- الکافی (ط - الإسلامیه)؛ ج ۱؛ ص ۱۸۵

۴- البقره: ۲۷۳.

ابوبصیر نقل می کند که از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم مراد از تفسیر آیه و من یؤت الحکمه فقد أوتی خیرا کثیرا کدام است؛

فرمود طاعت خداوند و طاعت امام (علیه السلام) و در موضع دیگری باز نقل می کند؛<sup>(۱)</sup>

۲۰- یونس عن ابن مسکان عن أبي بصیر عن أبي عبد الله (علیه السلام) قال سمعته یقول

و من یؤت الحکمه - فقد أوتی خیرا کثیرا<sup>(۲)</sup> قال معرفه الإمام و اجتناب الكبائر التي أوجب الله علیها النار

مراد از حکمت و خیر کثیر معرفت امام (علیه السلام) و اجتناب کردن از گناهان کبیره است، که خدای متعال آتش دوزخ را بر گردن آنها واجب کرده است. و در بحار الانوار از تفسیر قمی نقل کرده که علی بن قصیر از حضرت امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که پرسیدم؛<sup>(۳)</sup>

قلت جعلت فداک قوله و لقد آتینا لقمان الحکمه قال أوتی معرفه إمام زمانه

فدایت شوم تفسیر این آیه چیست: وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ بِه لَقْمَانِ حِكْمَتِ آمُوخْتِيمِ؛ فرمود معرفت امام زمان خودش به او داده می شود؛

ص: ۳۵

---

۱- الکافی (ط - الإسلامیه)؛ ج ۲؛ ص ۲۸۴

۲- البقره: ۲۶۹.

۳- بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۲۴؛ ص ۸۶

و در نوادر المعجزات آمده است که امام باقر (علیه السلام) در ضمن روایتی به جابر فرموده است: یا جابر، إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٍ، مَنْ قَاسَ بِنَا أَحَدًا مِنَ الْبَشَرِ فَقَدْ كَفَرَ؛<sup>(۱)</sup> ای جابر، ما اهل بیتی هستیم که هیچ کس با ما قیاس نمی شود: هر کس احدی را با ما قیاس کند پس کافر شده است.

### به سبب امام (علیه السلام) خداوند عبادت می شود

در دلایل الإمامه نقل شده است که یعقوب سراج نقل کرده که از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم:

تَبَقَى الْأَرْضُ يَوْمًا بِلَمَّا عَالِمٍ مِنْكُمْ حَتَّى ظَاهَرَ، يَفْرَعُ إِلَيْهِ النَّاسُ فِي حَلَالِهِمْ وَ حَرَامِهِمْ. قَالَ: إِذَنْ لَا يُعْبَدُ اللَّهُ، يَا أَبَا يُوسُفَ. (۲) آیا روزی هست که زمین بدون عالمی از شما اهل بیت (علیهم السلام) باشد که مردم در حلال و حرام خود به وی رجوع نمایند؛

فرمود: ای ابایوسف؛ در این صورت خداوند پرستیده نمی شود؛ از این بیان معلوم است که اگر احکام الهی از غیر مسیر امام و حجت خدا و یا آن کسانی که خودشان فرمودند گرفته شود عمل به این احکام عبادت محسوب نمی شود، زیرا که از مسیر صحیح و درست خودش نبوده است.

ص: ۳۶

---

۱- نوادر المعجزات ... ؛ ص ۲۶۷

۲- دلایل الامامه (ط - الحديثه) ؛ ؛ ص ۴۳۳

یعنی علاوه بر موافقت عمل با واقع، اخذ آن از مسیری که شرع معین کرده و تعبد به آن نیز لازم است. و نیز این اخبار عموماً فوقانی هستند که مفید این معنی هستند که در هر عصری امامی از اهل بیت (علیهم السلام) در زمین خواهد بود؛

### زمین بدون حجت نیست

در دلائل الإمامه آمده است که امام باقر (علیه السلام) فرمود:

لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ لَمَاجَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا، كَمَا يَمْوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ (۱)

اگر امام شناخته شده ای نباشد؛ زمین اهل خود را فرامی گیرد آن گونه که موج دریا اهل آن را در بر می گیرد؛ یعنی اهل زمین از حق و عبودیت و بندگی خداوند متعال روی بر می گردانند؛ آن چه که موجب هدایت مردم می شود امام است و این ها در صورت معرفت به امام حاصل می شود. هم چنین در دلائل الإمامه آمده که امام باقر (علیه السلام) فرمود:

لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْمًا وَاحِدًا بِلَا إِمَامٍ مِّنَّا لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا، وَ لَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ بِأَشَدِّ عَذَابِهِ، وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَنَا حُجَّةً فِي أَرْضِهِ وَ أَمَانًا فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ لَنْ يَزَالُوا بِأَمَانٍ مِنْ أَنْ تَسِيخَ بِهِمُ الْأَرْضُ مِمَّا دُمْنَا بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَهْلِكَهُمْ، ثُمَّ لَا يُمْهِلُهُمْ، وَ لَا يُنْظِرُهُمْ، ذَهَبَ بِنَا مِنْ بَيْنِهِمْ، ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ (تَعَالَى) بِهِمْ مَا يَشَاءُ (۲).

ص: ۳۷

۱- دلائل الإمامه (ط - الحديثه) ؛ ؛ ص ۴۳۵

۲- دلائل الإمامه (ط - الحديثه) ؛ ؛ ص ۴۳۶



اگر زمین یک روز بدون امامی از ما باشد اهل خود را فرو می برد و خداوند آن ها را به اشد عذاب ها عذاب می کند: و این به این خاطر است که خداوند ما را حجت بر روی زمین و مایه امان اهل آن قرار داده است: تا زمانی که ما در میان آنان هستیم همواره در امان هستند: اما اگر خدای متعال اراده هلاک آنان را نماید و به آنها مهلت نداده و به آنان نظر رحمت ننماید، ما را از میان آن ها برداشته، سپس هر کاری بخواهد با آنان می کند.

## نکات

وجود امام مایه امان اهل زمین از تمام موجودات است.

امام حجت خداوند برای اهل زمین است.

امام یا بین مردم و ظاهر است و یا ظاهر نیست یعنی امام ممکن است غائب باشد.

غیبت امام مقتضی هلاک مردم و نشانه عذاب الهی است. با وجود امام نظر رحمت الهی بر بندگان ممکن است.

لذا مشابه این روایت در قرآن هم آمده است که خداوند به رسول خویش در سوره انفال فرموده **وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَعْفِرُونَ (۱)** خداوند تا زمانی که تو در بین مردم هستی آنان را عذاب نمی کند و تا زمانی که استغفار می کنند آنان را عذاب نمی کند.

ص: ۳۸

اول: جمله وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ را دوبار تکرار کرده یعنی هم در صورت وجود سبب حکم یعنی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) و هم در صورت استغفار این حکم خواهد بود و نفرمود وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ که توهم شود این دو با هم علت حکم بوده و حیث، حیث تقییدی باشد یعنی وجود هر کدام به تنهایی علت حکم که عدم عذاب است، می باشد.

دوم: دانسته شد که وجود امام (علیه السلام) مایه امان است و استغفار نیز مایه امان و عدم عذاب است است. پس چرا خدای متعال در سوره توبه به رسول خویش فرمود:

اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۱) نه تنها اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) حضور داشته باشد بلکه اگر خود پیامبر هم بخواهد و به سببی تمسک کند که آن سبب خودش هم در صورتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در بین امت نباشد اقتضای این را دارد که مایه امان اهل ارض باشد و آن استغفار است، چرا اگر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) برای این افراد استغفار نماید و بلکه هفتاد بار و به کثرت استغفار نماید آمرزیده نمی شوند، زیرا که اینان اقتضای آمرزش را خود، ضایع نموده اند؛

ص: ۳۹

زیرا که به خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کافر شدند. کفر به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حکم کفر به خدا و کفر به جانشینان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حکم کفر به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است، زیرا که مراد از کفر عدم ایمان است و ایمان با متابعت در قول و فعل و سیره و همه احکام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) محقق می شود. پس از این آیه یک حکم کلی استفاده می شود که این آموزش و استغفار شامل کسانی است که اهل ایمان هستند، یعنی اگر اهل ایمان هستند استغفار مایه امان آنهاست و دوم اگر کافر به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نباشند استغفار برای آنها مفید است ولو استغفار نکنند بلکه صرف وجود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در بین امت برای افرادی که به وی ایمان دارند مایه امنیت است. یعنی آیه انصراف از کفار و غیر اهل ایمان - که روشن است - دارد و یا بشود گفت مراد از امان یافتن همان هدایت شدن است که به سبب هدایت به سعادت و کمالی برسند که در امنیت و سلامت قرار بگیرند.

هم چنین در الإمامه و التبصره نقل شده است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: (۱)

اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَا تُخْلِ الْأَرْضَ مِنْ حُجَّهِ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ، ظَاهِرًا أَوْ خَافِيًا مَعْمُورًا، لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجَّتُكَ وَ بَيِّنَاتُكَ

خداوندا، تو زمین را از حجّت بر بندگانت خالی ننمودی؛ حجّتی که یا ظاهر است یا پنهان و گمنام، تا حجّت و دلایل تو در زمین باطل نشود.

ص: ۴۰

نکات: زمین خالی از حجت نمی ماند؛

حجت ممکن است از دیده ها پنهان باشد و یا این که گمنام و ناشناخته باشد؛

قوام حجج و دلائل الهی به سبب حجت خداست. و این خبر نیز از عمومات دال بر وجود حجت خداوند در هر عصر و زمان است؛ پس این روایت مثل روایتی دیگری که در قبل ذکر شد، می رساند که حجت خدا ممکن است از دیده ها پنهان باشد و فائده حجت در این صورت همان است که حضرت مهدی عجل الله فرجه در پاسخ سؤالات اسحق بن یعقوب در توقیعی که محمد بن عثمان رسانیده بود، و در کمال الدین نقل شده است؛ فرمود: **وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ وَ إِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ (۱)....**

و اما وجه فائده بردن از من در زمان غیبتم، مثل فائده بردن از خورشید است در زمانی که ابرها آن را از دیده ها پوشانده است؛ و من به تحقیق امان اهل زمین هستم همان گونه که ستارگان امان اهل آسمان هستند ....

**مقصد سوم: تشتت و تفرقه و سرگردانی شیعه و ابتلائات قبل از ظهور**

**اشاره**

در روایات بسیاری آمده است که انتظار فرج برترین اعمال شناخته شده و حفظ ایمان در آخرالزمان را بسیار دشوار دانسته اند. علی القاعده این امر باید به خاطر اهمیت و

ص: ۴۱

ملزومات آن باشد که به طور طبیعی همراه با امتحانات دشوار و بلاهای متعدد برای اهل ایمان است و آیا می توان پذیرفت این همه فضائل و برای انتظار برای انتظاری به زبان و اسلامی به گفتار باشد، یا اقتضای ابتلائات و شدت هایی را دارد؛

نعمانی در غیبت نقل کرده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: لَمَّا بُوِيعَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) بَعْدَ مَقْتَلِ عُثْمَانَ صِرِعَدَ الْمُشْبَرِّ وَ خَطَبَ خُطْبَهُ ذَكَرَهَا يَقُولُ فِيهَا أَلَا إِنَّ بَلِيَّتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهٗ (صلی الله علیه و آله) وَ الَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لَتُبْلَى بَلْبَلَهُ وَ لَتُعْزَبَنَّ غَزْبَلَهُ حَتَّى يَعُودَ أَسْفَلُكُمْ أَعْلَاكُمْ وَ أَعْلَاكُمْ أَسْفَلُكُمْ وَ لَيْسَبِقَنَّ سَابِقُونَ كَانُوا قَصْرُوا وَ لَيَقْصِرَنَّ سَبَّاقُونَ كَانُوا سَبَّاقُوا وَ اللَّهُ مَا كَتَمْتُ وَ سَمَّهٗ وَ لَا كَذَبْتُ كَذِبَهُ وَ لَقَدْ بُنِّتُ بِهَذَا الْمَقَامِ وَ هَذَا الْيَوْمِ. (۱)

بعد از قتل عثمان؛ هنگامی که با امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیعت شد، خطبه ای ایراد فرمودند که در آن آمده است: آگاه باشید که دوباره بلیه و سختی هایی به شما می رسد، آن گونه که هنگام بعثت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این بلیه ها بود، و قسم به خدایی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به حق مبعوث نمود هر آینه و سوسه می شوید و سوسه شدنی؛ و غربال می شوید غربال شدنی؛ تا این که پایین ترین و اسفل شما بالا برود و بالاترین

شما به پایین آید، و سابقون سبقت خواهند گرفت؛ کسانی که قبل از این امر تقصیر داشتند و سابقون و پیشی گیرندگان قبل از این امر تقصیر نموده و عقب مانند؛ پس به خدا قسم

ص: ۴۲

من هیچ نشانه ای نیست مگر این که به شما خیر دادم و امری خلاف واقع بیان نکردم و از این امر و این روز به شما خیر دادم؛

نکات: اول: قبل از ظهور امتحانات و ابتلائات دشواری برای اهل ایمان است؛

هدف از آنها غربال نمودن نااهل از اهل و کنار رفتن غیر اهل ایمان است؛

ممکن است مراد از اسفل شما اسفل و پایین تر از لحاظ ایمان باشد که سبقت از سایرین افراد که گمان می رود پیشتاز هستند، خواهند گرفت: که اگر مراد زمان بعد از ظهور و آغاز قیام باشد، یعنی این که در آن زمان روشن و آشکار می شود که این افراد فی الواقع از سابقین بوده اند نه این که در آن زمان سبقت بگیرند زیرا در آن زمان فرصت عمل تمام شده است و این نوعی جدل است که بگوید کسانی را که شما اسفل پنداشته اید، فی الواقع از سابقین بوده اند و روایت مربوط به گمنامی و بی توجهی به شیعیان در آخرالزمان مفید همین معنی است.

اگر چه در روایات به یوم الابدال هم اشاره شده است که در آن بعضی از اهل ایمان به کفر گرایش می یابند و بعض کفار و معاندین وارد امر امامت می شوند لکن مراد از اسفل همان کسانی است که به حسب ظاهر و رتبه و منزلت کم ارزش می دانند ولی به دلیل بندگی خدای عزوجل عزیز و مکرم نزد خداوند و اولیاء هستند زیرا در برخی اخبار دیگر نیز وارد شده است که افرادی که مردم به آن ها ترحم نموده و برایشان از روی ضعف دلسوزی می نمایند فتوحات عظیم همراه اسلام می یابند؛

ص: ۴۳

و اگر مراد زمان قبل از ظهور باشد یعنی این که امتحانات قبل از ظهور به قرینه غربال و وسواس های ایجاد شده زمینه و فرصتی ایجاد کند که در سایه این امتحان گروهی که به دلائلی آمادگی لازم را پیدا نکرده بودند به این امر نایل شوند، مناسب است که با روایاتی که ابتلائات سبب رشد و تعالی می داند، موافق است. همینطور پیشتازان ممکن است سقوط نمایند. نکته دیگر این که چون خداوند متعال اراده کرده که بعد از خوف و شدت و عسر، جهان را سراسر عدل و امن قرار دهد لازمه آن این است که امتحانات متعدد برای اهل ایمان صورت پذیرد تا کسانی که در دل آن ها ناخالصی و نفاق و ریب است، یا خالص و کامل شده تا در صف یاران حضرت باشند، چون در غیر این صورت این وعده الهی تحقق نخواهد یافت چون اگر افرادی که دارای ناخالصی و نفاق هستند پس از فتح و پیروزی با همین شرایط حضور داشته باشند، این نفاق و ناخالصی ظهور یافته و با ادعاهای خارج از حد و تجری به حریم الهی و امامت و زیاده خواهی هم زمینه مشکلات در جامعه اسلامی شده و هم مانع از تحقق امنیت و نصرت نهایی می شوند و این خلاف غرض و اراده خدای متعال است کما این که در فتوحات اولیه اسلام و نیز در امم سابق و انبیاء ماضی (علیهم السلام) نیز این مسئله مکرر اتفاق افتاده است.

و نیز در غیبت نعمانی آمده که معمر بن خلاد از امام رضا (علیه السلام) نقل کرده که شنیدم که حضرت فرمود: (۱) *الْمَ أْحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ثُمَّ قَالَ لِي مَا الْفِتْنَةُ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ الَّذِي عِنْدَنَا أَنَّ الْفِتْنَةَ فِي الدِّينِ فَقَالَ يُفْتَنُونَ كَمَا يُفْتَنُ الذَّهَبُ ثُمَّ قَالَ يُخْلَصُونَ كَمَا يُخْلَصُ الذَّهَبُ*. الم آیا مردم گمان می کنند آیا رها می شوند وقتی می گویند ایمان آوردیم و آزمایش نمی شوند. سپس به من فرمود: فتنه کدام است؟

عرض کردم: فدایت شوم آن چه ما شنیدیم این که مراد فتنه در دین است؛ فرمود: مردم آن گونه که طلا را می آزمایشند آزمایش می شوند و همان گونه که طلا خالص می شود، خالص می شوند.

پس امتحانات برای اهل ایمان است یعنی وقتی ادعای ایمان می کنند این ادعا به بوته آزمایش سپرده می شود؛

و نیز امتحانات برای خالص سازی و در نتیجه افزایش درجه و ایمان و یا تشخیص سره از ناسره است؛

و باز در غیبت نعمانی نقل شده است که امام باقر (علیه السلام) فرمود: *إِنَّ حَدِيثَكُمْ هَذَا لَتَشْمِزُّ مِنْهُ قُلُوبُ الرِّجَالِ فَأَنْبِذُوهُ إِلَيْهِمْ نَبْذًا فَمَنْ أَقْرَبَ بِهِ فَزَيْدُوهُ وَ مَنْ أَنْكَرَ فَذَرُوهُ إِنَّهُ لَا بُدَّ*

ص: ۴۵



مِنْ أَنْ تَكُونَ فِتْنَةً يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ وَوَلِيَّجِهِ حَتَّى يَسْقُطَ فِيهَا مَنْ يَشُقُّ الشَّعْرَةَ بِشَعْرَتَيْنِ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا نَحْنُ وَشِيعَتُنَا. (۱)

همانا از کلام شما قلوب مردان نیز می ترسند؛ پس مقداری از آن را به ایشان بگویید؛ اگر پذیرفتند بیشتر بگویید و اگر انکار کردند آن ها را رها کنید؛ پس چاره و گریزی از فتنه بر شما نیست که دوستان و خواص و ناهلان را نیز فرا گرفته و جدا می کند و حتی کسانی که مویی واحد را به دو مو می شکافند نیز در فتنه کنار می روند تا این که کسی باقی نمی ماند مگر ما و شیعیان ما؛

از این روایت شدت فتنه و ابتلائات روشن می شود؛ و این که نجات یافتگان از آن تنها شیعیان هستند.

و نیز در غیبت نعمانی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: (۲)

أَنَّهُ قَالَ مَعَ الْقَائِمِ (عَلَيْهِ السَّلَام) مِنَ الْعَرَبِ شَيْءٌ يَسِيرٌ فَقِيلَ لَهُ إِنَّ مَنْ يَصِفُ هَذَا الْأَمْرَ مِنْهُمْ لَكَثِيرٌ قَالَ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يَمَحَّصُوا وَيُمَيِّزُوا وَيُعْرَبَلُوا وَيَخْرُجَ مِنَ الْعُرْبِ خَلْقٌ كَثِيرٌ.

با حضرت مهدی (علیه السلام) افراد اندکی از عرب خواهند بود؛ به حضرت عرض شد؛ از عرب افرادی زیادی متصف به این امر هستند. فرمود:

ص: ۴۶

۱- همان؛

۲- غیبت نعمانی - ص ۲۰۴

چاره ای نیست مگر این که انسان ها باید پاک و جداسازی و غربال شوند و عده زیادی از غربال خارج خواهند شد.

مشابه این مطلب روایت دیگری است که در غیبت نعمانی از امام اَبی جَعْفَرِ (علیه السلام) آمده است که فرمود: **(۱) لَتَمَحَّصَنَّ يَا شِيعِيَّةَ آلِ مُحَمَّدٍ تَمَحِيصَ الْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ وَإِنَّ صَاحِبَ الْعَيْنِ يَدْرِي مَتَى يَتَمَعُ الْكُحْلُ فِي عَيْنِهِ وَ لَمَّا يَعْلَمُ مَتَى يَخْرُجُ مِنْهَا وَ كَذَلِكَ يُصْبِحُ الرَّجُلُ عَلَى شَرِيْعِهِ مِنْ أَمْرِنَا وَ يُمَسِي وَ قَدْ خَرَجَ مِنْهَا وَ يُصْبِحُ وَ قَدْ خَرَجَ مِنْهَا.**

ای شیعیان آل محمد (علیهم السلام) هر آینه خالص خواهید شد آن گونه که سرمه را در چشم می گذارند؛ و صاحب چشم می داند چه زمانی سرمه در چشم قرار می گیرد ولی نمی داند چه زمان خارج می شود؛ این گونه است که مردی صبح می کند در حالی که بر شریعت و امر ماست و غروب از آن خارج است و شب می کند بر شریعت و امر ما ولی صبح می کند در حالی که از آن خارج شده است.

نکات: این روایت نیز شدت ابتلائات و دشواری امتحانات را می رساند؛

انتخاب یک امر مهمی باید ملاک باشد که در یک شب یا یک روز انسان را از مسیر اهل بیت (علیهم السلام) جدا نماید و یا وصل کند یعنی این امر دارای ملاک و مصلحت تام است؛

ص: ۴۷

انسان هرچقدر هم اهل عبادات و کمالات و معلومات باشد در تمام لحظات باید خداوند او را نگه دارد تا بر این امر ثابت بماند؛

تا رسیدن به مقام مخلصین که مستثنی شده اند تضمینی برای تثبیت ایمان وجود ندارد

و ممکن است مراد نزول درجه و ایمان باشد زیرا که ایمان امری مشکک بوده و دارای درجات و شدت و ضعف است؛ این روایات نیز ناظر به نظام اسباب است، یعنی امتحانات یا شرایط یا عقائدی برای انسان زینت داده می شود و یا در اثر اعمال صالح عقائد حقه ای آشکار خواهد شد که به تبع آن انسان گمراه یا هدایت خواهد شد و همان طور که مکرر بیان شد این امر نیازمند مجاهده و مراقبه دارد و ثمره اعمال و عقائد انسان است که به صورت ظاهری در خارج ظهور می یابد کما این که اهل بیت (علیهم

السلام) به مقتضای این امر به افراد عنایت می نمودند و هر کس را بر حسب قابلیتش فیض می دادند و این گونه نبود که بدون تحصیل اقتضای این امر، فردی بتواند به حریم اهل بیت (علیهم السلام) تقرب یابد مگر به اندازه عمل، عقیده و معرفت صحیح خود.

### **تشتت در عقیده و لعن بعضی به بعضی دیگر**

امر دیگر تشتت در عقیده و لعن بعضی به بعضی دیگر است:

در غیبت نعمانی روایتی از عمیره بنت نفیل آمده که گوید شنیدم امام سجاد (علیه السلام) فرمود:

ص: ۴۸

لَا يَكُونُ الْأَمْرُ الَّذِي تَنْتَظِرُونَهُ حَتَّى يَبْرَأَ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ وَ يَنْفُلَ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَ يَشْهَدَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ بِالْكَفْرِ وَ يَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضاً فَقُلْتُ لَهُ مَا فِي ذَلِكَ الزَّيْمَانِ مِنْ خَيْرٍ فَقَالَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ذَلِكَ الزَّيْمَانِ يَقُومُ قَائِمَنَا وَ يَدْفَعُ ذَلِكَ كُلَّهُ (۱) امری که منتظر آن هستید واقع نمی شود تا این که بعضی از شما از بعضی دیگر براءت جوید؛ و بعضی از شما بعضی دیگر را لعن کنید؛ عرض کردم: در آن زمان هیچ خیری نیست. فرمود:

تمام خیر در آن زمان است که قائم ما (علیه السلام) قیام کرده و تمام این امور را دفع می کند.

نکته: از دیگر امتحانات و ابتلائات آخرالزمان لعن کردن به شیعیان است زیرا که لعن بعضی به بعضی از تمام مسلمانان را دربر می گیرد. بدیهی است که شیعیان واقعی سایر شیعیان را مورد لعن قرار نمی دهند؛ چون این امر با تقوی و تشرع شیعیان واقعی منافات دارد. مراد لعن سایر فرق و یا غلات هم نیست، زیرا این گونه لعن نواصب و غلات از قدیم هم بوده است و نیز این موارد از محل بحث امام (علیه السلام) خارج است. اگرچه تکفیر سایرین در اسلام سابقه دیرین دارد و در زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) خوارج نیز بقیه گروه ها را تکفیر می نمودند. و این امری عجیب است که شیعیان را تکفیر نمایند زیرا که تا کسی را از دایره دین خارج ندانند او را لعن نمی کنند. لذا

ص: ۴۹

۱- همان؛

عجیب است که نزد بعضی از فرق، اگر فردی کافر باشد در امان است، اما اگر مسلمان باشد تکفیر شده و خودش هدر است و برای زنده ماندن باید زیر سایه کفر برود، لذا ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه نقل می کند:.... قال أبو العباس و نحو ذلك أن واصل بن عطاء رحمه الله تعالى أقبل في رفقته فأحسوا بالخوارج فقال واصل لأهل الرفقه إن هذا ليس من شأنكم فاعتزلوا و دعوني و إياهم و كانوا قد أشرفوا على العطب فقالوا شأنك فخرج إليهم فقالوا ما أنت و أصحابك فقال قوم مشركون مستجيرون بكم ليسمعوا كلام الله و يفهموا حدوده قالوا قد أجرناكم قال فعلمونا فجعلوا يعلمونهم أحكامهم و يقول واصل قد قبلت أنا و من معي قالوا فامضوا مصاحبين فقد صرتم إخواننا فقال بل تبلغوننا مأمنا لأن الله تعالى يقول وَ إِن أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ قال فينظر بعضهم إلى بعض ثم قالوا ذاك لكم فساروا معهم بجمعهم حتى أبلغوهم المأمن. (۱)

ابن عباس گوید: واصل بن عطاء در جلوی رفقای خود در حال حرکت بود که به خوارج برخورد کرد. واصل به رفقای خود گفت: برخورد با این گروه کار شما نیست؛ کنار بروید و مرا با اینان تنها گذارید. در حالی که در معرض هلاکت بودند. گفتند این امر کار شماست. پس واصل به سمت ایشان رفت؛ خوارج از وی پرسیدند: شما و

ص: ۵۰

اصحابت کیستید؟ واصل پاسخ داد ما قومی مشرک هستیم که به شما پناه آورده ایم تا کلام خدا را بشنویم و حدود آن را بفهمیم. خوارج گفتند: ما به شما پناه دادیم؛ گفت: پس احکام را به ما تعلیم دهید. پس احکامی را به آنها تعلیم دادند. واصل گفت:

من و آنان که همراه من هستند این احکام را پذیرفتیم. گفتند حال بروید در حالی که شما برادران ما شده اید. واصل گفت: بلکه ما را به جایی امن برسانید زیرا که خدای تعالی می فرماید: اگر یکی از مشرکین از تو پناه خواست او را امان بده تا کلام خدا را بشنود سپس او را به محل امنش برسان.

واصل گوید: پس بعضی از آن ها به بعضی دیگر نگاه کرده و گفتند: بله این حق شماست. پس با جمع خود همراه آنان رفتند تا به محل امن رسیدند.

غرض از این امر و وقایع مشابه ان بیان امور آخرالزمان و امتحانات اهل ایمان است که خداوند ما را در آنها یاری نماید. (۱)

و نیز در غیبت نعمانی از امام اَبی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) روایت شده که فرمود:

لَا يَكُونُ ذَلِكَ الْأَمْرُ حَتَّى يَثْفَلَ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَ حَتَّى يَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَ حَتَّى يُسْمَى بَعْضُكُمْ بَعْضًا كَذَّابِينَ. (۲)

ص: ۵۱

---

۱- واصل شاگرد ابوهاشم عبدالله بن محمدحنفیه و حسن بصری و بنیان گذار فرقه معتزلی است که در پی مخالفت با استادش حسن بصری اعتزال و گوشه گیری از درس ایشان گرفت و ابن ابی الحدید نیز از معتزلی هاست.

۲- همان؛

این امر اتفاق نمی افتد تا این که بعضی از شما به صورت بعضی دیگر آب دهان بیندازد و حتی دیگری را لعن کند و و حتی بعضی، بعضی دیگر را کذاب بنامد.

بسیار دشوار است که یا در اثر اختلاف در عقیده و یا در اثر از بین رفتن رنگ و روی اسلامی و سست شدن عقائد و از بین رفتن رحم و مروت جامعه به چنین مصائبی گرفتار شود. این گونه که روایت فرموده عده ای کذاب خوانده می شوند و عده ای دیگران را به کذب متصف می نماید.

و این که چه بسیار والدینی فرزندان خود را رها نموده و یا فرزندان از هم گسیخته شده و در اثر این اتهامات زدگی بر آنان تنگ شده است، امری است که هم از اوصاف آخر الزمان است و هم از اوصاف قیامت که شکل مختصر آن در دوره غیبت و فرار زن و فرزند و خویشان و سایرین از افراد به طور اعلی در قیامت اتفاق می افتد.

هم چنین در کتاب غیبت شیخ از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت کرده که فرمود:

وَذَكَرَ الْقَائِمَ (علیه السلام) فَقَالَ لَيَغَيَّبَنَّ عَنْهُمْ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ (۱)

ذکر حضرت قائم (علیه السلام) را نمود. حضرت فرمود: از شما غایب خواهد شد تا این که فرد نادان می گوید خداوند را به آل محمد (علیهم السلام) نیازی نیست.

ص: ۵۲

منظور این نیست که در زبان عین این عبارات گفته شود، و مردمی که ادعای ایمان نمایند مطلبی را دعا نمایند که خلاف همان ایمان ادعایی باشد و در اعتقاد و عمل بگویند که به آل محمد (علیه السلام) نیاز نیست، بلکه همین که فرمایشات آن بزرگواران را اعتنا ننمایند و در عمل به کلام آنان تمسک نکنند، و بر خلاف سیره و روش آنان عمل نمایند و یا کلام آنان را تاویل داده و دوستان و موالیان ایشان را سبک شمارند، در عمل به معنای مخالفت قطعی با ائمه معصوم (علیهم السلام) است و گرنه جمع بین این دو مطلب چگونه ممکن است؟

و نیز در غیبت شیخ آمده که عبایه بن ربیع اسدی گوید شنیدم امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: [\(۱\)](#) [كَيْفَ] أَنْتُمْ إِذَا بَقِيتُمْ بِلَا إِمَامٍ هُدًى وَ لَا عِلْمٍ يُرَى يَبْتَرُ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ

چگونه خواهید بود وقتی بدون امام هدایت و بدون علمی که دیده شود، بمانید و بعضی از شما از بعضی دیگر براءت جوید. براءت یا در قول است که همدیگر را متهم می کنند - و این غیر از براءت از دشمنان و مخالفین اهل بیت (علیهم السلام) است - و یا در فعل است که عملاً بعضی دیگر را ایذاء می رسانند و هر دو سنگین اند چون؛

باعث مخالفت با امر امام (علیه السلام) و خلاف شرع مقدس است؛ و سبب شکستگی قلب امام عصر (علیه السلام) می شود که هم از بابت گناه و معصیت و هم از جهت ایذاء مومنین و عدم مراعات حقوق والای آنان، قلب شریفشان مکدر می شود

ص: ۵۳



چرا که گناه در ابتدا حمله و نافرمانی و تجری به مقام عصمت معصوم است و شیعیان نیز از این جهت که ایتم و فرزندان و شاخ و برگ امام علیه السلام هستند، ایداء و ناراحتی و مصیبت ایشان، موجب ناراحتی پدر حقیقی آنان که امام معصوم است می شود؛

از آن جهت که گناه تکوینا در عالم اثر منفی دارد باز موجب ناراحتی امام (علیه السلام) و چه بسا تأخیر ظهور حضرت شود که آرزوی اهل بیت (علیهم السلام) و تمام انبیاء سابق است و این از دیگر جهات وزر و وبال گناه و معصیت است خاصه در برائت از عقائد حقه شیعه و موالیان و دوستان حضرت که چقدر عظیم و گران است.

### بیان شدت و عسرت شیعه قبل از ظهور

نعمانی در کتاب غیبت آورده که مفضل بن عمر گوید:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَقَدْ ذَكَرَ الْقَائِمَ (علیه السلام) فَقُلْتُ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يَكُونَ أَمْرُهُ فِي سَهْوَلَةٍ؛

فَقَالَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى تَمْسِيحُوا الْعَلَقَ وَالْعَرَقَ. (۱) به امام صادق (علیه السلام) وقتی که ذکر حضرت مهدی (علیه السلام) شد، عرض کردم: امیدوارم امر ایشان با سهولت و آسانی باشد. فرمود: این امر نمی شود تا این گوشت و استخوان شما به هم مخلوط شوند.

ص: ۵۴

پس: امر ظهور همراه با شدت و ابتلاء شدید است؛

و نیز مهم این است که با همه شدت همراه با عافیت در دین و عقیده باشد.

### مقصد چهارم؛ برخی دیگر از علائم ظهور حضرت (علیه السلام)

#### اشاره

بیان بعضی از آیات کتاب:

علامه مجلسی در بحارالانوار روایت کرده که محمد بن مسلم از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: [\(۱\)](#) إِنَّ لِقِيَامِ الْقَائِمِ عِلَامَاتٍ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ وَ مَا هِيَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ قَالَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

برای قیام قائم (علیه السلام) علامات است از خداوند برای مؤمنین. عرض کردم. خداوند مرا فدای شما کند. آنها کدامند؛ فرمود: کلام خدای تعالی است که فرمود: وَ لَتَبْلُوَنَّكُمْ يَعْزِي الْمُؤْمِنِينَ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ بِشَيْءٍ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشْرِ الصَّابِرِينَ [\(۲\)](#) قَالَ تَبْلُوهُمْ بِشَيْءٍ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ مِنْ مُلُوكِ بَنِي فُلَانٍ فِي آخِرِ سُلْطَانِهِمْ شَمَا رَا آزمايش می کند یعنی مؤمنین قبل از قیام را، با خوف و گرسنگی و نقص در اموال و جان و ثمرات و بشارت باد به صابرين؛ و فرمود: مراد از خوف، خوف از ملوک بنی فلان - بنی عباس دوم - است تا آخر سلطنت آنان.

ص: ۵۵

---

۱- بحارالانوار - ج ۵۲ ص ۲۰۲

۲- البقره: ۱۵۵.

وَالْجُوعِ بَغْلَاءٍ أَشْيَعَارِهِمْ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ قَالَ كَسَادُ التَّجَارَاتِ وَقَلُّهُ الْفَضْلِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَنْفُسِ قَالَ مَوْتُ ذَرِيعٍ وَنَقْصٍ مِنَ الثَّمَرَاتِ قَلُّهُ رَبِيعٌ مَا يُزْرَعُ

و مراد از جوع افزایش قیمت ها و مراد از نقص در اموال کسادى تجارت و خريد و فروش و كمى سود و مراد از نقص در انفس مرگ زودرس و مراد از نقص ثمرات تلف و كمى محصول است.

وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ عِنْدَ ذَلِكَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ

ثُمَّ قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ هَذَا تَأْوِيلُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ (1)؛

و در اين هنگام به صابران بشارت بده به تعجيل فرج. سپس به من فرمود: اى محمد تاويل آيه اين است كه خداى متعال مى فرمايد و كسى تاويل آن را نمى داند مگر راسخون در علم؛ و تعبير عبارت بشيء من الخوف است يعنى خوف كامل نيست بلكه مقدارى از خوف بر شما قرار مى دهيم؛ با وجود غيبت ظاهرى امام (عليه السلام) فرض كمى از خوف نيز بر اهل ايمان بسيار است؛

اين امر هم يكي از علائمی است كه برای مدعیانی كه همگی ادعای خدمتگزاری و پیروی از امام عصر (عليه السلام) را دارند كه آیا گوشه ای از اين خوف و هراس را چشیده اند و يا باعث خوف و ترس هستند؟ آیا از كسانی اند كه نیاز به تقیه از آنها نيست

ص: ۵۶

بلکه نوع مردم آن ها را بی اعتبار و ذلیل می پندارند و یا از آنانی هستند که باید از آنان تقیه نمود؟

و در غیبت نعمانی آمده که اصبع بن نباته گوید شنیدم که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: إِنَّ بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ سِنِينَ خَدَاعَهُ يُكَذِّبُ فِيهَا الصَّادِقُ وَيُصَدِّقُ فِيهَا الْكَاذِبُ وَيُقَرَّبُ فِيهَا الْمَاحِلُ وَفِي حَدِيثٍ وَ يَنْطِقُ فِيهَا الرُّوَيْبِضَةُ فَقُلْتُ وَ مَا الرُّوَيْبِضَةُ وَ مَا الْمَاحِلُ قَالَ أَوْ مَا تَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ قَوْلُهُ - وَ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ (۱) قَالَ يُرِيدُ الْمَكْرَ فَقُلْتُ وَ مَا الْمَاحِلُ قَالَ يُرِيدُ الْمَكَارَ. (۲)

در زمان پیش از ظهور قائم (علیه السلام) سال های فریب دهنده است که در آن راستگو در آن بسیار دروغگو شمرده می شود و کاذب در آن بسیار تصدیق می شود و ماحل در آن مقرب خواهد بود، و در حدیث است که روئبضه به نطق و سخن می آید و عرض کردم: مراد از روئبضه و ماحل چیست؟ فرمود: آیا قرآن نمی خوانید که فرمود: وَ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ مَكْرَ خُدا شَدِيدٌ اسْت، گفتم ماحل چیست؟ مراد حيله گر است.

و نهی از این امور در روایات بسیار وارد شده است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) به نوف می فرماید: .... يَا نَوْفُ إِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ عَشَّارًا أَوْ شَاعِرًا أَوْ شُرْطِيًّا أَوْ عَرِيفًا ..... (۳)

ص: ۵۷

۱- الرعد: ۱۳.

۲- غیبت نعمانی - ص ۲۷۸

۳- الخصال؛ ج ۱؛ ص ۳۳۸

ای نوف پیرهیز از این که مامور اخذ مالیات یا شاعر یا شرطه - آن کس به ستم مردم را جلب کند- یا آن که یاران خود را معرفی می کند-جاسوس- باشی؛ و روشن است تبعیت از غیر معصوم در این موارد تخلف از کلام امیرالمومنین (علیه السلام) است؛ و در مورد مکر و شدت آن در تفسیر بعض آیات مثل و ان کان مکرهم لتزول منه الجبال(۱)

در الزام الناصب از امام صادق (علیه السلام) وارد شده؛ ان مکر بنی العباس بالقائم (علیه السلام) لتزول منه قلوب الرجال که مراد از شدت مکر مکرری است که پادشاهان و ملوک بنی عباس با قائم (علیه السلام) می کنند، می باشد؛ که قلوب مردم را گمراه می کند؛(۲)

و در نهج البلاغه فرموده است: يَا أَيُّهَا النَّاسُ زَمَانٌ لَمَّا يُقَرَّبُ فِيهِ إِلَّا الْمَاحِلُ وَ لَمَّا يُظَرَّفُ فِيهِ إِلَّا الْفَاجِرُ وَ لَمَّا يُضَعَّفُ فِيهِ إِلَّا الْمُنْصِفُ يَعُدُّونَ الصَّدَقَةَ فِيهِ غُرْمًا وَ صَلَمَةَ الرَّحِمِ مَنًّا وَ الْعِبَادَةَ اسْتِطَالَهَ عَلَى النَّاسِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ السُّلْطَانُ بِمَشُورِهِ [الْإِمَاءِ] النَّسَاءِ وَ إِمَارَهُ الصَّبِيَّانِ وَ تَدْبِيرِ الْخَصِيَّانِ (۳)

زمانی بر مردم خواهد آمد که در آن کسی مقرب نمی شود جز ماحل - حيله گر- و زیرک دانسته نمی شود جز فاجر، و ضعیف شمرده نمی شود جز فرد منصف، در این زمان صدقه غرامت شمرده می شود، و صله رحم را منت می دانند، و عبادات را

ص: ۵۸

۱- ابراهیم - آیه ۴۶

۲- الزام الناصب؛ ج ۱ - ص ۶۹

۳- نهج البلاغه (للسبیحی صالح) ؛ ؛ ص ۴۸۵

موجب فخر و سربلندی بر مردم می دانند، در آن زمان پادشاه با زنان مشورت کرده، کودکان امیر شده و خواجهگان تدبیر امور را بر عهده دارند.

نکات: بزرگ ترین مرض و بیماری های روحی که باعث هلاکت فرد است عداوت نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) است؛

عداوت ناشی از عدم معرفت صحیح و شایسته است که موجب هلاکت ابدی است؛

این عداوت و بغض نوعی عذاب است که به سبب آن انسان به هلاکت می افتد زیرا جریان امور عالم توسط اسباب صورت می پذیرد؛

از مشاهده سیره و تاریخ روشن می شود که انکار اهل بیت (علیهم السلام) به صورت دفعی نیست بلکه تدریجی حاصل می شود و ناشی از معرفت غلط و اعمال ناشایسته است و این که اگر معرفت صحیح و اعمال صالح باشد قبل از افتادن به بوته آزمایش و شک و ریب در مورد حقانیت اهل بیت (علیهم السلام) کما این که از عبارت تشخیص حق و باطل هنگام صیحه فهمیده می شود انسان به وادی سلامت می رسد، مگر این که در اثر عداوت و اعمال غیر صالح در شک بیفتد و توضیح بسیار بسیار مهم این که روش باطل و مشی باطل و تفکر غلط و عداوت نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) به گونه ای نیست که به صورت روشن و واضح برای انسان روشن باشد تا از آن دوری بجوید بلکه شیطان راه باطل را به گونه ای زیبا و حق جلوه می دهد که انسان آن را مسیر حق می پندارد و برای تقرب به خداوند آن را می پیماید و لذا این نکته بسیار مهمی است

که تشخیص حق از باطل امر اساسی است و اگر کسی از قبل به این فکر نباشد و خود را مهیا نکند در آن شرایط دشوار نمی تواند از امتحان موفق بیرون آید.

لذا تصور نشود که مثلاً- در زمان معاویه لعنه الله مردم به خوبی امروز به بطلان وی و مخالفتش با اسلام آگاه بودند و با وی مقابله نمی کردند بلکه عمده اشتباهات در نوع نگرش و برداشت غلط آن ها بود که معاویه لعنه الله را بر حق می پنداشتند. کما این که در قضیه حسن بصری و یاری نکردن امیرالمومنین (علیه السلام) در جنگ جمل واضح است. نکته دیگر این که جهل در احکام و فرعیات معذر است و عذاب را از مکلف بر می دارد اما در اصول و اعتقادات که اسلام اساس را بر تحقیق خود فرد گذاشته اگر بر اساس تحقیق نباشد نمی پذیرد زیرا که اگر غیر این باشد چرا ائمه ما (علیهم السلام) لشکریان ابن زیاد را که برای تقرب به خدا با امام خود جنگیدند را مقصر می شمارند. یعنی صرف قصد و نیت و گمان این که انسان تصور نماید بر صراط مستقیم است، و بر این اساس عمل نماید، انسان را نجات نمی دهد، بلکه باید عقیده صحیح باشد و موافقت در عمل و دوری از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) در عرض واحد موجود باشد.

و دیگر این که همانگونه که از روایات بر می آید در آن لحظه امتحان مؤمن فقط آن را تصدیق می کند نه این که انتخاب نماید بلکه قبلاً انتخاب کرده و به آن ایمان آورده و در آن لحظه نهایی که امتحان است آن را تصدیق می کند، کما این که در روایت دیگری در غیبت نعمانی آمده است که عبدالرحمن بن مسلمه جریری گوید: به امام

صادق (علیه السلام) عرض کردم: اهل عامه ما را سرزنش می کنند و می گویند در آن هنگام حق گو و باطل گو از کجا شناخته می شوند؟ فرمود: شما چه جوابی به آنان می دهید؟ عرض کردم: هیچ گونه جوابی نمی دهیم. فرمود: به آنان بگویید: وقتی این امر اتفاق افتد کسی آن را تصدیق می کند که قبل از اتفاق افتادنش به آن ایمان داشته باشد. خدای متعال می فرماید: **أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟** (۱)

آیا کسی که به سوی حق هدایت می کند سزاوارتر و محق تر است که پیروی شود یا کسی که به سوی حق هدایت نمی کند پس شما را چه شده است و چگونه حکم می کنید؟

و نیز در غیبت نعمانی آمده که ابی بصیر (رحمه الله علیه) گوید: از امام صادق (علیه السلام) از قول خدای متعال **عَذَابُ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ** (۲) پرسیدم که عذاب خزی و خواری در دنیا کدام است؟

فرمود: **مَا هُوَ عَذَابُ خِزْيِ الدُّنْيَا فَقَالَ وَ أَيُّ خِزْيِ أَخْزَىٰ يَا أَبَا بَصِيرٍ مِنْ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِهِ وَ حِجَالِهِ وَ عَلَىٰ إِخْوَانِهِ وَسَيْطِ عِيَالِهِ إِذْ شَقَّ أَهْلُهُ الْجُيُوبَ عَلَيْهِ وَ**

ص: ۶۱

---

۱- سوره یونس - آیه ۳۵

۲- فصلت: ۱۶.



صَرَخُوا فَيَقُولُ النَّاسُ مَا هَذَا فَيَقَالُ مُسِخٌ فَلَانَ السَّاعَةَ فَقُلْتُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ (عليه السلام) أَوْ بَعْدَهُ قَالَ لَا بَلْ قَبْلَهُ. (١)

امام صادق (عليه السلام) فرمود: چه عذابی از این خوارترو بدتر که مردی در خانه اش و در کنار خویشان و اهل بیت خود نشسته و ناگهان اهل بیت وی برایش گریبان خود را چاک زده و فریاد می کنند؛ مردم می پرسند چه شده است؛ می گویند: فلانی همین حالا مسخ شده است. پرسیدم قبل از قیام قائم (عليه السلام) یا بعد از قیام؛ فرمود: خیر، بلکه قبل از قیام قائم (عليه السلام)؛

### ادامه بیان اخبار و روایات در علائم و وقایع مربوط به ظهور

\*\* سفیانی که رأس دشمنان حضرت است؛

شیخ صدوق در کمال الدین نقل می کند که؛

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ أَبِي (عليه السلام) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) يَخْرُجُ ابْنُ آكَلِهِ الْأَكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ وَ هُوَ رَجُلٌ رُبْعُهُ وَحُشُّ الْوَجْهِ ضَخْمٌ الْهَامَهُ بِوَجْهِهِ أَثَرٌ جِدْرِيٌّ إِذَا رَأَيْتَهُ حَسِبْتَهُ أَعْوَرَ اسْمُهُ عُمَانُ وَ أَبُوهُ عَبْسَهُ وَ هُوَ مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ حَتَّى يَأْتِيَ أَرْضاً ذَاتَ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ فَيَسْتَوِي عَلَى مِثْبَرِهَا. (٢)

ص: ٦٢

١- الغيبة (للنعماني)؛ النص؛ ص ٢٦٩

٢- کمال الدین و تمام النعمه؛ ج ٢؛ ص ٦٥١

عمر بن اذینه گوید امام صادق (علیه السلام) از امیرالمومنین (علیه السلام) نقل کرده که فرمود: فرزند زن جگرخوار از سرزمینی خشک خروج می کند و او مردی است میان قامت و کریه الوجه، سر بزرگ دارد و در چهره اش اثر آبله دیده می شود که وقتی او را می بینی تصور می کنی یک چشم دارد، اسم وی عثمان و اسم پدرش عنبسه و از اولاد ابوسفیان است و تا سرزمینی که دارای ثبات و قرار است - کوفه - می آید و بر منبر آن می نشیند.

### فتح پنج شهر توسط سفیانی از علائم فرج

باز در کمال الدین وارد شده است که:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ الْجَلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنِ اسْمِ السُّفْيَانِيِّ فَقَالَ وَ مَا تَصْنَعُ بِاسْمِهِ إِذَا مَلَكَ كُورَ الشَّامِ الْخُمْسِ دِمَشْقَ وَ حِمَصَ وَ فِلَسْطِينَ وَ الْأُرْدُنَّ وَ قَنْسِيرِينَ فَتَوَقَّعُوا عِنْدَ ذَلِكَ الْفَرَجَ قُلْتُ يَمْلِكُ تَسْبِيحَهُ أَشْهُرٌ قَالَا لَا وَ لَكِنْ يَمْلِكُ تَمَانِيَهُ أَشْهُرٌ لَا يَزِيدُ يَوْمًا. (۱)

ابی منصور بجلی گوید: از امام صادق (علیه السلام) اسم سفیانی را پرسیدم. فرمود با اسم او چه کار داری؟ وقتی پنج منطقه دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرین را مالک شد، شما منتظر فرج باشید. عرض کردم ۹ ماه حکومت دارد؟ فرمود: ۸ ماه حکومت دارد و یک روز بیشتر از آن نیست.

ص: ۶۳

باز در کمال الدین و تمام النعمه آمده است که:

عَنْ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: صَوْتُ جِبْرِئِيلَ مِنَ السَّمَاءِ وَ صَوْتُ إِبْلِيسَ مِنَ الْأَرْضِ فَاتَّبِعُوا الصَّوْتِ الْمَأْوُولَ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْمَأْخِرَ أَنْ تَفْتِنُوا بِهِ. (۱) معلى بن خنيس از امام صادق (عليه السلام) نقل می کند که فرمود: ندای جبرئیل از آسمان و ندای ابلیس از زمین است: پس از صدای اول تبعیت کنید و برحذر باشید از صوت و ندای دوم که با آن فریفته می شوید.

### کیفیت سلام بر حضرت

در کمال الدین نقل شده است: عن جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ:

إِنَّ الْعِلْمَ بِكِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سُنَّتِهِ نَبِيِّهِ (صلى الله عليه و آله) لَيُنْبِتُ فِي قَلْبِ مَهْدِيْنَا كَمَا يُنْبِتُ الزَّرْعُ عَلَى أَحْسَنِ نَبَاتِهِ فَمَنْ بَقِيَ مِنْكُمْ حَتَّى يَرَاهُ فَلْيَقُلْ حِينَ يَرَاهُ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ النَّبُوَّةِ وَ مَعِيَدِنَ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعَ الرَّسَالَةِ وَ رُوِيَ أَنَّ التَّسْلِيمَ عَلَى الْقَائِمِ (عليه السلام) أَنْ يُقَالَ لَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ. (۲)

امام باقر (عليه السلام) فرمود؛ علم به قرآن خدای عز و جل و سنت پیغمبرش (صلى الله عليه و آله) در دل مهدی ما (عليه السلام) مثل بهترین زراعت ها و به بهترین وجه رشد خواهد کرد؛

ص: ۶۴

۱- کمال الدین و تمام النعمه؛ ج ۲ ص ۶۵۲

۲- کمال الدین و تمام النعمه - ج ۲ ص ۶۵۳

پس هر کدام از شما که زمان ایشان را ببیند چون او را دید بگوید؛

السلام علیکم یا اهل بیت الرحمه و النبوه و معدن العلم و موضع الرساله

و روایت شده است که سلام دادن به قائم (علیه السلام) اینست که گفته شود السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه؛

### یاران خاص و حلقه دوم

باز شیخ اجل صدوق در کمال الدین و تمام النعمه نقل کرده است: (۱)

عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) كَمْ يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ (عليه السلام) فَإِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهُ يَخْرُجُ مَعَهُ مِثْلُ عَدَدِهِ أَهْلِي بَيْتِ ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثِينَ عَشَرَ رَجُلًا قَالَ وَ مَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أَوْلَى قُوَّةٍ وَ مَا تَكُونُ أَوْلُو الْقُوَّةِ أَقَلَّ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ.

ابو بصیر گوید مردی از اهل کوفه از امام صادق (علیه السلام) پرسید؛ چند نفر همراه با امام قائم (علیه السلام) در ظهور همراه حضرت هستند؛ ایشان می گویند همراهان قائم (علیه السلام) مانند شماره اهل بدرند که سیصد و سیزده تن بودند؛ امام (علیه السلام) فرمود قائم (علیه السلام) ظهور نکند مگر با نیروی مهمی و نیروی مهم کمتر از ده هزار نباشد؛ البته سیصد و سیزده نفر یاران خاص و رتبه اول و ده هزار نفر نیروی مهم بعد از آن ها هستند و در برخی روایت بیش از ده هزار نفر هم ذکر شده که خواهد آمد ان شاء الله؛

### پنج مورد از علائم حتمی

ص: ۶۵

مرحوم مجلسی در بحار الانوار نقل می کند که: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ (عليه السلام) الْيَمَانِيُّ وَالسُّفْيَانِيُّ وَالْمُنَادِي يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ وَخَسْفٌ بِالْبَيْدَاءِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ (۱) امام صادق (عليه السلام) فرمود: قبل از قیام حضرت پنج امر واقع می شود: یمانی، سفیانی، منادی ای که از آسمان ندا می کند، فرورفتن در بیداء و قتل نفس زکیه.

\*\* صورتی در ماه در ماه رجب سال ظهور؛

باز نعمانی در غیبت فرموده: (۲) عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: الْعَامُ الَّذِي فِيهِ الصَّيْحَةُ قَبْلَهُ الْآيَةُ فِي رَجَبٍ قُلْتُ وَمَا هِيَ قَالَ وَجْهُ يَطْلُعُ فِي الْقَمَرِ وَيَدُّ بَارِزَةً

داود بن سرحان از امام صادق (عليه السلام) نقل کرده که فرمود: در آن سالی که صیحه آسمانی خواهد شد؛ پیش از آن در ماه رجب علامتی خواهد بود؛ عرض کردم آن علامت کدام است؛ فرمود: صورتی در ماه آشکار می شود و دستی ظاهر و آشکار دیده می شود.

\*\* ندای آسمانی؛ باز نعمانی در غیبت نقل فرمود: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيِّدَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: النَّدَاءُ مِنَ الْمُحْتَمِومِ وَالسُّفْيَانِيُّ مِنَ الْمُحْتَمِومِ وَالْيَمَانِيُّ مِنَ

ص: ۶۶

---

۱- بحار الانوار - ج ۵۲ - ص ۲۰۳

۲- غیبت نعمانی - ص ۲۵۲

الْمَحْتُومِ وَقَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ مِنَ الْمَحْتُومِ وَكَفِّ يَطْلُعُ مِنَ السَّمَاءِ مِنَ الْمَحْتُومِ قَالَ وَفَزَعَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَوْقِطُ النَّائِمِ وَتُفْرَعُ الْيَقْظَانَ وَتُخْرِجُ الْفِتَاةَ مِنْ خِدْرِهَا. (۱)

عبد الله بن سنان از امام صادق (صلی الله علیه و آله) نقل کرده که آن حضرت فرمود: نداء آسمانی از محتومات است و سفیانی از محتومات است و یمانی از محتومات است و قتل نفس زکیه از محتومات است و کف دستی که از آسمان بیرون می آید از محتومات است؛

و نیز فرمود: و وحشتی که در ماه رمضان است که خفته را بیدار و بیدار را هراسان می کند و دوشیزه ها را از پشت پرده و خیام بیرون کشاند.

ممکن است معنی خفته را بیدار کند این باشد که فرد غافل و جاهل و نادان را آگاه به مسأله می کند؛ و ندایی که همه می شنوند بیان امور و وقایعی هم باشد که شیوع و اخبار آن به همه طوایف به زبان های خودشان برسد غیر از صیحه خاص؛

### خروج سفیانی و یمانی و مروانی و شعیب بن صالح قبل از ظهور

باز نعمانی در غیبت فرموده:

أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَضِيرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَام) أَنَّهُ قَالَ: قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ السُّفْيَانِيُّ وَالْإِمَانِيُّ وَالْمَرْوَانِيُّ وَشُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ فَكَيْفَ يَقُولُ هَذَا هَذَا (۲)

ص: ۶۷

۱- همان؛

۲- غیبت نعمانی - ص ۲۵۳

قبل از ظهور، سفیانی و یمانی و مروانی و شعیب بن صالح خروج می کنند پس چگونه قائلید که این امر - خروج بعض افراد در زمان امام علیه السلام - فرج و ظهور قائم (علیه السلام) است؛ یعنی بیان امام علیه السلام بر عدم تطبیق و تعجیل است و قائم (علیه السلام) که منتظر او هستید بعد از سفیانی و یمانی و مروانی و شعیب بن صالح خواهد بود:

### سیصد و سیزده نفر یاران خاص

باز در کمال الدین نقل شده است: (۱) **أَبِي خَالِدِ الْكَابِلِيِّ عَنْ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: الْمَفْقُودُونَ عَنْ فُرْشَتِهِمْ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عَدَّهُ أَهْلُ بَدْرِ فَيُضْبِحُونَ بِمَكَّةَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا (۲) وَ هُمْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ (عَلَيْهِ السَّلَام).**

امام سجاد زین العابدین (علیه السلام) فرمود؛ یاران حضرت که از بستر خود برای یاری امام قائم (علیه السلام) ناپدید می شوند سیصد و سیزده نفر به شماره اهل بدر هستند؛ که صبح آن شب در مکه حاضر می شوند و این همان قول خداوند متعال است که فرمود؛ هر کجا که باشید خدا شما را همه را گرد هم خواهد آورد؛ این ها اصحاب قائم (علیه السلام) هستند؛

ص: ۶۸

---

۱- کمال الدین - ج ۲ ص ۶۵۴

۲- البقره: ۱۴۸.

\* نقش پرچم حضرت؛ و باز در کمال الدین نقل شده است که: عَزِيدُ اللَّهِ بْنِ عَجَلَانَ قَالَ: ذَكَرْنَا خُرُوجَ الْقَائِمِ (عليه السلام) عِنْدَ أَبِي عَزِيدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقُلْتُ لَهُ كَيْفَلَنَّا أَنْ نَعْلَمَ ذَلِكَ فَقَالَ يُصْبِحُ أَحَدُكُمْ وَ تَحْتَ رَأْسِهِ صَاحِبَةٌ عَلَيْهَا مَكْتُوبٌ طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ

و رُوي أَنَّهُ يَكُونُ فِي رَأْيِهِ الْمَهْدِيُّ (عليه السلام) الْبَيْعَةُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. (۱)

عبد الله عجلان گوید؛ ما در خدمت امام صادق (عليه السلام) ظهور قائم (عليه السلام) را یاد آور شدیم به او عرض کردیم از کجا برای ما فراهم شود که این موضوع را بدانیم - و چگونه علم به آن پیدا کنیم - فرمود: نشانه این است که هر کدام از - اصحاب خاص - صبح که از خواب برخیزد در زیر بالین خود صحیفه ای می بیند که بر آن مکتوب است؛

### طاعه معروفه؛ اطاعت با شوق و افتخار

و روایت شده است که بر روی پرچم مهدی (عليه السلام) این کلام است؛

بیعت برای خدای عز و جل است.

\* همراهی با پرچم اهل بیت علیهم السلام موجب نجات؛ تقدیم و تاخیر از آن سبب هلاکت است؛

شیخ صدوق در کمال الدین نقل می کند که: عن عُبَيْدِ بْنِ كَرِبٍ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ رَأْيَهُ مَنْ تَقَدَّمَ مَرَقَ وَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا مَحَقَّ وَ مَنْ تَبِعَهَا لِحَقَّ. (۲)

ص: ۶۹

---

۱- کمال الدین و تمام النعمه؛ ج ۲؛ ص ۶۵۴

۲- همان؛



عبید بن کرب گوید از علی (علیه السلام) شنیدم می فرمود:

برای ما خاندان و اهل بیت پرچمی است که هر که از آن پیش افتد از دین خدا بیرون شده است و هر کس که از آن عقب بماند و در موقع لازم به آن ملحق نشود نابود خواهد شد و هر کس همراه و ملازم آن باشد به حق رسیده است.

### ندای آسمانی برای شرق و غرب

باز در غیبت نعمانی نقل شده است: (۱) عَنْ شُرْحِبِيلَ قَالَ:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ سَأَلْتُهُ عَنِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ إِنَّهُ لَا يَكُونُ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ حَتَّى تَسْمَعَهُ الْفَتَاةُ فِي خُدْرِهَا.

شرحییل گوید: ابو جعفر امام باقر علیه السلام در پاسخ پرسشی که از امام (علیه السلام) درباره امام قائم (علیه السلام) نمودم فرمود:

این امر - ظهور و یا خروج - اتفاق نخواهند افتاد تا این که منادی از آسمان ندا دهد که صدایش را اهل شرق و اهل غرب بشنوند و حتی دوشیزه های پشت پرده نیز این صدا به گوششان برسد؛

ممکن است غیر از ندای آسمانی که پس از قتل نفس زکیه است مراد دیگر و وجوه دیگری که از لوازم این شنیدن اهل شرق و غرب باشد اطلاع یافتن شرق و غرب بر

ص: ۷۰

وقایع و فتن و مقدماتی باشد که زمینه ظهور باشد و شنیدن دوشیزه گان نیز کنایه از این باشد که شدت شیوع و اطلاع و آگاهی مردم نسبت به این اتفاقات در حد اعلی باشد که به همه و کسانی که در معرض مستقیم اخبار نیستند و نیز به طور تکوینی به آنان برسد؛ مثل بسیاری از اتفاقاتی که تاثیر آن ها به گونه ای است که شدت و اثر گذاری آن ها به حدی باشد که همه را تحت تاثیر بگذارد و از وقوع و تاثیرات آن برخوردار شوند مثل گرانی ها و امراض و جنگ ها و بلاهای طبیعی و .. زیرا که در قرب ظهور ظلم و نابسامانی مثل سرما که به خانه ها نفوذ می کند و بر همه مردم اثر می گذارد لذا در اخبار ظهور است که بعد از ظهور عدالت مثل نفوذ سرما که اثر آن کاملاً محسوس است به خانه ها وارد می شود و این ممکن است همین اطلاع یافتن مردم همه دنیا به زبان های خود بر اخبار مقدمات و لوازم آن بوده باشد و البته ندای خاص و به نام بعد از این وقایع منافاتی با این وجوه ندارد؛

اگر احوال عمومی آخرالزمان به گونه ای است که هرج و مرج و بی دینی و بی عفتی همراه است آیا دوشیزه ای در آن چنان زمانی در پس پرده هست؛ پاسخ این که بله؛ متدینین از اهل ایمان برای حفظ حریم الهی و رعایت تقوی همواره سختی ها متوجه خود نموده و به شرع مقدس احترام می گذارند که این مراعات هم سبب استمرار سیره صحیح بوده و هم حجت را بر دیگران تمام نموده و هم از الطاف و مواهب خاص اهل بیت (علیهم السلام) بهره مند می شوند کما این که در تشریف عالم جلیلالقدر سید

محمدباقر مجتهدسیستانی و بانویی که هفت سال برای حفظ حجاب خود از منزل بیرون نیامدند واضح است.

و این که شاید مراد از اخبار در این روایت که دوشیزگان در پس پرده نیز می شنوند انشاء باشد به این معنی که دوشیزگان از اهل ایمان باید این گونه باشند و خود را حفظ نموده و در پرده حجاب و عفاف باشند ولو در آخرالزمان و چنینی شرایطی که میل به گناه و معصیت و پرده دری و گستاخی مزید احترام بین اهل باطل است.

و دیگر این که موضوعات در احکام در مواردی انصراف به نوع دارد و نوع از متدینین و اهل ایمان این گونه هستند و اگر در دوره ای و مقطعی خلاف این امر باشد مخل به موضوع نیست.

### علامات منظم قبل از ظهور

باز در غیبت نعمانی نقل شده است که:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّامِتِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا مِنْ عَلَامَةٍ بَيْنَ يَدَيِ هَذَا الْأَمْرِ فَقَالَ بَلَى قُلْتُ وَ مَا هِيَ قَالَ هَلَاكُ الْعَبَّاسِيِّ وَ خُرُوجُ الشُّفْيَانِيِّ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَ الْخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ وَ الصَّوْتُ مِنَ السَّمَاءِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَخَافُ أَنْ يَطُولَ هَذَا الْأَمْرُ فَقَالَ لَا إِنَّمَا هُوَ كِنِظَامِ الْخَرَزِ يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا. (١)

ص: ٧٢

محمد بن صامت از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که: خدمت امام علیه السلام عرض کردم: هیچ نشانه ای قبل از ظهور نیست؛ فرمود: بلی هست؛ عرض کردم: آن نشانه کدام است؟

فرمود: نابودی عباسی و خروج سفیانی و کشته شدن نفس زکیه و فرو رفتن زمین در بیداء و ندای آسمانی؛ عرض کردم: فدایت شوم می ترسم که این کار به درازا بکشد و طولانی شود؛ فرمود: خیر؛ مثل رشته منظم - زنجیروار - به دنبال هم اتفاق خواهند افتاد؛

\*\* ندای رحمانی و شیطانی؛ در غیبت نعمانی نقل شده است که: نَاجِيَةَ الْقَطَّانِ أَنَّهُ سَمِعَ أَيَّامًا جَعْفَرٍ (علیه السلام) يَقُولُ إِنَّ الْمُنَادِيَ يُنَادِي أَنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَلَانُ بْنُ فُلَانٍ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ فَيُنَادِي الشَّيْطَانَ إِنَّ فُلَانًا وَشِيَعَتَهُ عَلَى الْحَقِّ يَعْنِي رَجُلًا مِنْ بَنِي أُمَّيَّةَ. (۱)

ناجیه قطان گوید که شنیدم امام باقر (علیه السلام) می فرمود:

منادی آسمانی این گونه ندا می دهد؛ مهدی آل محمد علیهم السلام فلانی فرزند فلانی است و شیطان نیز ندا می دهد؛ همانا فلانی و پیروانش بر حق هستند - یعنی مردی از بنی امیه ( که در اخبار است شیطان ندا می دهد که عثمان بر حق و مظلوم کشته شده است؛)

ص: ۷۳

**\*\* مرگ و قتل مردم و ندای آسمانی؛ در غیبت نعمانی نقل شده است که: (۱)**

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ يَشْمَلُ النَّاسَ مَوْتُ وَ قَتْلٌ حَتَّى يَلْجَأَ النَّاسُ عِنْدَ ذَلِكَ إِلَى الْحَرَمِ  
فَيُنَادِي مُنَادٍ صَادِقٌ مِنْ شِدَّةِ الْقِتَالِ فِيْمِ الْقَتْلِ وَ الْقِتَالِ صَاحِبُكُمْ فَلَانٌ.

عبد الله بن سنان گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمود:

مرگ و کشتاری مردم را فرا خواهد گرفت تا این که مردم به حرم پناهنده خواهند شد؛ پس بعد از شدت جنگ و قتل منادی  
صادقی ندا می دهد؛ این قتل و کشتار برای چیست؛ صاحب شما فلانی - مهدی (علیه السلام) - است؛

**\*\* قائم (علیه السلام) و سفیانی در یک سال؛**

باز در غیبت نعمانی وارد شده است که: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: السُّفْيَانِيُّ وَ  
الْقَائِمُ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ.

محمد بن مسلم گوید که امام باقر (علیه السلام) فرمود: سفیانی و قائم (علیه السلام) در یک سال خواهند بود؛ و این یک  
علامت خاص است که علاوه بر اصل وقوع آن خبر از زمان آن می دهد؛

**\*\* مرگ خلیفه؛ باز در غیبت نعمانی نقل شده است: (۲)**

؛

ص: ۷۴

۱- غیبت نعمانی - ص ۲۶۷

۲- غیبت نعمانی - ص ۲۶۷

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: بَيْنَا النَّاسُ وَقُوفٌ بِعَرَفَاتٍ إِذْ أَتَاهُمْ رَاكِبٌ عَلَى نَاقَةٍ ذُعَلْبِهِ يُخْبِرُهُمْ بِمَوْتِ خَلِيفِهِ يَكُونُ عِنْدَ مَوْتِهِ فَرَجٌ آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) وَفَرَجٌ النَّاسِ جَمِيعاً

ابوبصیر گوید؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی که مردم در عرفات وقوف کرده اند، سواری که بر شتر تندرویی سوار است می رسد و خبر مرگ خلیفه ای را می دهد که مرگ او سبب فرج آل محمد (صلی الله علیه و آله) و فرج همه مردم است؛

وَ قَالَ (عليه السلام) إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةً فِي السَّمَاءِ نَارًا عَظِيمَةً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ تَطْلُعُ لَيْلًا فَعِنْدَهَا فَرَجٌ النَّاسِ وَ هِيَ قُدَّامُ الْقَائِمِ (عليه السلام) بِقَلِيلٍ.

و نیز فرمود: وقتی که نشانه ای در آسمان دیدید: آتش بزرگی که از جانب مشرق که چند شب شعله ور است در آن وقت فرج مردم فرا رسیده است و این امر اندکی پیش از قائم (علیه السلام) خواهد بود. پس این آتش نیز از علامات نزدیک ظهور است؛

\* غصب خداوند، مرگ هایی که بین آن ها مرگ هایی دیگر رخ می دهد؛

در غیبت نعمانی نقل شده است که: (۱)

عَنْ أَبِي الطَّفَيْلِ قَالَ: سَأَلَ ابْنَ الْكَوَّاءِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عَنِ الْغَضَبِ فَقَالَ هَيْهَاتَ الْغَضَبُ هَيْهَاتَ مَوَاتٌ بَيْنَهُنَّ مَوَاتٌ وَ رَاكِبُ الدُّعْلَبِ وَ مَا رَاكِبُ الدُّعْلَبِ مُخْتَلِطٌ جَوْفُهَا بَوْضِينَهَا يُخْبِرُهُمْ بِخَبَرٍ فَيَقْتُلُونَهُ ثُمَّ الْغَضَبُ عِنْدَ ذَلِكَ.

ص: ۷۵

ابی طفیل گوید ابن کواء از امیرالمؤمنین (علیه السلام) از غضب پرسید؛ امام (علیه السلام) فرمود: چه بسیار که تا غضب مانده است؛ کو تا غضب؛ مرگ هائی خواهد بود که میان آن مرگ ها مرگ هائی دیگر روی می دهد و نیز باید آن کس که سوار بر شتر تندرو است بیاید؛ و آن سوار بر شتر تندرو کدام است؛ شتری که میانش با بند کمرش به هم آمیخته باشد و آن سوار به آنان خبری می دهد که او را می شناسد این هنگام است که آن غضب فرا می رسد؛

که این خبر هم در ادامه اخبار سابق است؛ این خبر که فرمود مرگ خلیفه ای است که بعد از آن فرج و گشایش خواهد بود؛ اما آن چه در عنوان غضب نقل شده این که بعد از قتل نفس زکیه خداوند غضب می کند؛

\*\* مرگ خلیفه ای بدون یاور و عذر پذیرنده؛ در غیبت نعمانی وارد شده است که: (۱) عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ قَالَ: يُقْتَلُ خَلِيفَةٌ مَا لَهُ فِي السَّمَاءِ عَازِرٌ وَلَا فِي الْأَرْضِ نَاصِرٌ وَيُخْلَعُ خَلِيفَةٌ حَتَّى يَمْشِيَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَيْسَ لَهُ مِنَ الْأَرْضِ شَيْءٌ وَيُسْتَخْلَفُ ابْنُ السَّبِيهِ قَالَ فَقَالَ أَبُو الطُّفَيْلِ يَا ابْنَ أُخْتِي لَيْتَنِي أَنَا وَأَنْتَ مِنْ كُورِهِ قَالَ قُلْتُ وَلِمَ تَتَمَنَّى يَا حَالٍ ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّ حُذَيْفَةَ حَدَّثَنِي أَنَّ الْمَلِكَ يَرْجِعُ فِي أَهْلِ النَّبُوَّةِ.

حذیفه بن یمان گوید: خلیفه ای کشته می شود که نه در آسمان عذر پذیرنده ای دارد و نه در زمین یآوری برای او خواهد بود؛ و خلیفه ای از خلافت خلع می شود که بر روی

ص: ۷۶

زمین راه رود و هیچ چیز از زمین برای او نباشد و ابن السبیه را جانشین خود نماید؛ گوید: ابو طفیل گفت: ای فرزند برادرم کاش که من و تو از اهل زمان او می بودیم؛ راوی گوید: گفتم: ای دایی؛ چرا چنین آرزویی می کند؛ گفت: به خاطر آن که حدیثه برایم حدیث کرد که حکومت به اهل بیت نبوت (علیهم السلام) برخواهد گشت؛

و این در اخبار زیاد آمده است که دنیا برای متقین است و دولت اهل بیت (علیهم السلام) آخرین دولت هاست؛

### اختلاف بنی عباس از علانم فرج شیعه

در غیبت نعمانی نقل شده است که: (۱)

عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ السَّرَّاجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) مَتَى فَرَجُ شَيْعَتِكُمْ قَالَ إِذَا اخْتَلَفَ وُلْدُ الْعَبَّاسِ وَ وَهَى سُلْطَانُهُمْ وَ طَمَعَ فِيهِمْ مَنْ لَمْ يَكُنْ يَطْمَعُ ...

یعقوب بن سراج گوید به ابی عبد الله امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: فرج شیعیان شما چه زمان خواهد بود؛ فرمود: هنگامی که فرزندان عباس به اختلاف بیفتند و پایه های حکومتشان سست شود و طمع در آنان بندد کسی که قدرت طمع در آن ها نداشت؛ البته فرج و گشایش نسبی است که با هر واقعه ای بخشی از فرج است و فرج کل بعد از ظهور و قتل سفیانی است و به حسب افراد نیز همین گونه است که برای بعضی فرج و گشایشی به نسبت دیگر افراد و به نسبت سایر ازمان خواهد بود؛

ص: ۷۷



دیگر این که هم با زوال بنی امیه فرج نسبی و هم با زوال نسبی گشایش برای شیعه اتفاق افتاده است؛ اگر چه بعد از آن نیز ظلم طواغیت ادامه داشته است؛ و این بنی عباس هم ممکن است بنی عباس اول باشد که زوال و انقراض آن برای شیعه گشایش بود و هم بنی عباس دوم؛ که قرائن علائم نزدیک به ظهور غالباً قرینه است بر این که در این موارد بنی عباس دوم مراد است؛

... وَ خَلَعَتِ الْعَرَبُ أَعْتَنَهَا وَ رَفَعَ كُلُّ ذِي صِيصَةٍ بِهِ صِيصَةَ يَتَهُ وَ ظَهَرَ الشُّفْيَانِيُّ وَ أَقْبَلَ الْيَمَانِيُّ وَ تَحَرَّكَ الْحَسَيْنِيُّ خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ بِتَرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) قُلْتُ وَ مَا تَرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله)

فَقَالَ سَيْفُهُ وَ دِرْعُهُ وَ عِمَامَتُهُ وَ بُرْدُهُ وَ رَايَتُهُ وَ قَضِيْبُهُ وَ فَرَسُهُ وَ لَأْمَتُهُ وَ سَرْجُهُ

و عرب عنان گسیخته و افسارش رها شود - کنترلش از دست برود - و هر کس که وسیله دفاع و علمی دارد آن را بر افرازد و ادعا کند؛ و سفیانی ظاهر شود و یمانی روی آورد و امرش را آغاز کند و حسنی حرکت کند؛

در این هنگام صاحب این امر با تراث رسول خدا (صلى الله عليه و آله) از مدینه به سوی مکه خروج خواهد کرد؛

عرض کردم تراث رسول خدا (صلى الله عليه و آله) چیست؛ فرمود: شمشیر او و زره او و عمامه او و برد و عبای پشمین او و پرچم او و عصای - یا شمشیر بران - او و اسب او و آلات جنگی او و زین او؛

و باز در غیبت نعمانی نقل شده است که: (۱)

عَنْ يَعْقُوبَ السَّرَّاجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) مَتَى فَرُجَ شَيْعَتِكُمْ فَقَالَ إِذَا اخْتَلَفَ وُلْدُ الْعَبَّاسِ وَ وَهَى سُلْطَانُهُمْ فَذَكَرَ الْحَدِيثَ بِعَيْنِهِ حَتَّى انْتَهَى إِلَى ذِكْرِ اللَّأَمَةِ وَ السَّرْحِ وَ زَادَ فِيهِ حَتَّى يَنْزِلَ بِأَعْلَى مَكَّةَ ...

يعقوب سراج گوید به ابی عبد الله امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: فرج شیعه شما چه وقت خواهد بود؛ فرمود: هنگامی که بنی عباس به اختلاف افتند و ارکان حکومتشان سست شود و عین حدیث بالا را ذکر کرده تا این کلام که؛ به آلات جنگی و زین و اضافه نموده است که: تا بر بالای مکه فرود آید؛

... فَيُخْرِجُ السَّيْفَ مِنْ غِمْدِهِ وَ يَلْبَسُ الدَّرْعَ وَ يَنْشُرُ الرِّايَةَ وَ الْبُرْدَةَ وَ يَعْتَمُّ بِالْعِمَامَةِ وَ يَتَنَاوَلُ الْقَضِيْبَ بِيَدِهِ وَ يَسْتَأْذِنُ اللَّهَ فِي ظُهُورِهِ فَيَطَّلِعُ عَلَى ذَلِكَ بَعْضُ مَوَالِيهِ فَيَأْتِي الْحَسَنِيَّ فَيُخْبِرُهُ الْخَبْرَ فَيَبْتَدِرُهُ الْحَسَنِيُّ إِلَى الْخُرُوجِ فَيَثُبُ عَلَيْهِ أَهْلُ مَكَّةَ ...

پس شمشیر را از غلافش بیرون می کشد و زره خود را می پوشد و پرچم خود را برافراشته و عبای خود را باز می کند و عمامه بر سر می گذارد و عصا - یا شمشیر خود - را به دست می گیرد و از خداوند متعال اذن ظهور می طلبد؛ در این حین بعضی از خادمان آن حضرت از امر حضرت آگاه می شود؛ پس نزد حسنی می آید و خبر

ص: ۷۹

حضرت را به او می رساند؛ حسنی زودتر اقدام به خروج می کند؛ پس اهل مکه بر علیه او بر می خیزند؛

(زیرا شمشیر حضرت تا این زمان مغمم بود و حال از غلاف بیرون می آید؛ و نیز مراد از عمامه ظاهرا عمامه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است؛)

... فَيَقْتُلُونَهُ وَيَبْعَثُونَ بِرَأْسِهِ إِلَى الشَّامِ فَيُظَهَرُ عِنْدَ ذَلِكَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ فَيَبْأِيعُهُ النَّاسُ وَيَتَّبِعُونَهُ وَيَبْعَثُ عِنْدَ ذَلِكَ الشَّامِي جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيُهْلِكُهُمُ اللَّهُ دُونَهَا ...

پس اهل مکه او را می کشند و سرش را به نزد شامی می فرستند؛ در این هنگام صاحب این امر ظاهر می شود؛ پس مردم با او بیعت کنند و از او تبعیت کنند و شامی سپاهی را روانه مدینه می کند ولی به خداوند متعال قبل از رسیدن به مدینه آنان را هلاک می کند

... وَ يَهْرُبُ مِنَ الْمَدِينَةِ يَوْمَئِذٍ مَنْ كَانَ بِالْمَدِينَةِ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ (علیه السلام) إِلَى مَكَّةَ فَيَلْحَقُونَ بِصَاحِبِ الْأَمْرِ وَيُقْبَلُ صَاحِبُ الْأَمْرِ نَحْوَ الْعِرَاقِ وَيَبْعَثُ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَأْمُرُ أَهْلَهَا فَيَرْجِعُونَ إِلَيْهَا؛

و در آن روز هر کس از اولاد علی (علیه السلام) که در مدینه باشد، از مدینه فرار کرده و خود را به مکه می رساند و خود را به صاحب این امر ملحق می کند؛

و صاحب این امر به سوی عراق حرکت می کند و سپاهی به سوی مدینه روانه می کند و امر می کند که اهل و خاندانش به مدینه باز گردند؛

در غیبت نعمانی نقل شده است: (۱) أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ:

سَمِعْتُ الرَّضَا (عليه السلام) يَقُولُ قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ بِيُوحٍ فَلَمْ أَدْرِ مَا الْبُيُوحُ فَحَجَجْتُ فَسَمِعْتُ أَعْرَابِيًّا يَقُولُ هَذَا يَوْمَ بِيُوحٍ فَقُلْتُ لَهُ مَا الْبُيُوحُ فَقَالَ الشَّدِيدُ الْحَرُّ

احمد بن محمد بن ابی نصر گوید از امام رضا (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: بیش از این امر بیوح خواهد شد؛ و من نمی دانستم مراد از بیوح چیست؛ پس به حج رفتم و شنیدم عربی می گفت: امروز روز بیوح است به او گفتم: بیوح چیست؛ گفت: یعنی بسیار گرم. البته لزوما مراد امام (علیه السلام) همین معنی لغوی بوده باشد ثابت نیست لکن این از معانی محتمل است و تغییرات اقلیمی و نابهنجاری در آن ممکن است از علائم آخر الزمان باشد، کما این که در برخی اخبار دیگر به آن تصریح شده است؛ و در اخبار دیگر به معنی پیوسته بودن یا آشفتنگی و نابسامانی است که این معنی چون از خود اخبار است اولی است؛

### خورشید و ماه گرفتگی

در غیبت نعمانی نقل شده است: (۲)؛ عَنْ بَدْرِ بْنِ الْخَلِيلِ الْأَسَدِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ (عليه السلام) فَذَكَرَ آيَاتِنِ تَكُونَانِ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ (عليه السلام) لَمْ تَكُونَا مُنْذُ

ص: ۸۱

۱- غیبت نعمانی - ص ۲۷۱

۲- همان؛

أَهْبَطَ اللَّهُ آدَمَ (صلى الله عليه وآله) أَبَداً وَ ذَلِكَ أَنَّ الشَّمْسَ تَنكَبُ فِي النُّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ الْقَمَرَ فِي آخِرِهِ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَا بَيَّلَ الشَّمْسُ فِي آخِرِ الشَّهْرِ وَ الْقَمَرَ فِي النُّصْفِ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) إِنِّي لَأَعْلَمُ بِالَّذِي أَقُولُ إِنَّهُمَا آيَاتَانِ لَمْ تَكُونَا مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ.

بدر بن خلیل اسدی گوید در نزد امام باقر (علیه السلام) بودم که فرمودند؛ دو نشانی و علامت پیش از قیام قائم (علیه السلام) خواهد بود که از وقتی که خداوند متعال آدم (علیه السلام) را به زمین فرود آورده است، هرگز آن دو نشانی واقع نشده است و آن اینکه آفتاب در نیمه ماه رمضان و ماه در آخر آن گرفته می شوند.

که مضامین این اخبار نیز کثیر است و این اخبار که دال بر وقوع علامت و نشانه خاص در ماه های خاص مثل رجب و محرم و رمضان و ذی الحجه و ماه های دیگر است غیر از اخباری است که مدت زمان آن ها را مشخص کرده است؛ یعنی دسته ای از اخبار روز این اتفاق و طایفه دیگر مدت زمان آن را نیز بیان نموده اند؛ مردی به آن حضرت عرض کرد یا ابن رسول الله؛ بلکه آفتاب در آخر ماه و ماه در نیمه آن گرفتگی دارد؛ امام باقر (علیه السلام) به او فرمود:

من بهتر می دانم چه می گویم آن دو نشانی نشانه هائی است که از هبوط آدم (علیه السلام) تا آن روز اتفاق نیفتاده است؛ هم زمانی این دو علامت با هم نیز ممکن است مراد باشد؛

در غیبت نعمانی نقل شده است که: (۱) عَنْ وَرْدِ أَخِي الْكُمَيْتِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ بَيْنَ يَدَيَّ هَذَا الْأَمْرِ انْكِسَافَ الْقَمَرِ لِخَمْسِ تَبَقَى وَالشَّمْسِ لِخَمْسِ عَشْرَةَ وَذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَعِنْدَهُ يَسْقُطُ حِسَابُ الْمُنْجِمِينَ؛

ورد- برادر کمیت- گوید امام باقر (علیه السلام) فرمود: پیش از این امر به پنج روز قبل از اتمام ماه رمضان ماه گرفتگی خواهد بود و پانزده روز پیش از اتمام ماه، گرفتگی آفتاب و این در ماه رمضان خواهد بود و آن هنگام حساب ستاره شناسان و منجمین به هم خواهد خورد؛

و نیز در غیبت نعمانی نقل شده است: (۲) عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: عَلَامَةُ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ كُسُوفُ الشَّمْسِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي ثَلَاثِ عَشْرَةَ وَ أَرْبَعِ عَشْرَةَ مِنْهُ.

ابی بصیر گوید امام صادق (علیه السلام) فرمود: نشانه خروج مهدی (علیه السلام) گرفتگی آفتاب در سیزدهم یا چهاردهم از ماه رمضان است؛ و جمع بین این اخبار تنافی ندارد؛ هم به لحاظ روز وقوع و هم به لحاظ مقدار زمان؛

\*\* خروج قومی از مشرق؛ و باز در غیبت نعمانی در خبری نقل شده است:

ص: ۸۳

۱- همان؛

۲- غیبت نعمانی - ص ۲۷۲

عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَابِلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: كَانَتْ بَقِيَّةُ يَوْمِ خَرْجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَ فَبَادَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَمُّوا سِيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتْلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبَقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ. (۱)

ابی خالد کابلی گوید امام باقر (علیه السلام) فرمود:

گوئی قومی را می بینم که از خاور خروج کرده اند و خواستار حق هستند ولی به آنان داده نمی شود سپس باز خواستار حق خود می شوند و به آنان نمی دهند؛ چون چنین بینند شمشیرهای خود را برهنه کنند - و سلاح به دست می گیرند - و برگردن های خود می گذارند؛ پس در این وقت حق آنان را به آنان بدهند لکن آنان نمی پذیرند تا آنکه قیام کنند و پرچم خود را جز به صاحب شما تحویل نمی دهند؛ کشته گانشان شهیدند، آگاه باشید که اگر من آن روز را درک می کردم جان خود را برای یاری صاحب این امر نگاه می داشتم؛

ما این روایت را به عنوان روایت قتلاهم شهداء مفصل شرح دادیم که با توجه به دو طایفه اخبار که عمده آن ها تصریح بر عدم خروج و قیام دارد و پرچم ها و آیات مورد تایید ائمه (علیهم السلام) مثل یمانی و خراسانی و حسنی و نیز قرائن متعدد از سایر اخبار این قوم ظاهرا - و العلم عندالله - باید بعد از زمانی باشد که ائمه (علیهم السلام) اجازه

ص: ۸۴

حرکت به شیعه داده و آنان را دعوت به رسیدن به پرچم اهل بیت (علیهم السلام) نموده اند باشد که علامت اصلی آن ها خسف بیداء و ندای آسمانی است و در برخی اخبار دیگر علامت دیگر نیز وارد شده است؛

### وقایع خراسان و سجستان

در غیبت نعمانی نقل شده است که: عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرْبُودَ قَالَ: مَا دَخَلْنَا عَلَى أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ (علیه السلام) قَطُّ إِلَّا قَالَ خُرَّاسَانَ خُرَّاسَانَ سِجِسْتَانَ سِجِسْتَانَ كَأَنَّهُ يُبَشِّرُنَا بِذَلِكَ

معروف ابن خربوذ گوید هیچ وقت خدمت امام باقر (علیه السلام) نرسیدیم مگر آن که فرمود:

خراسان خراسان، سجستان سجستان، گویا با این کلام به ما مژده ای می داد؛ که ظاهراً به خراسان قدیم منحصر است که تا بلخ و طالقان و مرو است و قرائن متعدد موجود است که خراسان ایران مراد نیست و مکرر ذکر شد؛

\*\* از بین رفتن وحدت شیعیان و نیز برافراشتن پرچم های متعدد؛

در غیبت نعمانی نقل شده است که: عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) يَقُولُ إِذَا ظَهَرَتْ بَيْعَةُ الصَّبِيِّ قَامَ كُلُّ ذِي صَيْصِيَهٍ بِصَيْصِيَهٍ (۱) ابی الجارود گوید: شنیدم امام باقر (علیه السلام) می فرمود: هنگامی که بیعت پسر بچه ظاهر شود هر کس که آلت دفاعی و اسباب قدرتی داشته باشد آن را علم می نماید و از آن استفاده می کند؛

ص: ۸۵



در غیبت نعمانی نقل شده است که: (۱)

عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: مَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى لَا يَبْقَى صِنْفٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَقَدْ وُلُوا عَلَى النَّاسِ حَتَّى لَا يَقُولَ قَائِلٌ إِنَّا لَوْ وُلِينَا لَعَدَلْنَا ثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَالْعَدْلِ

هشام بن سالم از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمود؛ این امر واقع نخواهد شد تا این که هیچ صنفی از مردم نماند مگر آن که بر مردم حکومت و امارت کنند تا آنکه کسی نگوید؛ اگر ما حکومت به دست می گرفتیم با عدالت رفتار می کردیم، سپس قائم (علیه السلام) به حق و عدالت قیام می کند.

\*ندای آسمانی حتمی و کشتار اکثر مردم قبل از ظهور؛

در غیبت نعمانی نقل شده است که: عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) النَّدَاءُ حَقٌّ قَالَ إِي وَ اللَّهِ حَتَّى يَسْمَعَهُ كُلُّ قَوْمٍ بِلِسَانِهِمْ وَقَالَ (عليه السلام) لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ تِسْعَةُ أَغْشَارِ النَّاسِ (۲) هشام بن سالم از زراره نقل کرده که گوید به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: آیا ندای آسمانی واقع خواهد شد؛ فرمود: آری به خدا قسم تا آن جا که هر قومی به زبان خودشان آن ندا را می شنوند، و نیز فرمود: این امر صورت نخواهد گرفت تا آن که نه

ص: ۸۶

۱- همان؛

۲- همان؛

دهم از مردم از بین بروند؛ البته این اخبار متعدد است و میزانی که بیان نمودند نیز تفاوت دارد و یک سوم از مردم و نیمی از مردم و دو سوم و پنج هفتم هم در اخبار وارد شده است؛ که با توجه به امراض و بیماری ها و نیز جنگ های متعدد منطقه ای و جهانی و بلاهای طبیعی این امر می تواند رخ دهد؛

### زوال ملک بنی عباس

باز در غیبت نعمانی آمده است: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْقُرَشِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنِ خَالِدِ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: إِذَا هَيْدَمَ حَائِطُ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ مِنْ مُؤَخَّرِهِ مِمَّا يَلِي دَارَ ابْنِ مَسْعُودٍ فَعِنْدَ ذَلِكَ زَوَالُ مُلْكِكَ بَيْنِي فَلَمَّا إِنِّ هَيَادِمُهُ لَا يَبْنِيهِ. (۱)

حدیث کرد برای ما عبد الواحد بن عبد الله بن یونس که گوید: حدیث کرد برای ما محمد بن جعفر قرشی که گوید: حدیث کرد برای ما محمد بن حسین بن ابی الخطاب که گوید: حدیث کرد برای ما محمد بن سنان از حسین بن مختار و او از خالد قلانسیکه امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی که دیوار مسجد کوفه از انتهای آن که به خانه ابن مسعود چسبیده است ویران شد، حکومت بنی فلان - بنی عباس - زائل خواهد شد، آگاه باشید که ویران گر آن دیوار دوباره آن را تجدید بنا نخواهد کرد - دوباره ساخته

ص: ۸۷

نخواهد شد؛ و این امری است که در خیلی از مواضع اتفاق می افتد و برخی نیز بعد از ظهور این گونه خواهند بود لکن مواضعی از محل فتن مثل کوفه و بصره و شام نوعاً این گونه هستند که هر کدام علامت واقعه ای بوده و آبادانی آن ها ممکن است مجدداً اتفاق نیفتد؛

### دوازده مدعی غیر صادق

باز در غیبت نعمانی آمده است که: (۱) .. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: لَا يَقُومُ الْقَائِمُ حَتَّى يَقُومَ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا كُلُّهُ يُجْمَعُ عَلَى قَوْلِ أَنَّهُمْ قَدْ رَأَوْهُ فَيَكْذِبُهُمْ.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: قائم (علیه السلام) قیام نخواهد کرد تا آن که دوازده نفر قیام کنند و همگی مدعی هستند که قائم (علیه السلام) را دیده اند و حضرت تکذیبشان خواهد کرد.

البته به طور خاص در مورد بنی هاشم نیز وارد شده است که قبل از ظهور دوازده نفر از بنی هاشم خروج می کنند و همگی دعوت به نفس می کنند لکن در این خیر فرموده ادعای مشاهده یا مشاهده خاص دارند که فرموده حضرت تکذیبشان می کند؛\*\* حرب قیس؛ باز در غیبت نعمانی آمده است که:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ تَحْرُكُ حَرْبُ قَيْسٍ (۲)

؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: پیش از قیام قائم (علیه السلام) جنگ قیس به جنبش خواهد آمد و در اخبار ملاحم و فتن و اخبار غیبی امیر المومنین (علیه السلام) در باب جزیره قیس و سواحل آن ذکر شد؛

ص: ۸۸

---

۱- غیبت نعمانی - ص ۲۷۷

۲- همان؛

باز در غیبت نعمانی آمده است: عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: ذُكِرَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) السُّفْيَانِيُّ فَقَالَ أَنِّي يَخْرُجُ ذَلِكَ وَ لَمَّا يَخْرُجُ كَاسِرٌ عَيْنِيهِ بِصَنْعَاءَ (۱)

عبید بن زرارہ گوید در محضر امام صادق (علیه السلام) از سفیانی سخن به میان آمد؛ فرمود سفیانی کجا خروج کند تا آن که کاسر العینین در صنعاء خروج نکرده باشد؛ در بعض اخبار در خروج هم زمان سفیانی و خراسانی و یمانی نقل شده است؛ لکن مقیداتی در خروج زودتر یمانی وارد شده است و نیز طبق این خبر قبل از سفیانی علامت دیگری خواهد بود و آن خروج فردی که چشمش خواب آلود است از صنعاست؛

\*\* قبل از سفیانی شیبسانی خروج می کند؛ ۸- عن جابر الجعفی قال: (۲)

سألت أبا جعفر الباقر (عليه السلام) عن السفیانی فقال و أنى لكم بالسفیانى حتى يخرج قبلها الشیبسانى يخرج من أرض كوفان ينبع كما ينبع الماء فيقتل وفدكم فتوقعوا بعد ذلك السفیانی و خروج القائم (عليه السلام)

عمرو بن شمر از جابر جعفی نقل کرده که گوید؛ از امام باقر (علیه السلام) از سفیانی پرسیدم فرمود؛ کجا سفیانی خواهد بود تا این که قبل از او شیبسانی از ارض کوفه خروج کند و هم چون چشمه ای از زمین می جوشد و گروه هایی از قوم شما را به قتل رساند،

ص: ۸۹

۱- همان؛

۲- الغیبه للنعمانی؛ النص؛ ص ۳۰۲

در این هنگام منتظر سفیانی و خروج قائم (علیه السلام) باشید؛ شیبانی گرچه بر شیطان و یا فرد شیطانی اطلاق می شود لکن طبق بعض اخبار از رجال بنی العباس در کوفه است؛

\*\* موت احمر و ابیض و هجوم ملخ ها؛ باز در غیبت نعمانی آمده است که: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ مَوْتُ أَحْمَرٍ وَ مَوْتُ أَبْيَضٍ وَ جَرَادٌ فِي حِينِهِ وَ جَرَادٌ فِي غَيْرِ حِينِهِ أَحْمَرٌ كَالدَّمِ فَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ فَبِالسَّيْفِ وَ أَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ فَالطَّاعُونَ (۱)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: قبل از قائم (علیه السلام) مرگ سرخ و مرگ سفید است و - هجوم - ملخ ها در فصل خود و ملخ هایی در غیر فصل خود که مثل خون سرخ رنگ است خواهد بود؛ و اما مرگ سرخ شمشیر است و مرگ سفید طاعون است؛ که اخبار زیادی در باب موت سرخ با شمشیر و موت سفید با طاعون وارد شده است؛ لکن خبری در معانی الاخبار نقل شده است که مفید برای مقام است؛

\*\* معنای موت احمر؛ شیخ صدوق در معانی الاخبار نقل می کند؛ (۲) باب معنی الفقر الذی هو الموت الأحمر ۱- ... عن أبي عبد الله عليه السلام قال: الفقر الموت الأحمر فقيل الفقر من الدنانير و الدراهم قال لا و لكن من الدين

امام صادق (علیه السلام) فرمود؛ فقر همان موت احمر است؛ پرسیده شد آیا مراد فقر دینار و درهم است؛ فرمود؛ خیر بلکه فقر در دین است؛ این که موت احمر در کنار موت

ص: ۹۰

۱- همان؛

۲- معانی الأخبار؛ النص؛ ص ۲۵۹

ایض است احتمال همان مرگ به شمشیر را تقویت می کند اما طبق مقتضای اخبار آخر الزمان فقر در دین شایع می شود و واضح است دوری از تعالیم دین و شرع مقدس سبب و مقتضی هلاکت است؛

### جنگ قرقیسا و سفره ای برای وحوش و طیور

باز در غیبت نعمانی آمده است که: (۱) عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْمَنْصُورِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ مَائِدَةً وَفِي غَيْرِ هَذِهِ الرِّوَايَةِ مَأْدُبُهُ بِقَرْقِيسِيَاءَ يَطَّلِعُ مُطَّلِعٌ مِنَ السَّمَاءِ فَيُنَادِي يَا طَيْرَ السَّمَاءِ وَيَا سِبَاعَ الْأَرْضِ هَلُمُّوا إِلَيَّ الشُّبُعِ مِنَ لُحُومِ الْجَبَّارِينَ

حذیفه بن منصور گوید که امام صادق (علیه السلام) فرمود: برای خداوند متعال مائده و سفره ای است در شهری نزدیک نهر فرات که قرقیسیا نام دارد؛ که یک منادی از آسمان ندا می دهد؛ ای پرندگان آسمان و ای درندگان زمین بشتابید و شکم خود را از گوشت های ستم کاران سیر کنید؛

\*\* ندا به اسم قائم (علیه السلام)؛ باز در غیبت نعمانی نقل شده است که: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَ قَالَ يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ قُمْ. (۲)

ابی بصیر گوید امام صادق (علیه السلام) برای ما حدیث کرد و فرمود؛ منادی قائم (علیه السلام) را به نام ندا می دهد که فلان فرزند فلان پاخیز و قیام کن؛

\*\* فتنه ای در شام؛ در غیبت نعمانی نقل شده است:

ص: ۹۱

۱- غیبت نعمانی - ص ۲۷۸

۲- غیبت نعمانی - ص ۲۷۹

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: يَا جَابِرُ لَا يَطْهَرُ الْقَائِمُ (عليه السلام) حَتَّى يَشْمَلَ النَّاسَ بِالشَّامِ فِتْنَةً يَطْلُبُونَ الْمَخْرَجَ مِنْهَا فَلَا يَجِدُونَهُ وَ يَكُونُ قَتْلٌ بَيْنَ الْكُوفَةِ وَ الْحِيرَةِ قَتْلَاهُمْ عَلَى سَوَاءٍ وَ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ. (۱)

جابر از امام باقر (عليه السلام) نقل کرده که فرمود: ای جابر، قائم (عليه السلام) ظهور نمی کند تا این که در شام مردم را فتنه ای فرا گیرد که به دنبال راه گریز و مفر باشند و آن را نیابند و قتل و کشتاری در میان کوفه و حیره اتفاق افتد که از هر دو گروه به یک میزان کشته شود و منادی ای از آسمان ندا سر دهد؛\*\* صدایی از شام و بشارتی بر فرج و گشایش؛ باز در غیبت نعمانی نقل شده است: مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: تَوَقَّعُوا الصَّوْتِ يَأْتِيكُمْ بَعْتَهُ مِنْ قِبَلِ دِمَشْقَ فِيهِ لَكُمْ فَرَجٌ عَظِيمٌ (۲)

محمد بن مسلم از امام باقر (عليه السلام) نقل کرده که فرمود: به انتظار صدائی باشید که به طور ناگهانی از سوی دمشق به شما خواهد رسید و در آن صدا برای شما فرجی بزرگ خواهد بود؛ البته این صدا ممکن است اعلان و آگاهی بر برخی امور نیز باشد؛ و باز در غیبت نعمانی نقل شده است: (۳) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: يَقُومُ الْقَائِمُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ؛ امام صادق (عليه السلام) فرمود؛ امام قائم (عليه السلام) در روز عاشورا قیام خواهد کرد؛

ص: ۹۲

۱- همان؛

۲- همان؛

۳- غیبت نعمانی - ص ۲۸۲

مسلك دوم: بلاهای آخرالزمان، علائم ظهور، عسرت شیعه و فضیلت صبر

اشاره

ص: ۹۳





بیان بعضی اخبار؛ اندراس قرآن و اسلام و فقهای اهل فتنه

در کافی شریف نقل می کند؛<sup>(۱)</sup>

۴۷۹- علی بن ابراهیم عن ابيه عن النوفلي عن السكوني عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال قال أمير المؤمنين (عليه السلام) قال رسول الله (صلى الله عليه وآله)؛

سيأتي على الناس زمان لا يبقى من القرآن إلا رسمه و من الإسلام إلا اسمه يسمون به و هم أبعد الناس منه مساجدهم عامره و هي خراب من الهدى فقهاء ذلك الزمان شر فقهاء تحت ظل السماء منهم خرجت الفتنة و إليهم تعود؛

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده است؛ زمانی بر مردم خواهد آمد که از قرآن جز نامی نماند و از اسلام جز اسمی نمی ماند؛ مردم آن زمان خود را مسلمان می نامند ولی دورترین افراد از اهل اسلام هستند؛ مساجد آنان آباد است ولی از هدایت خالی است؛ فقهای این دوران بدترین فقهای زیر آسمانند که فتنه از آن ها برآید و به آنان باز گردد.

### کمیاب شدن کسب حلال و برادر دینی

در تحف العقول نقل می کند؛<sup>(۲)</sup> و قال عليه السلام يأتي على الناس زمان ليس فيه شيء أعز من أخ أنيس و كسب درهم حلال؛

ص: ۹۵

۱- الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج ۸؛ ص ۳۰۷

۲- تحف العقول؛ النص؛ ص ۳۶۸

امام صادق (علیه السلام) فرمود؛ زمانی بر مردم خواهد آمد که کمیاب ترین شیء در آن زمان برادر مطمئن و مونس و کسب درهم حلال است

### زنان غرق در شهوات

شیخ صدوق در فقیه نقل می کند؛<sup>(۱)</sup>

-۴۳۷۴ و- روی الأصبغ بن نباته عن أمير المؤمنين عليه السلام قال سمعته يقول؛

يظهر في آخر الزمان واقتراب الساعة و هو شر الأزمنة نسوة كاشفات عاريات متبرجات من الدين داخلات في الفتن مائلات إلى الشهوات مسرعات إلى اللذات مستحلات للمحرمات في جهنم خالدات  
اصبغ بن نباته گوید: از امیر مؤمنان (علیه السلام) شنیدم که می فرمود:

در آخر الزمان نزدیک به قیامت که بدترین زمان ها است، زنانی ظاهر می شوند: حجاب های خود را مراعات نمی کنند و برهنه هستند و زینت خود برای غیر آشکار می کنند؛ در فتنه ها و آشوب ها داخل می شوند و به شهوات عامل و قائل هستند، به لذت ها سرعت می گیرند و حرام ها را حلال می شمارند و - در نتیجه این اعمال و عقائد خود - در جهنم داخل می شوند؛

### فضل اهل ایمان در آخر الزمان

ص: ۹۶

---

۱- من لا يحضره الفقيه ؛ ج ۳ ؛ ص ۳۹۰

شیخ صدوق در فقیه نقل می کند در وصیه النبی صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود؛(۱)

یا علی أعجب الناس إيماننا و أعظمهم يقينا قوم يكونون في آخر الزمان لم يلحقوا النبي و حجب عنهم الحجه فأمنوا بسواد علی  
بیاض

ای علی؛ شگفت آورترین افراد به لحاظ ایمان، و بزرگ ترین یقین، از آن قومی است که در آخر الزمان هستند. پیامبر را  
ندیده اند، و حجت خداوند از آنان غایب است، لکن به سیاهی بر سفیدی ایمان آورده اند؛

### سایر علائم؛ ده نشانی دیگر

\*\* سایر علائم؛ فتال نیشابوری در روضه الواعظین نقل می کند؛(۲)

مجلس فی ذکر أشراف الساعه؛ قال الله تعالى أتى أمر الله فلا تستعجلوه. و قال اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون. و  
قال تعالى فی سوره الأنبياء و اقترب الوعد الحق. .... و قال تعالى اقتربت الساعه و انشق القمر و روی رجل قال كنا جلوسا فی  
المدينه فی ظل حائط رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و كان رسول الله فی غرفه فاطلع علينا فقال فيما أنتم

ص: ۹۷

---

۱- من لا يحضره الفقيه؛ ج ۴؛ ص ۳۶۶

۲- روضه الواعظین و بصيره المتعظین (ط - القديمه)؛ ج ۲؛ ص ۴۸۴

قلنا نتحدث قال عما ذا قلنا عن الساعة فقال إنكم لا ترون الساعة حتى تروا قبلها عشر آيات طلوع الشمس من مغربها و الدجال و دابه الأرض و ثلاثه خسوف تكون في الأرض خسف بالمشرق و خسف بالمغرب و خسف بجزيره العرب و خروج عيسى عليه السلام و خروج يأجوج و مأجوج و يكون في آخر الزمان نار تخرج من اليمن من قعر الأرض لا تدع خلفها أحدا تسوق الناس إلى المحشر كلما قاموا قامت لهم تسوقهم إلى المحشر

خداوند متعال در سوره قمر فرموده است: قیامت نزدیک شد و ماه شکافته شد؛ مردی روایت می کند و می گوید: در مدینه، کنار دیوار خانه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشسته بودیم و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حجره یی بودند؛ به ما نظر کرده و فرمودند: چه می کنید؟

گفتیم: سخن می گفتیم. فرمود: در چه امری سخن می گوئید؛ گفتیم: در باره قیامت

فرمودند: شما قیامت را نخواهید دید تا آن که پیش از آن ده علامت اتفاق افتد؛ طلوع خورشید از مغرب، دجال، دابه الارض، و سه خسوف و فرورفتگی در زمین؛

یکی در مشرق، دیگری در مغرب و سومی در جزیره العرب، و خروج عیسی (علیه السلام) و خروج یأجوج و مأجوج؛ و در آخرالزمان آتشی در یمن از اعماق زمین بیرون می آید که هیچ چیز را باقی نمی گذارد و همه را به سوی محشر پیش می راند و هر مقدار از آن بگریزند همچنان ادامه دارد و آنان را به سوی محشر می راند؛

## علامات و بلاای طبیعی از زلزله و خورشیدگرفتگی و طوفان

و در ادامه نقل می کند؛(۱)

قال الباقر علیه السلام إن الزلازل و الکسوفین و الریاح الهائله من علامات الساعه فإذا رأیتم من ذلك فتذکروا قیام الساعه و افزعوا إلى مساجدکم

امام باقر (علیه السلام) فرموده است: زلزله های متعدد و دو بار خورشید گرفتگی - یا خورشید و ماه گرفتگی - و باد ها و طوفان های وحشت آور و ترسناک از نشانه ها و علامات قیامت است و هر وقت این علامات را می بینید از برپایی قیامت یاد کنید و به مساجد خود پناه برید؛

که ظاهراً مراد از مساجد مطلق محل عبادت است و گرنه در آخرالزمان مساجد نیز طبق اخبار از هدایت خالی و تهی است که اخبارش ذکر شد؛

## عبادت کنندگان نادان و قاریان فاسق

در روضه الواعظین نقل می کند؛(۲)

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) یکون فی آخر الزمان عباد جهال و قراء فسقهرسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: در آخر الزمان، عبادت کنندگان نادان و قاریان قرآن فاسق خواهند بود؛ که این امر بر اساس نادانی در فهم تعالیم دین است که سبب می شود فرد

ص: ۹۹

---

۱- روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمه)؛ ج ۲؛ ص ۴۸۴

۲- همان؛

گمراه شود و موارد صحیح و راه درست را نداند زیرا برخی گمراهی‌ها عقوبت است؛ و قاریان نیز چون به غنا و مجالس معصیت و یا داخل شوندگان در دنیا خواهند بود مورد مذمت هستند؛

### پانزده خصلت که سبب بلا می شود

باز در روضه الواعظین نقل می کند؛(۱)

وقال (صلى الله عليه وآله) إذا عملت أمتي خمسة عشر خصلة حل بهم البلاء قيل و ما هن يا رسول الله قال إذا اتخذوا الفیء دولا- و الأمانه مغنما و الزكاه مغرما و أطاع الرجل زوجته و عق أمه و بر صديقه و جفا أباه و شرب الخمر و لبس الحرير و الديباج و اتخذوا المعازف و القينات و أكرم الرجل مخافه شره و كان زعيم القوم أرذلهم و لعن آخر هذه الأمة أولها و ارتفعت الأصوات في المساجد فليتوقعوا خلالا ثلاثة ريحا حمراء و خسفا و مسخا

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرموده اند؛

هر گاه امت من پانزده عمل را انجام دهند بلاها بر ایشان نازل می شود؛ سوال کردند: آن اعمالی که سبب نزول بلا می شود کدام هستند؛ فرمودند: هر گاه فیء را دولت و سرمایه بدانند؛ و امانت را غنیمت شمرند، و زکوات و صدقات را غرامت دادن می دانند و بیهوده صرف کنند، و مرد از همسرش پیروی

ص: ۱۰۰

نماید و از مادرش نافرمانی و سرپیچی کند، و با دوستش نیکی و با پدرش ستم و جفا کند؛

و شرب خمر نماید و مردان لباس ابریشم و دیبا بپوشند و از ابزار لهُو و لعب و آلات ان استفاده نماید و استفاده از کنیزهای آوازه خوان - بساط لهُو و لعب آشکار و شایع شود -؛

و افراد را برای حفظ ماندن از شرشان تکریم می کنند، و پیشوا و رهبر قوم پست ترین ایشان باشد، و آیندگان این امت پیشینیان و قدمای این امت را لعنت کنند، قیل و قال و هیاهو در مساجد بلند شود؛ در این هنگام سه امر را توقع داشته باشند و منتظر سه عذاب باشند؛ بادهای و طوفان های سرخ و فرو شدن زمین و مسخ و دگرگون شدن افراد؛

یعنی ممکن است در دین و شکل و تفکر و عقیده تبدل ایجاد شود و این که فرمود کنیزهای اهل غنا زیاد شود امری واضح است گرچه امروزه نام کنیز در میان نیست لکن برده داری فکری شایع است؛ و سر و صدا و قیل و قال در مساجد امری واضح است که امروزه دیده می شود که در مواردی محل هیاهو و تبلیغات هاست؛\*\* تخییر بین ناتوانی و سرکشی؛ باز در روضه الواعظین نقل می کند؛(۱)

ص: ۱۰۱



وقال (صلى الله عليه و آله) يأتى على الناس زمان يخير الرجل بين العجز و الفخور فمن أدرك ذلك الزمان فليخير العجز على الفخور

رسول خدا (صلى الله عليه و آله) فرموده اند: زمانی بر این مردم فرا می رسد که انسان مخیر میان ناتوانی یا تکبر و سرکشی می شود؛ هر کس آن زمان را درک کند باید ناتوانی را بر سرکشی و غرور و فخر برگزیند؛ اگر انسان در چنین شرایطی واقع شد ناتوانی را بر سرکشی برگزیند یعنی اگر مخیر است بین این که ناتوان از ورود به محل شبهه و معصیت و یا امری باشد که موجب هلاکت است بهتر از آن است که وارد شده و با ورود به حرام و شبهه از مصادیق سرکشی و تجری باشد. و این عبارتی روشن است که اگر انسان در طاعت خداوند ضعیف بوده و یا در گمنامی و بی اعتباری و ... باشد به از آن است که در معصیت و شبهه و دست زدن به اموری مخاطره آمیز که موجب هلاکت دین و دنیا است متجری و قوی باشد.

\*\* قتل و کشته شدن [ تخریب و تکفیر ] علماء؛ و قال (صلى الله عليه و آله) يأتى الناس زمان يقتل فيه العلماء كما يقتل اللصوص فيا ليت العلماء تحامقوا فى ذلك الزمان (1) باز رسول خدا (صلى الله عليه و آله) فرموده اند: زمانی بر مردم می آید که در آن علماء همچون دزدان کشته می شوند. ای کاش در آن زمان، علماء خود را به نادانی و جهالت بزنند؛

ص: ۱۰۲

---

۱- همان؛

این تعبیر که فرمود ای کاش در آن زمان، علماء خود را به نادانی بزنند؛ زیرا که در این صورت خود را از حفظ می نمایند و چه بسا قوم و گروهی را نیز از ورود به اباطیل نگه دارند.

### از بین رفتن علم و ظاهر شدن نادانی

و قال (صلی الله علیه و آله) إن من أشراط الساعة أن يرفع العلم و يظهر الجهل و يشرب الخمر و يفسو الزنا و تقل الرجال و تكثر النساء حتى إن الخمسين امرأة فيهن واحد من الرجال (۱).

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده اند؛

از نشانه ها و شروط قیامت این است که علم از بین می رود و نادانی و جهالت آشکار می شود. و شرب خمر رایج می شود و زنا رواج می یابد و شمار مردان کاسته شده و شمار زنان زیاد می شود، به طوری که برای هر پنجاه زن یک مرد خواهد بود؛

گناهان سبب بلاها؛ و قال (صلی الله علیه و آله) إذا فشا فيكم خمس حل بكم خمس إذا فشا فيكم الزنا كانت الزلزلة و إذا فشا فيكم الربا كان الخسف و إذا منعت الزكاه هلكت البهائم و إذا جار السلطان قحط المطر و إذا حقرت الذمه كانت الدوله للمشركين على المسلمين

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده اند؛ وقتی پنج امر در بین شما آشکار شد به پنج عقوبت مبتلا می شوید؛ وقتی زنا شایع شد زلزله رخ می دهد؛ و وقتی ربا شایع شد، فرورفتن زمین

ص: ۱۰۳

خواهد بود؛ وقتی زکات پرداخت نشود چهارپایان می میرند؛ وقتی سلطان جور و ظلم نماید باران نمی بارد؛ و وقتی اهل ذمه تحقیر شوند و با آنان مکر شود، مشرکین بر مسلمین مسلط می شوند؛

### سوال کردن در باره حاجت

در اصول سته عشر نقل شده است؛<sup>(۱)</sup>

اخبرني رجل عن اسحق بن عمار قال سمعت ابا عبد الله (عليه السلام) يقول: يأتي على الناس زمان من سئل عاشر و من سكت مات قال قلت جعلت فداك فان ادركت ذلك الزمان فما اصنع قال فقال ان كان عندك ما تنيلهم فانلهم و الا فاعنهم بجاهك

و در كافي شريف به اين كيفيت نقل شده است؛<sup>(۲)</sup> باب النوادر؛ ۱- الحسين بن محمد عن معلى بن محمد عن سليمان بن سفيان عن إسحاق بن عمار عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: يأتي على الناس زمان من سأل الناس عاشر و من سكت مات قلت فما أصنع إن أدركت ذلك الزمان قال تعينهم بما عندك فإن لم تجد فتجاهد

اسحق بن عمار گوید از امام صادق (عليه السلام) شنیدم که فرمود؛ زمانی بر مردم خواهد آمد که هر کس حاجت خود را ابراز کند و سوال نماید زنده می ماند و هر کس ساکت

ص: ۱۰۴

---

۱-الأصول الستة عشر (ط - دار الشبستري)؛ المتن؛ ص ۱۲۶

۲-الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ۴؛ ص ۴۶

بماند می‌میرد؛ عرض کردم فدایتان شوم؛ اگر آن زمان را درک کردم چه عملی انجام دهم؛ فرمود اگر از آن چه نزد توست مردم یاری کن و الا تلاش نمای؛

### غربت اسلام در آخرالزمان

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): إِنَّ الدِّينَ بَدَأَ غَرِيْبًا و سَيَعُوْدُ غَرِيْبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوْبِي لِلْغُرَبَاءِ؛

این مسلمانی در ابتدا غریب بود و زود گردد غریب چنان که اوّل بود با آخر الزّمان؛ پس خوش باد غریبان را یعنی آنان را که در آن زمانه دین نگاه دارند. (۱)

که مضمون این حدیث مشهور است و تفسیری از سایر روایات است که وقتی فرمودند مشاوره با زنان است و امور به دست ناهلان و مؤمن نیز ضعیف بوده و ماحل و رویضه تصدیق می‌شود قهراً مؤمن غریب و اسلام ضعیف و مندرس خواهد بود؛

### اقامه دین در آخرالزمان و عدالت جهانی

در بهجه النظر سید بحرانی در بخشی از وصیت رسول خدا (صلى الله عليه و آله) به سیدتنا فاطمه الزهراء سلام الله علیها آمده است؛ (۲)

... يقوم الدین فی آخر الزمان کما قمت به فی اول الزمان، و یملاؤ الأرض عدلا کما ملئت جورا؛... دین در آخرالزمان اقامه خواهد شد آن گونه که در آغاز اسلام اقامه شده بود، و زمین پر از عدل خواهد شد آن گونه که از جور و ظلم پر شده بود؛

ص: ۱۰۵

---

۱- شرح فارسی شهاب الأخبار...؛ متن؛ ص ۳۶۴

۲- بهجه النظر...؛ ص ۱۶۹

غربت و اندراس مربوط به دوران غیبت است و اقامه دین و بسط عدالت برای بعد از ظهور و دولت کریمه و مقدسه اهل بیت (علیهم السلام) است؛

### سلطه زنان و ولایت کودکان

در کافی شریف نقل می کند؛<sup>(۱)</sup>

۲۵- عده من أصحابنا عن سهل بن زیاد عن موسى بن عمر الصيقل عن أبي شعيب المحاملي عن عبد الله بن سليمان عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال قال أمير المؤمنين (عليه السلام)

ليأتين على الناس زمان يظرف فيه الفاجر و يقرب فيه الماجن و يضعف فيه المنصف قال فقیل له متى ذاك يا أمير المؤمنين فقال إذا اتخذت الأمانه مغنما و الزكاه مغرما و العباده استطاله و الصله منا قال فقیل متى ذلك يا أمير المؤمنين فقال إذا تسلطن النساء و سلطن الإماء و أمر الصبيان

عبد الله بن سليمان از امام صادق (عليه السلام) روایت می کند که امیر المؤمنین (عليه السلام) فرمود:

زمانی بر مردم می آید که فاجر و زناکار به ناز و نعمت برسد و مطلوب می باشد، و انسان پست و فرومایه مقرب می شود و مرد با انصاف ضعیف می شود؛

عرض کردم: یا امیر المؤمنین (عليه السلام)؛ این امر در چه زمانی رخ می دهد؛

فرمود: زمانی که زنان و کنیزان بر مردم و امورشان مسلط شوند و کودکان به حکومت رسند؛

ص: ۱۰۶

در بخشی از روایت امام کاظم (علیه السلام) که در زندان و در جواب علی بن سوید آمده است نقل شده است؛ (۱).... لیس من أخلاق المؤمنین الغش و لا الأذى و لا الخيانة و لا الكبر و لا الخنا و لا الفحش و لا الأمر به فإذا رأيت المشوه الأعرابي في جحفل جرار فانتظر فرجك و لشيعتك المؤمنين و إذا انكسفت الشمس فارفع بصرک إلى السماء و انظر ما فعل الله عز و جل بالمجرمين فقد فسرت لك جملا مجملا و صلى الله على محمد و آله الأخيار.... از اخلاق مؤمن نیست که غش کند و اذیت نماید و خیانت کند و کبر ورزد و فحاشی نماید و یا امر به فحاشی و دشنام دادن نماید؛ پس هر وقت عرب زشت روی بیابانی را در میان لشکر عظیم جراری دیدی، منتظر فرج و گشایش خودت و شیعیان باش، و هنگامی که خورشید گرفتگی واقع شد سرت را به سوی آسمان بلند کن و ببین خداوند با مجرمین چه می کند، که من با این بیان مطالب مجمل را برای تو تفسیر کردم و صلى الله على محمد و آله الاخيار؛

گرفتگی خورشید و ماه و مدت گرفتگی در اخبار نزدیک ظهور در اخبار متعدد ذکر شده است و مراد از این عرب زشت رو ممکن است و محتمل است سفیانی بوده باشد

ص: ۱۰۷

زیرا هم به زشت منظر بودن وی و هم داشتن لشکر بسیار وی در اخبار اشاره شده است؛

### خلافت و حکومت اهل بیت (علیهم السلام) بعد از قتل سفیانی

در کافی شریف نقل می کند؛<sup>(۱)</sup>

۵۰۹- حمید بن زیاد عن أبي العباس عبيد الله بن أحمد الدهقان عن علي بن الحسن الطاطري عن محمد بن زياد بياع السابري عن أبان عن صباح بن سيابه عن المعلى بن خنيس قال: ذهبت بكتاب عبد السلام بن نعيم و سدير و كتب غير واحد إلى أبي عبد الله عليه السلام حين ظهرت المسودة قبل أن يظهر ولد العباس بأنا قد قدرنا أن يثول هذا الأمر إليك فما ترى قال فضرب بالكتب الأرض ثم قال أف أف ما أنا لهؤلاء بإمام أ ما يعلمون أنه إنما يقتل السفیانی

از معلى بن خنيس روايت شده كه گوید:

در موقع ظاهر شدن پرچم های سیاه و قبل از قیام بنی عباس، عبد السلام بن نعيم و سدير و ديگران نامه هائی برای امام صادق (عليه السلام) نوشتند كه: ما قدرت داریم شما را به خلافت برسانيم، در اين باره چه می فرمائيد؛ راوی گفت: امام صادق (عليه السلام) نامه ها را

ص: ۱۰۸

---

۱- الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ۸؛ ص ۳۳۱

بر زمین زد، و فرمود: اف اف؛ من امام اینها نیستم؛ آیا این افراد نمی دانند که تا سفیانی کشته نشود خلافت و حکومت به ما نمی رسد؛ - که مکرر این معنی ذکر شد؛

### هرج و مرج و بسته شدن راه ها و از بین رفتن حرمت ها

در کفایه الاثر در حدیثی از جابر از رسول خدا (علیه السلام) نقل می کند؛(۱)

... و منا مهدی هذه الأمة إذا صارت الدنيا هرجا و مرجا و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و أغار بعضهم على بعض فلا كبير يرحم صغيرا و لا صغير يوقر كبيراً مهدى این امت از ماست؛ در وقتی که دنیا هرج و مرج شود، و آشوب و فتنه ها ظاهر شود، و راه ها بسته شود و بعض مردم بعض دیگر را غارت کنند؛ نه بزرگ تر بر کوچک رحم کند و نه کوچک تر احترام بزرگ را نگه دارد؛

### ترس و گرسنگی و نقص در اموال و جان ها و محصولات

در کافی شریف نقل می کند؛(۲)

۶- أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد ابن عقده قال حدثني أحمد بن يوسف بن يعقوب أبو الحسن الجعفي من كتابه قال حدثنا إسماعيل بن مهران عن الحسن بن علي بن أبي حمزه عن أبيه عن أبي بصير قال قال أبو عبد الله (عليه السلام)؛ لا بد أن يكون قدام القائم سنة يجوع فيها الناس و يصيبهم خوف شديد من القتل و نقص من الأموال و الأنفس و

ص: ۱۰۹

---

۱- کفایه الاثر - ص ۶۳

۲- الغیبه (للنعمانی)؛ النص؛ ص ۲۵۰



الثمرات فإن ذلك في كتاب الله ليين ثم تلا هذه الآية و لنبلونكم بشىء من الخوف و الجوع و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرات و بشر الصابرين

ابو بصير گوید که امام صادق (علیه السلام) فرمود:

قبل از قیام قائم (علیه السلام) به ناچار سالی خواهد بود که در آن سال مردم گرسنه شوند و به واسطه کشته شدن و کاهش اموال و جان ها و محصول و میوه ها و ثمرات سخت به هراس و وحشت افتند زیرا که این امر در کتاب خدا بیان شده است و آنگاه امام صادق (علیه السلام) این آیه را خواند: **وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ**؛

### گرسنگی عام و گرسنگی خاص

در تفسیر عیاشی نقل می کند؛<sup>(۱)</sup>

۱۲۵ عن الثمالی قال سألت أبا جعفر (علیه السلام) عن قول الله «لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع» قال: ذلك جوع خاص و جوع عام، فأما بالشام فإنه عام و أما الخاص بالكوفه یخص و لا یعم، و لكنه یخص بالكوفه أعداء آل محمد علیه الصلاه و السلام فیهلكهم الله بالجوع، و أما الخوف فإنه عام بالشام و ذاك الخوف إذا قام القائم (علیه السلام) و أما الجوع فقبل قیام القائم (علیه السلام) و ذلك قوله «و لنبلونكم بشیء من الخوف و الجوع»

ص: ۱۱۰

ثمالی گوید از امام باقر (علیه السلام) سؤال کردم؛

منظور از آیه شریفه وَ لَنْبَلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ ... چیست؛

فرمود: مضمون این آیه گرسنگی خاص و عام است.

آن که در شام است عام است و خاص آن، گرسنگی است که خداوند در کوفه اختصاص به دشمنان خاندان پیغمبر و آل محمد (علیهم السلام) می دهد و به وسیله گرسنگی آنها را می کشد و اما خوف و ترس نیز عام آن، در شام است که مردم آن جادچار چنان ترس و گرسنگی می شوند که هنگام قیام قائم (علیه السلام) است ولی جوع و گرسنگی قبل از قیام قائم (علیه السلام) است و این مراد خدای متعال است که فرمود: لَنْبَلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ؛

### اختلاف احزاب، آیات سود خراسان و صدایی در شهر رمضان

باز نعمانی در کتاب غیبت نقل می کند؛<sup>(۱)</sup>

۸- أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد قال حدثنا محمد بن المفضل بن إبراهيم بن قيس قال حدثنا الحسن بن علي بن فضال قال حدثنا ثعلبه بن ميمون عن معمر بن يحيى عن داود الدجاجي عن أبي جعفر محمد بن علي (عليه السلام) قال: سئل أمير المؤمنين (عليه السلام) عن قوله تعالى - فاختلف الأحزاب من بينهم (۲) فقال انتظروا الفرج من ثلاث فقیل یا أمير المؤمنين و ما هن فقال اختلاف أهل

ص: ۱۱۱

۱- الغیبه (لنعمانی)؛ النص؛ ص ۲۵۱

۲- . مریم: ۳۷.

الشام بينهم و الرايات السود من خراسان و الفرعه في شهر رمضان فليل و ما الفرعه في شهر رمضان فقال أ و ما سمعتم قول الله عز و جل في القرآن إن نشأ نزل عليهم من السماء آيه فظلت أعناقهم لها خاضعين (١) هي آيه تخرج الفتاه من خدرها و توقظ النائم و تفرع اليقظان

در غيبت نعمانی از امام محمد باقر (علیه السلام) روایت می کند که فرمود: از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) از این آیه فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ (٢)؛ احزاب با هم اختلاف پیدا کردند، سؤال شد که فرمود:

با دیدن سه علامت منتظر آمدن مهدی (علیه السلام) باشید؛

راوی سوال کرد یا امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن ها کدام هستند؛ فرمود: اول اختلافی که در بین اهل شام پدید می آید، و ظهور پرچم های سیاه از خراسان و وحشت و صدایی مهیب در ماه رمضان؛ عرض شد که وحشت در ماه رمضان چیست؛ فرمود:

آیا این آیه شریفه را نشنیده ای که خداوند متعال در قرآن می فرماید: إِنَّ نَشَأَ نُزِّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ؛ وحشت صدائی است که از آسمان شنیده می شود، به طوری که دختران از پرده ها بیرون می روند و آنها که خواب هستند بیدار می شوند، و آنان که بیدارند هراسان می گردند؛

ص: ۱۱۲

---

۱- الشعراء: ۴.

۲- سوره مریم آیه ۳۷.

در غیبت نعمانی نقل می کند؛(۱)

۱۶- أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد قال حدثني علي بن الحسن عن علي بن مهزيار عن حماد بن عيسى عن الحسين بن المختار قال حدثني ابن أبي يعفور قال: قال لي أبو عبد الله (عليه السلام) أمسك بيدك هلاك الفلاني اسم رجل من بني العباس وخروج السفيناني وقتل النفس و جيش الخسف و الصوت قلت و ما الصوت أ هو المنادي فقال نعم و به يعرف صاحب هذا الأمر ثم قال الفرّج كله هلاك الفلاني من بني العباس

عبد الله بن ابي يعفور روایت نموده که امام صادق (علیه السلام) فرمود:

نابودی فلانی - که مردی از بنی عباس است - و خروج سفینانی و کشته شدن نفس زکیه و فرو رفتن لشکر در زمین و ندائی از آسمان را به عنوان علامت در دست خود نگه دار؛ عرض کردم: مراد از ندا چیست؛ آیا همان منادی - که در اخبار دیگر هم ذکر شده است - می باشد؛

فرمود: بلی؛ به همین ندای آسمانی صاحب الامر شناخته می شود، سپس فرمود: ظهور کامل، نابودی فلانی از بنی العباس است؛

این که فرج کل را بعد از هلاک عباسی شمرده است دال بر این است که فرج و گشایش نیز نسبی و مرحله به مرحله است و در هر واقعه ای و زمانی بخشی از آن

ص: ۱۱۳

اتفاق می افتد کما این که در برخی اخبار سقوط بنی امیه یا سقوط بنی عباس اول را تعبیر فرج نموده اند در حالی که فرج برای عده ای بوده و به از این نوع ظلم رهایی بوده ولی به ظلم و بلایی دیگر مبتلا شده اند لکن فرج و گشایش مرحله به مرحله حاصل می شود؛ و عباسیان به عنوان غاصبین خلاف یکی از عمده ترین دشمنان حضرت (علیه السلام) هستند که در برخی اخبار وارد شده است که با سفیانی هم می‌جنگند و از برخی اخبار مستفاد است که تجدید حکومت بنی عباس به وسیله فارس ها در آخر الزمان است؛

## مقصد دوم؛ سایر علامات وقت ظهور

### اشاره

شیخ مفید در کتاب ارشاد نقل می کند: (۱)

در [فصل فی ذکر علامات الإمام المهدی (علیه السلام)] و باب (باب ذکر علامات قیام القائم (علیه السلام) و مده ایام ظهوره و شرح سیرته و طریقه احکامه و طرف مما یظهر فی دولته و آیامه صلوات الله علیه) این علائم را نقل کرده است؛

قد جائت الأخبار بذكر علامات لزمان قیام القائم المهدی (علیه السلام) و حوادث تكون أمام قیامه و آیات و دلالات فمنها: اخباری که علامات زمان قیام و ظهور قائم (علیه السلام) است و حوادثی که قبل و قریب ظهور واقع می شود را بیان نموده است وارد شده است که از جمله این علامات این موارد است؛

ص: ۱۱۴

خروج السفیانی و قتل الحسنی و اختلاف بنی العباس فی الملک الدنیاوی و کسوف الشمس فی النصف من شهر رمضان و خسوف القمر فی آخره علی خلاف العادات

خروج سفیانی، کشته شدن سید حسنی، اختلاف بنی عباس بر سر ملک دنیوی، خورشید گرفتگی در نیمه ماه رمضان و ماه گرفتگی غیر متعارف در آخر ماه رمضان؛ در اخبار متعدد اختلاف بین رجال بنی العباس از علانم زوال حکومت آن ها و فرج شیعیان شمرده شده است؛

و خسف بالبيداء و خسف بالمغرب و خسف بالمشرق و ركود الشمس من عند الزوال إلى وسط أوقات العصر و طلوعها من المغرب و قتل نفس زكية بظهر الكوفة في سبعين من الصالحين

و فرو رفتن زمین در بیداء و یک فرورفتگی در زمین در مغرب و دیگری در مشرق پدید می آید؛ و خورشید از زوال ظهر تا عصر از حرکت می ایستد و توقف می کند؛ و خورشید از سمت مغرب طلوع می کند و نفس زکیه همراه با هفتاد مرد صالح در بیرون کوفه کشته می شوند؛

و ذبح رجل هاشمی بين الركن و المقام و هدم سور الكوفة و إقبال رايات سود من قبل خراسان و خروج اليماني و ظهور المغربي بمصر و تملكه للشامات و نزول الترك الجزيره و نزول الروم الرمله

و کشته شدن مردی هاشمی در بین رکن و مقام؛ و خراب شدن دیوارهای مسجد کوفه؛ و آمدن پرچم ها و رایات سود - سیاه - از خراسان؛ و خروج یمانی؛

و ظاهر شدن مغربی در مصر و تصرف کردن شامات؛ و فرود آمدن لشکر ترک در جزیره - موصل - و فرود آمدن رومیان در رمله - فلسطین -؛ و طلوع نجم بالمشرق یضی ء کما یضی ء القمر ثم ینعطف حتی یکاد یلتقی طرفاه و حمرة تظهر فی السماء و تنتشر فی آفاقها و نار تظهر بالمشرق طولا و تبقى فی الجو ثلاثة أيام أو سبعة أيام

و طلوع ستاره ای از شرق که همانند ماه می درخشد، سپس این ستاره گرفته شده و هلالی و کمانی می شود به طوری که دوسر آن نزدیک است به هم برسد؛

و سرخی در آسمان ظاهر می شود و در آفاق و کناره های آسمان پخش می گردد، و آتشی دنباله دار و ممتد در سمت مشرق نمایان می شود که سه روز یا هفت روز در آسمان می ماند؛

و طلوع نجم بالمشرق یضی ء کما یضی ء القمر ثم ینعطف حتی یکاد یلتقی طرفاه و حمرة تظهر فی السماء و تنتشر فی آفاقها و نار تظهر بالمشرق طولا و تبقى فی الجو ثلاثة أيام أو سبعة أيام

و طلوع ستاره ای از شرق که همانند ماه می درخشد، سپس این ستاره گرفته شده و هلالی و کمانی می شود به طوری که دو سر آن نزدیک است به هم برسد؛

و سرخی در آسمان ظاهر می شود و در آفاق و کناره های آسمان پخش می گردد، و آتشی ممتد در سمت مشرق نمایان می شود که سه روز یا هفت روز در آسمان می ماند؛ و خلع العرب أعتتها و تملکها البلاد و خروجها عن سلطان العجم و قتل أهل مصر أمیرهم و خراب الشام و اختلاف ثلاثه رایات فیه و دخول رایات قیس و العرب إلى مصر و رایات کننده إلى خراسان و ورود خیل من قبل المغرب حتی تربط بفناء الحیره

و عرب افسار گسیخته شده و از قید و بند آزاد می شود و شهرها و بلاد را تصرف نموده و از فرمان پادشاه عجم بیرون می آیند؛

اهل مصر حاکم خود را می کشد؛ و شام ویران می شود؛

صاحبان سه پرچم در شام به اختلاف می افتند؛ پرچم های قیس و عرب به مصر وارد می شوند، و رایات و پرچم قبیله کَنده - رجل کندی - به خراسان می رود، و لشکری از سمت غرب می آید و در ویرانه های حیره منزل می کند؛

\*\* خروج شصت نفر مدعی پیغمبری و دوازده نفر از نسل ابوطالب (علیه السلام) که دعوت به نفس دارند؛

و إقبال رایات سود من المشرق نحوها و بثق فی الفرات حتی یدخل الماء أزقه الکوفه و خروج ستین کذابا کلهم یدعی النبوه و خروج اثنی عشر من آل أبی طالب کلهم یدعی الإمامه لنفسه

ص: ۱۱۷



و رو آوردن پرچم های سیاه از مشرق به طرف حیره؛ و شکافی در نهر فرات پدید می آید تا این که آب آن کوچه های کوفه را فرا می گیرد؛ و خروج شصت نفر دروغ گو و کذاب که همه مدعی پیغمبری هستند؛ و قیام دوازده نفر از نسل ابو طالب (علیه السلام) که همه ادعای امامت و دعوت به نفس دارند؛

و إحراق رجل عظیم القدر من شیعه بنی العباس بین جلولاء و خانقین و عقد الجسر مما یلی الکرخ بمدینه السلام و ارتفاع ریح سوداء بها فی أول النهار و زلزله حتی ینخسف کثیر منها

و سوختن مردی عظیم المنزله از بنی عباس در بین جلولا و خانقین، و بسته شدن پلی در بغداد نزدیک محله کرخ؛

و بلند شدن باد سیاهی در اول روز در بغداد؛ و زلزله ای در بغداد که بسیاری از مردم را در زمین فرو می برد؛

و خوف یشمل أهل العراق و موت ذریع فیه و نقص من الأنفس و الأموال و الثمرات و جراد یظهر فی أوانه و فی غیر أوانه حتی یأتی علی الزرع و الغلات و قله ریح لما یزرعه الناس

و ترسی که اهل عراق را فرا می گیرد؛ و مرگ های ناگهانی و سریع که آن ها را در بر می گیرد، و نقصان و آفت در جان ها و اموال و محصولات آنها می افتد؛

و هجوم ملخ های به موقع - در فصل آن ها - و بی موقع می آید که غلات و زراعت آنها را می خورد و محصولات زراعت آن ها کاهش می یابد؛ و اختلاف صنغین من العجم و سفک دماء کثیره فیما بینهم و خروج العبید عن طاعه ساداتهم و قتلهم موالیهم

و اختلاف دو گروه از عجم ها - غیر عرب -، که خون بسیاری در میان آن ها ریخته می شود، و خروج بردگان از فرمانبرداری سروران خود؛ و کشتن اربابان و رؤسای خود؛

و مسخ لقوم من أهل البدع حتی یصیروا قرده و خنازیر و غلبه العبید علی بلاد السادات

و بعضی از بدعت گذاران در دین مسخ شده و به صورت میمون و خوک در می آیند و بردگان بر شهرهای بزرگان و اربابان خود غلبه می کنند؛

و نداء من السماء حتی یسمعه أهل الأرض کل أهل لغه بلغتهم و وجه و صدر یظهران من السماء للناس فی عین الشمس و أموات ینشرون من القبور حتی یرجعوا إلى الدنيا فیتعارفون فیها و یتزاورون

و ندائی از آسمان می آید به طوری که تمام ساکنان زمین هر کس به زبان و لغت خودش آن را می شنود - یا از آن آگاه می شود - و یک صورت و سینه ای برای مردم در خورشید ظاهر می شود؛

و بعض اموات از قبرها بیرون آمده و به دنیا بر می گردند و با مردم معاشرت کرده و به ملاقات یکدیگر می روند؛ ثم یختم ذلك بأربع و عشرين مطره تتصل فتحيا بها الأرض من بعد موتها و تعرف برکاتها و تزول بعد ذلك کل عاهه عن معتقدی الحق من شیعه المهدی (علیه السلام) فیعرفون عند ذلك ظهوره بمکه فیتوجهون نحوه لنصرته كما جاءت بذلك الأخبار

سپس این علائم با آمدن بیست و چهار باران خاتمه می یابد، که زمین های مرده را زنده و سرسبز می کند و برکات آن آشکار می شود، و تمام آفت ها از پیروان حق از شیعیان مهدی (علیه السلام) برطرف می شود؛

در آن هنگام متوجه می شوند که مهدی (علیه السلام) از مکه ظهور می کند، و برای یاری حضرت به سمت مکه می روند، آن گونه که در اخبار وارد شده است؛

نکات: اول: شصت نفر دروغگو که همه مدعی پیغمبری هستند، خواهند آمد و قیام دوازده نفر از نسل ابو طالب (علیه السلام) که همه ادعای امامت دارند؛ که این روایت امر ادعای امامت این مدعیان را باطل می داند.

دوم: صدائی از آسمان می آید به طوری که تمام ساکنان زمین هر کس به زبان خود آن را می شنود؛

شاید قبل از این که این امری به صورت ماوراء طبیعی و در نظام معجزه اتفاق افتد مقدمات و امارات مربوط به چنین اتفاقاتی به صورت طبیعی و لوازم آن در نظام

طبیعی صورت پذیرد مثل برخی از اتفاقاتی که امروزه در شام و عراق و دیگر مناطق اتفاق می افتد و شیوع و آگاهی آن به گونه ای است که در همه جای عالم و در بین نوع مردم فراگیر شده است یعنی قبل از وقوع معجزه و تصدیق نهایی و بینه الهی مقدمات و اطلاعاتی منتشر می شود که همگان از آن آگاه خواهند بود ولو از زبان های مختلف باشند که این امر شاید اشاره به این است که اقوام و ملل متفاوت نیز خبردار خواهند شد.

سوم: آفت به جان و مال و محصول آنها می افتند؛

و ملخ های به موقع و بی موقع می آید و غله و کشت و زرع آنها را می خورد و زراعت آنها تقلیل می یابد که امروزه ملموس تر شده است.

### آتشی در آسمان؛ ترس بر اهل عراق

باز شیخ مفید در ارشاد نقل می کند؛<sup>(۱)</sup>

الحسین بن یزید عن منذر الخوزی عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال سمعته يقول يزجر الناس قبل قيام القائم (عليه السلام) عن معاصيهم بنار تظهر في السماء و حمرة تجلج السماء و خسف ببغداد و خسف ببلد البصره و دماء تسفك بها و خراب دورها و فناء يقع في أهلها و شمول أهل العراق خوف لا يكون لهم معه قرار

ص: ۱۲۱

منذر حوزی روایت کرده که از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود:

قبل از قیام قائم (علیه السلام) مردم به وسیله آتشی که در آسمان برای آن ها آشکار می شود از گناهان و معاصی خود متنبه می شوند؛ و نیز سرخی که در آسمان ظاهر می شود، و خسف و فرو رفتن زمین در بغداد، و خسف و فرو رفتن زمین در بصره و نیز خون هائی که در بصره ریخته می شود؛ و خرابی خانه های بصره، و نابودی و هلاکی که دامن اهل بصره را فرا گیرد؛ و هراسی که اهل عراق را فرا می گیرد به گونه ای که با این ترس آرامش نخواهند داشت؛

### ندای آسمانی بر تمییز بین اهل حق و باطل

در تفسیر عیاشی نقل می کند؛ (۱)؛ ۱۵۷ عن عجلان أبي صالح قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول؛ لا تمضي الأيام و الليالي حتى ينادى مناد من السماء: يا أهل الحق اعتزلوا، يا أهل الباطل اعتزلوا، فيعزل هؤلاء من هؤلاء، من هؤلاء - قال: قلت: أصلحك الله - يخالط هؤلاء هؤلاء بعد ذلك النداء قال: كلا إنه يقول في الكتاب «ما كان الله ليذر المؤمنين على ما أنتم عليه - حتى يميز الخبيث من الطيب»

عجلان بن ابی صالح گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم می فرمود: روزها و شب ها به پایان نمی رسد تا اینکه صدائی از آسمان شنیده می شود که می گوید: ای اهل حق، ای اهل باطل؛

ص: ۱۲۲

از هم جدا شوید پس هر دو گروه از هم دیگر جدا می شوند؛ عرض کردم: بعد از این جدا شدن آیا باز هم اهل حق و باطل به هم مخلوط می شوند؛ فرمود: خیر؛ خداوند در قرآن می فرماید:

مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ (۱)

خداوند اهل ایمان را به این حال که شما هستید نمی گذارد تا این که بدان را از خوبان آن ها تمیز دهد؛

### مساجد آخر الزمان

امیرالمومنین (علیه السلام) در حکمت ۳۶۹ نهج البلاغه می فرماید؛ (۲)

و قال (عليه السلام) يأتي على الناس زمان لا يبقى فيهم من القرآن إلا رسمه و من الإسلام إلا اسمه و مساجدهم يومئذ عامره من البناء خراب من الهدى سكانها و عمارها شر أهل الأرض منهم تخرج الفتنه و إليهم تأوى الخطيئه يردون من شد عنها فيها و يسوقون من تأخر عنها إليها يقول الله سبحانه في حلفت لأبعثن على أولئك فتنه [أترك] تترك الحليم فيها حيران و قد فعل و نحن نستقبل الله عشره الغفله

زمانی بر مردم خواهد آمد که از قرآن جز رسم و خط آن و از اسلام جز اسم آن بای نمی ماند؛ مساجد آن ها به لحاظ بنا آباد است ولی به لحاظ هدایت و رشد خراب

ص: ۱۲۳

---

۱- سوره آل عمران آیه ۱۷۹.

۲- نهج البلاغه (للصبحي صالح)؛ ص ۵۴۰

است و ساکنین آن بدترین اهل زمین هستند؛ فتنه از آن ها آغاز می شود و به آن ها بر می گردد؛ هر کس از فتنه ها کناره گیرد فتنه را به او باز می گردانند و هر که از فتنه عقب بماند او را به سمت فتنه سوق می دهند و می رسانند؛ خداوند سبحان قسم خورده است که فتنه ای در بین آن ها بر می انگیزم که حلیم و اهل خرد در آن سرگردان شود و این کار را انجام داده است و از خداوند می خواهیم که از لغزش ها در فتنه ها درگذرد؛

و در سابق هم ذکر شد که امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که: پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: زمانی بر این امت خواهد آمد که از قرآن جز رسم و از اسلام جز اسم نماند، آن ها خود را مسلمان می نامند، در حالی که از هر کس به اسلام دورترند؛ مساجد آنها به صورت آباد ولی از لحاظ هدایت و تقوی خراب است؛

دانیان آنان بدترین دانیانی هستند که در زیر آسمان زندگی می کنند، فتنه و آشوب از آنها سر می زند و هم به سوی آنها باز می گردد.

نکات: اول: دانیان آنان بدترین دانیانی هستند که در زیر آسمان زندگی می کنند؛ زیرا وقتی دانیان در موقع ظهور بدعت یا به بدعت کمک کرده و یا ساکت باشند علی القاعده بدترین دانیان هستند چون هدف از علم و دانایی هدایت است - اگر ارشاد جاهل در موضوعات واجب است ناظر به غیر از زمان ظهور بدعت است ولی در زمان بدعت بروز علم واجب است و نمی توان گفت در احکام و عقائد لازم نیست.

به علاوه این که در قرآن کریم و نیز در نهج البلاغه در وصف زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است که به جاهلیت معروف شدند و توصیفات در نهج البلاغه آمده است که تصور آن برای عقلا مشکل است ولی همین قوم را ظرف چند سال بعد قرآن کریم به خاطر امر به معروف کردن و نهی از منکر نمودن بهترین امت می داند و این یکی از قدرت های اسلام است که به وسیله احکام و خطابات خود زمینه و ابزار ارتقاء جامعه و انسان را در اختیار حجت خود قرار می دهد تا چنین تحولات و دگرگونی هایی را در آن ایجاد نماید

یعنی حکم یا خطاب و امر و وجوب یا عمل فی الواقع سبب و اقتضاء است برای رشد جامعه و فرد و ابزارهایی چنین قدرتمند فقط در اختیار اسلام هست که می تواند با یک حکم و خطاب بدترین اقوام را به بهترین امت تبدیل نماید.

دیگر این که خطابات و احکام اجتماعی ابزاری است در دست حاکم اسلامی یعنی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و چهارده معصوم (علیهم السلام) برای مدیریت جامعه اسلامی و رشد آن از طرفی و از طرف دیگر همین احکام ابزاری است برای تقویت جایگاه نبوت و امامت زیرا که امر به خوبی ها و گرد هم آمده در حج و نماز و زکات و ... یعنی جمع شده بر محور پیامبر خدا و اهل بیت بزرگوارش و در واقع ما در حج و نماز از مقام نبوت و امامت تجلیل نموده و با شفاعت و تمسک ایشان به خداوند تقرب می جوئیم.



از طرفی شرط قبولی اعمال ولایت جانشینان رسول خدا یعنی امیرالمومنین و یازده فرزند بزرگوارش (علیهم السلام) است که بدون ولایت آن حضرت، عملی فائده ندارد و از این جهت نیز خداوند بر ولایت امیرالمومنین (علیه السلام) تکیه کرده و آن را تقویت نموده است

از دیگر جهت این که خود خداوند در قرآن فرموده شما برتر هستید؛ «انتم الاعلون»<sup>(۱)</sup>

و لازمه برتری جامعه و رشد آن اصلاح و رشد جامعه است و ما اگر به دنبال این برتری هستیم راه آن راه ولایت امیرالمومنین (علیه السلام) و در جایی دیگر فرموده «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا»<sup>(۲)</sup> یعنی به حسب اقتضا چنین جعلی صورت نگرفته است و جامعه مهدوی (علیه السلام) نیز حد نهایی و اعلای آن رشد اجتماعی و امنیت و سلامت اجتماعی برای برتری اسلام و اهل آن که از لوازم آن تمسک به احکام الهی است و از نتایج آن برتری اسلام و اهل آن است، می باشد؛

لذا بر همه ماست که برای زمینه سازی چنین حکومتی جهاد کنیم و برای یاری چنین مولای عظیم الشانی قدم برداریم و امر ایشان را به همه برسانیم و بحث تفصیلی در این مورد مجالی دیگر نیاز دارد؛

ص: ۱۲۶

---

۱- آل عمران- آیه ۱۴۹

۲- نساء - آیه ۱۴۱

نعمانی در غیبت نقل می کند؛(۱)

- ۱۲- و أخبرنا علی بن أحمد قال أخبرنا عبید الله بن موسی العلوی عن علی بن إسماعیل الأشعری عن حماد بن عیسی عن إبراهیم بن عمر الیمانی عن رجل عن أبي جعفر (علیه السلام) أنه قال:

لتمحصن یا شیعه آل محمد تمحیص الکحل فی العین و إن صاحب العین یدری متی یقع الکحل فی عینه و لا یعلم متی یخرج منها و كذلك یصبح الرجل علی شریعه من أمرنا و یمسی و قد خرج منها و یمسی علی شریعه من أمرنا و یصبح و قد خرج منها امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود:

ای گروه شیعیان آل محمد؛ همچون سرمه ای که در چشم می گذارند خالص می شوید؛ و کسی که سرمه به چشم می کشد می داند سرمه کی وارد چشم می شود ولی نمی داند چه زمانی از بین می رود؛ همین گونه شما نیز صبح در راه دین و امر ما هستید، ولی شب از دین بیرون رفته است؛ و نیز در وقت شب بر اعتقاد به امر ما و دین حق می باشد لکن صبح از دین خارج شده است؛

و باز نقل می کند که امام صادق (علیه السلام) فرمود؛۱۳- و أخبرنا علی بن أحمد قال أخبرنا عبید الله بن موسی عن رجل عن العباس بن عامر عن الربیع بن محمد المسلمی من بنی مسلیه عن مهزم بن أبی بردة الأسدی و غیره عن أبی عبد الله (علیه السلام) أنه قال:

ص: ۱۲۷

و الله لتكسرن تكسر الزجاج و إن الزجاج ليعاد فيعود كما كان و الله لتكسرن تكسر الفخار فإن الفخار ليتكسر فلا يعود كما كان و و الله لتغربلن و و الله لتمحصن حتى لا يبقى منكم إلا الأقل و صعر كفه (۱)

به خداوند قسم؛ همچون شکستن شیشه شکسته می شوید و شیشه را اگر بخواهند به حالت اول برگردانند بر می گردد؛ و به خدا قسم مثل شکستن سفال شکسته می شوید ولی سفال را اگر بخواهند نمی توانند به حال اول برگردانند؛ و به خدا قسم شما غربال می شوید و تمیز داده می شوید و آزمایش می شوید تا این که از بین شما جز اندکی باقی نماند و کف خود را نشان می دهد - کنایه از بی اعتنایی به رو گرداندن مردم و ابراز ناراحتی از عدم ثبات مردم بر دین حق و صراط مستقیم؛

### علائم دیگر؛ دابه الارض، عیسی (علیه السلام) و دجال و اختلاف شدید بین مردم؛

علامه مجلسی در بحار نقل می کند: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي قَوْلِهِ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً (۲) وَ سِيرِكٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آيَاتٍ مِنْهَا دَابَّةُ الْأَرْضِ وَ الدَّجَالُ وَ نُزُولُ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا امام محمد باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنَزِّلَ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ یعنی خداوند قادر است که عذابی از بالایتان، فرو فرستد، به ابی الجارود فرمود:

ص: ۱۲۸

---

۱- غیبت نعمانی - ص ۲۰۷

۲- الأنعام: ۳۷.

خداوند در آخر الزمان علاماتی را به تو نشان می دهد که از جمله آن ها دابه الارض یعنی جنبنده روی زمین و خروج دجال و نزول عیسی بن مریم و طلوع خورشید از مغرب است؛

این که در روایتی ابی الجارود باشد به صرف جاعل بودن و جرح وی روایت طرح نمی شود یا حتی برخی روایات ابوهریره و ابن ابی العوجاء و دیگران نیز این گونه نیست که به صرف برخوردن به این راوی در سند کل روایت کنار گذاشته شود بلکه این اخبار تواتر مضمومنی و معنوی و در برخی وارد تواتر اجمالی دارند که اگر تواتر اجمالی را بعض اعلام منکر شوند لکن تواتر مضمومنی وثوق آور است؛

## خسف و دجال

وَ عَنْهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ قَالَ هُوَ الدَّجَالُ وَالصَّيْحَةُ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ وَ هُوَ الْخَسْفُ أَوْ يَلْبِسُكُمْ شَيْعًا وَ هُوَ اخْتِلَافٌ فِي الدِّينِ وَ طَعْنٌ بَعْضِكُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ يُدِيقُ بَعْضُكُمْ بِأَسِّ بَعْضٍ وَ هُوَ أَنْ يَقْتُلَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَ كُلُّ هَذَا فِي أَهْلِ الْقِبْلَةِ. (۱) و باز ابو الجارود از امام باقر (عليه السلام) روایت کرده که در تفسیر این آیه قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ؛ ای پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بگو خداوند قادر است که عذابی از فوق شما بر شما نازل کند؛ فرمود: این عذاب دجال و ندای آسمانی است؛

ص: ۱۲۹

یا: أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ یا عذابی از زیر پای شما بفرستد؛ مراد خسف و فرو رفتن در بیابان است أَوْ يَلْبَسِيكُمْ شَيْعًا؛ یا شما را گروه های مختلف به هم بریزد؛ مراد اختلافاتی است که در امور دینی پیدا می شود و از یک دیگر بدگویی می نمایند و يُدِيقَ بَعْضَكُمْ بِأَسْ بَعْضٍ؛ سختی بعضی از شما را به بعضی دیگر می چشانند؛ مراد این است که بعضی از شما بعضی دیگر را به قتل رسانند و تمام این عذاب ها و بلیات در بین اهل قبله اتفاق می افتد؛

که جنگ های بین مسلمانان و اختلاف شدید بین مذاهب و حتی بین خود شیعیان مصداق این خبر هستند؛ آن گونه که حتی از اخبار فهم می شود به طور خاص لعن و ابراز تبری و تعرض به یکدیگر متأسفانه در خود شیعه هم اتفاق می افتد و این از اتفاقات ناگواری است که موجب تضعیف شیعه می شود؛

## مقصد چهارم؛ فضیلت انتظار فرج

### اشاره

فضیلت انتظار فرج و مدح شیعیان در زمان غیبت و آنچه که شایسته است در آن زمان انجام داده شود؛ در تفسیر عیاشی نقل می کند؛<sup>(۱)</sup>

۵۲- عن أحمد بن محمد عن أبي الحسن الرضا (عليه السلام): قال: سمعته يقول؛

ما أحسن الصبر و انتظار الفرّج، أ ما سمعت قول العبد الصالح «فانتظروا إني معكم من المنتظرين»

ص: ۱۳۰

---

۱- تفسیر العیاشی؛ ج ۲؛ ص ۲۰

احمد بن محمد گوید از امام رضا (علیه السلام) شنیدم که فرمود؛ چه نیکوست صبر و انتظار فرج؛ آیا کلام عبد صالح را نشنیدی که فرمود منتظر باشید من هم همراه شما از منتظران خواهم بود؛

### صبر و انتظار فرج

در الامامه و التبصره در بخشی از توفیق شریف امام عسکری (علیه السلام) به شیخ و معتمد خود شیخ صدوق نقل شده است؛  
[\(۱\)](#)

و عليك بالصبر و انتظار الفرج فإن النبي - صلى الله عليه و آله و سلم قال:

أفضل أعمال أمتي انتظار الفرج

و لا يزال شيعتنا في حزن حتى يظهر ولدي الذي بشر به النبي - صلى الله عليه و آله و سلم - أنه يملأ الأرض عدلاً و قسطاً، كما ملئت ظلماً و جوراً رسول خدا (صلى الله عليه و آله) فرمود افضل اعمال امت من انتظار فرج است و همواره شیعیان ما در حزن و اندوه خواهند بود تا این که فرزندم که رسول خدا (صلى الله عليه و آله) به آن بشارت داده است ظاهر شود؛ او دنیا را پر از عدل می کند آن گونه که از ظلم و جور پر شده بود؛

البته در برخی اخبار مراد از صبر به روزه و در برخی اخبار به حضرت فاطمه صدیقه علیها السلام تعبیر شده است؛

ص: ۱۳۱

و در کتاب فضائل ابن عقده نقل شده است؛(۱)

... قال: فأى الأعمال أحب إلى الله عز و جل؟ قال: انتظار الفرج

از امیرالمومنین (علیه السلام) سؤال شده است که محبوب ترین اعمال کدام است؛

فرمود؛ انتظار فرج؛

که نشان می دهد شیعه باید در زمان غیبت با انتظار و تعامل با شیعیان و شبکه های و کالت احتیاجات دینی و دنیوی اهل شیعه را فراهم نماید و با دوری از تهاجمات و خشونت ها و دشمن تراشی بلکه با برهان و قول سلیم بر تثبیت عقاید شیعه و برائت از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) از عقاید شیعه دفاع نماید؛

و باید کرامت و امنیت شیعیان را ملاحظه نمایند و از تحرکات نسنجیده که مورد مذمت و نهی ائمه معصوم (علیهم السلام) است، خودداری کنند؛

### **تقیه در برابر کفار و فسقه**

صبر بر انتظار فرج؛

این معنی از اخبار متعدد فهم می شود که شیعه در زمان غیبت از فسقه و کفار تقیه نماید و با تحریک آن ها جان خود و شیعیان را به خطر نیندازند مگر در مواردی که تقیه نمودن ثمری ندارد یا لعن ظالمین به اهل بیت (علیهم السلام) که جای اختفا ندارد و در

ص: ۱۳۲

---

۱- فضائل ... ؛ ؛ ص ۱۲۰

اخبار متواتر و در لسان اعظام علما وارد شده است یا در موارد بدعتی که سکوت تایید بدعت است ترخیص تقیه برداشته می شود؟

همان گونه اخبار بر تقیه تاکید فرمودند بر اظهار علم در موارد بدعت نیز تاکید فرمودند و جمع بین آن ها به این است که در موارد بدعت اظهار علم واجب است و اقلا در احکام، ارشاد جاهل لزوم دارد و در عقاید در موضوعات نیز بر لزوم خود باقی است؛ کما این که در تفسیر منسوب به امام عسکری (علیه السلام) وارد شده است؛<sup>(۱)</sup>

ما يعرفهم الله من صبر شيعتنا على التقية- و استعمالهم التورية لیسلموا بها- من كفره عباد الله و فسقتهم

که دال بر مطلوبیت تقیه و توره برای سالم ماندن شیعیان از کفار و فساق است؛

و باز در موضع دیگری نقل می کند؛<sup>(۲)</sup> و بالصبر على التقية من الفاسقين و الکافرين

و در محاسن نقل می کند؛<sup>(۳)</sup>

۳۰۸ عنه عن حماد بن عيسى عن عمر بن أذينة عن محمد بن مسلم و إسماعيل الجعفی و عده قالوا سمعنا أبا جعفر (عليه السلام) يقول

التقية في كل شيء و كل شيء اضطر إليه ابن آدم فقد أحله الله له

ص: ۱۳۳

---

۱- التفسیر ... ؛ ؛ ص ۱۸۹

۲- التفسیر ... ؛ ؛ ص ۱۹۰

۳- المحاسن ؛ ج ۱ ؛ ص ۲۵۹



تقیه در همه اشیاء جا دارد و هر جا انسان به اضطراب افتد بر او حلال می شود؛ و این اخبار مقیداتی دارد که ذکرش مجال می خواهد و در موضوعات هم مخصص دارد؛

و باز در محاسن برقی نقل شده است؛<sup>(۱)</sup>

۳۱۰ عنه عن أبيه و محمد بن عيسى اليقطيني عن صفوان بن يحيى عن شعيب الحداد عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر (عليه السلام) قال:

إنما جعلت التقية ليحقن بها الدماء فإذا بلغ الدم فلا تقية

تقیه برای حفظ جان است و اگر خون ریخته می شود جایی برای تقیه وجود ندارد؛

باز در محاسن نقل می کند؛<sup>(۲)</sup> ۳۱۱ عنه عن علي بن فضال عن ابن بكير عن محمد بن مسلم عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: كلما تقارب هذا الأمر كان أشد للتقية

هر آن چه زمان این امر نزدیک تر می شود تقیه شدیدتر خواهد بود؛

زیرا ظلم ظالمین بیشتر و قساوت قلوب مضاعف خواهد شد و لذا شیعیان باید خود و دیگران را حفظ نمایند و آنان را به مخاطره نیندازند؛

چون طبق اخبار تا زمان قیام قائم (علیه السلام) دولت حبتی و سلطه غاصبان و مخالفان حقوق اهل بیت (علیهم السلام) ادامه خواهد داشت؛

ص: ۱۳۴

۱- همان

۲- همان

## مقصد پنجم؛ ضرورت علم و تفقه در دین

در شهاب الاخبار از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده است؛ [\(۱\)](#)

إِنَّ الْفِتْنَةَ تَجِيءُ فِتْنَسَ الْعِبَادِ نَسْفًا يَنْجُو الْعَالَمُ مِنْهَا بِعِلْمِهِ.

آخر الزمان که بیاید همه بندگان را خرد و مرد - ریزه ریزه - کند و بر باد بر دهد الا آن باشد که آنکه عاقل باشد از آن فتنه رستگاری یابد به علم خود.

و چنان چه در مواظ حضرت عیسی (علیه السلام) آمده است و در الوافی نقل شده است؛ [\(۲\)](#)

... بحق أقول لكم: إن الزرع لا يصلح إلا بالماء والتراب، كذلك الإيمان لا يصلح إلا بالعلم والعمل؛

به حقیقت به شما می گویم؛ همان طور که زراعت جز با آب و خاک رشد نمی کند همین طور ایمان جز با علم و عمل رشد و اصلاح نمی یابد؛

و لذا در کافی شریف نقل شده است؛ [\(۳\)](#)

۱۲- أبو عبد الله الأشعري عن بعض أصحابنا رفعه عن هشام بن الحكم قال قال لي أبو الحسن موسى بن جعفر (عليه السلام)؛ يا هشام إن الله تبارك و تعالی بشر أهل العقل و

ص: ۱۳۵

---

۱- شرح فارسی شهاب الأخبار...؛ متن؛ ص ۳۶۴

۲- الوافی؛ ج ۲۶؛ ص ۲۹۹

۳- الکافی (ط - الإسلامیه)؛ ج ۱؛ ص ۱۳

الفهم في كتابه فقال فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون أحسنه أولئك الذين هداهم الله و أولئك هم أولوا الألباب (١)

امام کاظم (علیه السلام) به هشام فرمود؛

یا هشام؛ خداوند تبارک و تعالی اهل عقل و فهم را در کتاب خود بشارت داده است که فرمود؛ پس بشارت ده به بندگانی که کلام را می شنوند و لکن از بهترین آن تبعیت می کنند؛ آن ها کسانی هستند که خداوند آن ها را هدایت نموده است و آن ها اولوالالباب هستند؛

و در ادامه این روایت طولانی فرموده است؛ یا هشام نصب الحق لطاعه الله و لا نجاه إلا بالطاعه و الطاعه بالعلم و العلم بالتعلم و التعلم بالعقل يعتقد و لا علم إلا من عالم ربانی و معرفه العلم بالعقل یا هشام قليل العمل من العالم مقبول مضاعف و كثير العمل من أهل الهوى و الجهل مردود

ای هشام؛ خداوند متعال حق را برای طاعت خود نصب نمود و نجات جز با طاعت خداوند صورت نمی گیرد و راه و نحوه طاعت جز با علم شناخته نمی شود و علم جز با تعلم حاصل نمی شود و تعلم جز با تعقل تثبیت نمی شود و علمی نیست جز نزد عالم ربانی و معرفت علم با عقل است؛ ای هشام؛ عمل اندک از عالم قبول شده و ثوابش مضاعف است و عمل بسیار از نادان و اهل هوی رد می شود؛ زیرا که نادان و

ص: ۱۳۶

جاهل وظیفه خود را نمی شناسد و چه بسار در مسیری مقاومت و جهاد می کند که نه تنها مطلوبیتی ندارد بلکه مورد نهی معصومین (علیهم السلام) است و با این عمل چگونه بتواند مقرب باشد فلذا ابتدا باید از کلمات نورانی اهل بیت (علیهم السلام) وظیفه خود را تحصیل و به طور خاص عقیده صالح تشیع را بشناسد و با عمل صالح بر طبق این معارف و عقاید رضایت مولای خود را تحصیل نماید؛

طبق این کلام نورانی انسان باید ابتدا وظیفه خود را در زمان غیبت با علم و از طریق اخبار اهل بیت (علیهم السلام) بداند و بعد از آن در راه آن تلاش نماید تا عملش مقبول باشد و ثواب آن مضاعف؛ و در زمان غیبت به مقتضای اخبار وظیفه شیعیان صبر و انتظار و تقیه و تعلیم و تعلم و مساوات با برادران شیعه خود و دوری از قیل و قال و عدم ورود به حکومت ها و تشکل و دسته ها است که این جماعت نه چیزیدارند و نه به چیزی می رسند؛ بلکه باید در سایه عالمان ربانی و فقهای دین معارف دین خود را بیاموزند و برای کسب حلال خود بکوشند و از منازعات پرهیزند و به عمل و عقیده صالح در انتظار مولای خود باشند که طبق روایات هم صبر سبب گشایش است و هم در صورتی که با حالت انتظار از دنیا برود مثل کسی است که در خیمه خود حضرت بوده است؛ لذا در فقه منسوب به امام رضا (علیه السلام) وارد شده که امام رضا (علیه السلام) فرمودند؛<sup>(۱)</sup>

ص: ۱۳۷

و أروى عن العالم (عليه السلام)؛ العامل على غير بصيره كالسائر على غير الطريق لا يزيد سرعة السير إلا بعدا عن الطريق

کسی که بدون آگاهی عملی انجام دهد مثل کسی است که در بیراهه در حال سیر و حرکت است و هر چه سریع تر می رود تنها از مقصد اصلی دورتر می شود؛ لذا اگر انسان وظیفه خود در شرایط حساس و اضطرار و دشوار و فتنه انگیز غیبت امام (علیه السلام) نداند بسیار دشوار است که به سلامت به مقصد برسد؛ انجام واجب و ترک حرام و شناخت وظیفه و عقیده صالح بر اساس معارف و مبانی تشیع به اندازه ای مهم است که در اخبار متعدد برای انجام عملی یا ترک آن تعبیر به این شده که به اندازه دنیا و هر چه در آن است ارزش دارد؛ فلذا انسان در این دوران علاوه بر دعا برای تعجیل فرج در عمل نیز این معنی را تایید نماید و گرنه دعای زبانی و عمل خلافاخبار یا غیر موافق احتیاط چگونه می تواند مقرب باشد؛ پس در این زمان با صبر سازنده و تعلیم علوم و معارف اهل بیت (علیهم السلام) که در هر شرایطی لازم است و عمل صالح به انتظار امر فرج باشد و اگر بخواهد در این زمینه عملی انجام دهد تا انتظار سازنده صدق نماید بر اساس کلامی باشد که ائمه (علیهم السلام) فرمودند و در محدوده ای باشد که شرع تعیین نموده است و اگر غیر از این باشد این اعمال نیز خود نمی تواند مقرب باشد؛ زیرا خداوند با معصیت عبادت نمی شود؛

ص: ۱۳۸

مسلك سوم: علائم قريب ظهور، فضيلت صبر، وظائف شيعيان

اشاره

ص: ۱۳۹



## مسلك سوم؛ آن چه مربوط به دوران قریب ظهور است؛ فضل انتظار و وظیفه شیعیان

### مقصد اول؛ ذکر بعض آیات و اخبار؛ تاکید بر صبر و انتظار؛

#### اشاره

در غیبت نعمانی نقل شده است که: (۱)

قال علی بن الحسین (علیه السلام) لوددت انی ترکت فکلمت الناس ثلاثا ثم قضی الله فی ما احب ولکن عزمه من الله ان نصبر ثم تلا هذه الآیه - و لتعلمن نباه بعد حين (۲) ثم تلا أيضا قوله تعالی - و لتسمعن من الذین اوتوا الكتاب من قبلکم و من الذین اشرکوا اذی کثیرا و ان تصبروا و تتقوا فان ذلک من عزم الامور (۳)

امام سجاد (علیه السلام) فرمود: دوست داشتم که در کلام آزاد بودم و برای مردم سه امر را بیان می کردم و سپس خدا در باره من آن چه می خواست می کرد لکن عهدی با خدا بسته ایم که صبر کنیم؛

سپس این آیه را تلاوت فرمود: و لتعلمن نبا بعد حين؛

پس از گذشت زمانی خیرش را خواهید دانست؛ و سپس این آیه را نیز تلاوت نمود: و لتسمعن من الذین اوتوا الكتاب من قبلکم و من الذین اشرکوا اذی کثیرا و ان تصبروا و تتقوا فان ذلک من عزم الامور و حتما از آنان که پیش از شما کتاب

ص: ۱۴۱

---

۱- غیبت نعمانی - ص ۱۹۸

۲- سوره ص: آیه ۸۸

۳- سوره آل عمران: آیه ۱۸۶



آسمانی بر آنان نازل شد و از آنان که شرک ورزیدند آزار و طعنه فراوان خواهید شنید و اگر صبر کنید و پرهیزگار باشید سبب نیرو و قوت اراده در کارها است؛

### مربطه با امام منتظر (علیه السلام)

در غیبت نعمانی نقل شده است که: (۱)

أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ - اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا فَقَالَ اصْبِرُوا عَلَى أَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَصَابِرُوا عِدْوَكُمْ وَرَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنتَظِرَ.

امام باقر (علیه السلام) در معنای آیه شریفه اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا فرمود: صبر کنید بر ادای واجبات و فرائض و مقابل دشمنان پایداری کنید و مراقب و مرتبط با امامتان که به انتظارش هستید باشید؛

### یاری ملائکه و شتاب نکردن در خروج

باز در غیبت نعمانی نقل شده است که: (۲)؛

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ (۳) قَالَ هُوَ أَمْرُنَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ لَا تَسْتَعْجِلَ بِهِ حَتَّى يُؤَيِّدَهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادِ الْمَلَائِكَةِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالرُّعْبِ وَخُرُوجِهِ (عليه السلام) كَخُرُوجِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى - كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ (۴).

ص: ۱۴۲

۱- غیبت نعمانی - ص ۲۷

۲- غیبت نعمانی - ص ۱۹۸

۳- سوره النحل: آیه ۱.

۴- الأنفال: ۵.

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه اَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ فرمود:

امر خدا همان امر ما است که خداوند متعال امر فرموده است که درباره آن شتاب نکنید؛ تا آن که خداوند او را به سه لشکر یاری فرماید: فرشتگان و مؤمنین و رعب؛ و خروج آن حضرت (علیه السلام) مانند خروج رسول الله (صلی الله علیه و آله) است آن جا که خداوند می فرماید: همچنان که پروردگارت تو را از خانه ات به حق و راستی بیرون آورد؛

این معنی متواتر است که در امر حکومت و دولت اهل بیت علیهم السلام نباید شتاب کرد تا این که علائم ذکر شده محقق شود و این خبر نیز مفید همین معنی است که سه کمک کار از ملائکه و مومنین و نیز رعب و ترس و وحشت در دل دشمنان به یاری لشکر اسلام خواهد آمد و تا احراز این شرایط شتاب نشاید که اگر ما شتاب کنیم خداوند با شتاب ما شتاب نمی کند؛

### اخبار و روایات دال بر لزوم ارض و عدم قیام و خروج

در غیبت نعمانی نقل شده است که: (۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّهُ قَالَ لِي أَبِي (علیه السلام) لَا بُدَّ لِنَارٍ مِنْ آذْرِيحَانٍ لَمَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ وَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَكُونُوا أَحْلَاسَ بِيُوتِكُمْ وَ أَلْبِدُوا مَا أَلْيَدُنَا فَإِذَا تَحَرَّكَ مُتَحَرِّكُنَا فَاسْتَعْوُوا إِلَيْهِ وَ لَوْ حَبُوءًا وَ اللَّهُ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ عَلَى كِتَابٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ وَ قَالَ وَيْلٌ لِبَطْنِ الْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدِ اقْتَرَبَ؛

ص: ۱۴۳

امام صادق (علیه السلام) فرمود: پدرم (علیه السلام) به من فرمود؛

به ناچار در آذربایجان آتشی روشن شود که هیچ امری یارای مقابله با آن را ندارد؛ و زمانی که این اتفاق افتاد خانه نشین باشید و تا ما در خانه نشسته ایم شما نیز بنشینید و چون متحرک ما حرکت کرد به سوی او بشتابید و به سرعت او را اجابت نمائید؛ - (هر گاه کسی از ما به پا خواست به سوی او بشتابید مقصود مهدی (علیه السلام) می باشد) - هر چند با دست و روی زانو باشد؛

به خدا قسم گوئی او را می بینم که در میان رکن و مقام از مردم به کتاب جدیدی بیعت می گیرد که این امر بر عرب سنگین خواهد بود؛ سپس فرمود وای بر حال ستمگران عرب از شری که نزدیک شده است؛

### ساکت ماندن و عدم شرکت در مجالس خروج کنندگان

در غیبت نعمانی نقل شده است: (۱)

عن ابی الجارود عن ابی جعفر (علیه السلام) قال: قُلْتُ لَهُ (علیه السلام) أَوْصِنِي فَقَالَ أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أَنْ تَلْزَمَ بَيْتَكَ وَ تَقْعُدَ فِي دَهْمَاءِ هَؤُلَاءِ النَّاسِ؛

ابی الجارود گوید به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم؛ مرا وصیتی بفرمائید؛ فرمود؛ وصیت می کنم که تقوی داشته باشی و ملازم خانه خود باشی و در اجتماع این مردم شرکت نکنی

ص: ۱۴۴

وَإِيَّاكَ وَالْخَوَارِجَ مِمَّا فَايَنَّهُمْ لَيْسُوا عَلَى شَيْءٍ وَلَا إِلَى شَيْءٍ؛ و مبادا با افرادی که از خاندان ما خروج می کنند همگام باشی که آنان نه خود چیزی دارند و نه به هدف خود می رسند

وَاعْلَمَ أَنَّ لِبَنِي أُمِّيَّةٍ مُلْكًا لَمَا يَشَاءُ النَّاسُ أَنْ تَزِدَّعَهُ وَ أَنَّ لِأَهْلِ الْحَقِّ دَوْلَةً إِذَا حِيَاءَتْ وَلَاهِيَا اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ فَمَنْ أَدْرَكَهَا مِنْكُمْ كَانَ عِنْدَنَا فِي السَّنَامِ الْأَعْلَى وَإِنْ قَبَضَهُ اللَّهُ قَبْلَ ذَلِكَ خَارَ لَهُ

و بدان که بنی امیه را حکومتی است که مردم نمی توانند آن حکومت را از دست آنان بگیرند و اهل حق نیز دولتی دارند که وقتی فرا رسید خداوند زمامش را به دست هر کس از ما اهل بیت (علیهم السلام) که بخواهد می سپارد؛

پس هر کس از شماها که زمان آن دولت را درک کند با ما در مقام اعلی بهشتی خواهد بود و اگر پیش از رسیدن به آن دولت از دنیا برود خداوند از برایش خیر مقدر می کند؛ و اعلم أنه لا تقوم عصابة تدفع ضيماً أو تعز ديناً إلا صيرعتهم المنيه و البليه حتى تقوم عصابة شهدوا يندراً مع رسول الله (صلى الله عليه و آله) لا يوارى قتيلهم و يرفع صيرعهم و لا يدأوى جريحهم قلت من هم قال الملائكه

و بدان که هیچ جمعیت و گروهی برای بر طرف کردن ستم و یا عزیز نمودن دین قیام نمی کند مگر آنکه مرگ و بلیه و گرفتاری دامن گیرشان شود تا زمانی که جمعیتی قیام

کنند که در بدر با رسول خدا بودند که کشته شدگان آن ها به خاک سپرده نشود و به زمین افتادگان شان برداشته نشوند و مجروحین آن ها مداوا نشوند؛ عرض کردم آن ها چه کسانی هستند؛ فرمود: فرشتگان؛

اخبار دال بر نصرت ملائکه متعدد ذکر شده است و این که طایفه ای خروج می کنند که شکست نمی خورند نیز در اخبار وارد شده است؛ و این که فرموده است کلانزم خانه خودتان باشید یا خانه نشین باشید یا فرمودند حصیر و فرش خانه خود باشید مراد این است که سردسته گروه ها و عامل جمعیت ها و طوایف برای خروج و قیام نشوید بلکه آن طور که فرمودند بعد از علائمی که در اخبار وارد شده است مثل علامات حتمی ظهور و خسف بیداء و ندای آسمانی و علامت واضح سفیانی ساکت باشید؛

### روگردانی امام (علیه السلام) از مردم

در غیبت نعمانی نقل شده است که: (۱)

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلِيهِ السَّلَام) عَلَى الْمَنْبَرِ إِذَا هَلَكَ الْخَاطِبُ وَ زَاغَ صَاحِبُ الْعَصْرِ وَ بَقِيَتْ قُلُوبٌ تَتَقَلَّبُ فَمِنْ مُخْصِبٍ وَ مُجْدِبٍ هَلَكَ الْمُتَمَنُّونَ وَ اَضْمَحَلَّ الْمُضْمَحِلُّونَ وَ بَقِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ قَلِيلٌ مَا يَكُونُونَ ثَلَاثِمِائَةٍ أَوْ يَزِيدُونَ تُجَاهِدُ مَعَهُمْ عِصَابَةٌ جَاهَدَتْ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) يَوْمَ بَدْرٍ لَمْ تُقْتَلْ وَ لَمْ تَمُتْ.

ص: ۱۴۶

امیر المؤمنین (علیه السلام) بر فراز منبر فرمود: وقتی که خاطب هلاک شود؛ و صاحب زمان و عصر رو برگرداند؛ و قلبی باقی بماند که زیر و رو شوند؛ بعضی از آن ها قلبی هستند بر خیر و برکت و بعض دیگر بی خیر و برکت؛ آرزومندان و تمنا کنندگان هلاک شوند و از هم پاشیدگان و پراکنده شونده ها از هم پاشیده شده و پراکنده شوند و اهل ایمان باقی بمانند و تعداد کمی سیصد نفر یا کمی بیشتر و خواهند بود؛ همراه آن ها گروهی خواهند جنگید که به همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به روز بدر جنگیدند که نه کشته می شوند و نه می میرند؛ عجیب است که امام (علیه السلام) که مظهر رفت و رحمت خداوند است از جامعه ای روگردان شده و غایب شود و این به خاطر کثرت معاصی و عدم مراعات حق امام (علیه السلام) است؛

\*\* هلاکت شدن محاضیر و عجله کنندگان؛ ( کشته شدن آن ها یا هلاکت دین و آخرت) - صبر کردن سبب نجات و گشایش؛ شیخ کلینی در کافی شریف نقل می کند: (۱)

۴۱۱- عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن محمد بن خالد عن محمد بن علی عن حفص بن عاصم عن سيف التمار عن أبي المرفف عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: الغبره علی من أثارها هلك المحاضیر قلت جعلت فداك و ما المحاضیر قال المستعجلون أما إنهم لن يریدوا إلا من یعرض لهم ثم قال یا أبا المرفف أما إنهم لم یریدوا کم بمجحفه إلا

ص: ۱۴۷

عرض الله عز و جل لهم بشاغل ثم نكت أبو جعفر (عليه السلام) في الأرض ثم قال يا أبا المرفه قلت لبيك قال أ تری قوما حبسوا أنفسهم على الله عز ذكره لا يجعل الله لهم فرجا بلی و الله لیجعلن الله لهم فرجا

امام باقر (عليه السلام) فرمود: غبار فتنه بر ضرر کسی است که آن را برانگیزد - و آن که از او تبعیت کند - محاضیر: (اسب های تندرو) هلاک شدند، عرض کردم: محاضیر چیست؛ فرمود کسانی که شتابزدگی می کنند و آن ها اراده کسی را نمی کنند مگر این که خود متعرضشان شود؛ سپس فرمود ای ابامرفه؛ آن ها اراده هیچ بلیه و گرفتاری بر علیه شما نمی کنند مگر این که خداوند گرفتاری برای آن ها ایجاد می کند - تا از شما منصرف شوند - سپس با دست مبارک بر زمین کشیدند و فرمود ای ابومرفه؛ عرض کردم لبيك يا مولای من؛ آیا گمان می کنی قومی که برای خداوند عزوجل صبر نمایند خداوند برای آن ها فرج و گشایش قرار نمی دهد بلی به خدا قسم خداوند برای آن ها راه فرج و گشایش قرار می دهد؛

یعنی خروج و قیام سبب حل مشکلات نیست و عجله و شتابزدگی راه چاره نیست بلکه با صبر و عمل به دستورات معصومین (علیهم السلام) خداوند برای شیعیان راه فرج و گشایش نسبی و کامل را بتدریج قرار می دهد؛

**تاکید بر صبر و عدم فتنه انگیزی**

ص: ۱۴۸

نعمانی در غیبت نقل می کند؛(۱)-

۵- أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد قال حدثنا حميد بن زياد الكوفي قال حدثنا علي بن الصباح بن الضحاك عن جعفر بن محمد بن سماعه عن سيف التمار عن أبي المرهف قال:

قال أبو عبد الله (عليه السلام) هلكت المحاضير قال قلت و ما المحاضير- قال المستعجلون و نجا المقربون و ثبت الحصن على أوتادها كونوا أحلاس بيوتكم فإن الغيرة على من أثارها و إنهم لا يريدونكم بجائحه إلا أتاهم الله بشاغل إلا من تعرض لهم

ابو مرهف گوید امام صادق (علیه السلام) فرمود: محاضیر - اسب های سریع و تندرو- هلاک شدند؛ عرض کردم: محاضیر چیست؛ فرمود کسانی که شتابزدگی می کنند و مقربین - که صبر می کنند و فرج را قریب می شمارند - نجات یافتند و قلعه و کوه بر فراز پایه های همچون میخ خود ثابت و پا بر جا است - تا این که موعدهش فرا برسد - پس کنج خانه های خود را از دست مدهید که غبار فتنه بر زیان کسی است که فتنه را برانگیزاند - و نیز کسانی که از فتنه تبعیت کنند - و آنان در باره شما بلیه و توطئه ای را اراده نمی کنند مگر آن که خداوند مشغولیت و گرفتاری برایشان پیش می آورد مگر کسی که خود متعرض آنان شود؛ که تعرض به و تهاجم و دشمن تراشی را نفی می کند و صبر و عدم شتابزدگی را سبب نجات می داند ولی واضح است وقتی

ص: ۱۴۹

---

۱- الغیبه (لنعمانی)؛ النص؛ ص ۱۹۶



فقطه ای بر انگيخته می شود دود فتنه هم به چشم آغاز کننده آن و هم کسانی که از او تبعیت نمایند خواهد رفت؛

و باز نقل می کند که امام باقر (علیه السلام) فرمود؛ (۱) ۱۰-

أخبرنا محمد بن همام و محمد بن الحسن بن محمد بن جمهور جميعا عن الحسن بن محمد بن جمهور عن أبيه عن سماعه بن مهران عن صالح بن ميثم و يحيى بن سابق جميعا عن أبي جعفر الباقر (عليه السلام) أنه قال: هلك أصحاب المحاضير و نجا المقربون و ثبت الحصن على أوتادها إن بعد الغم فتحا عجيبا

اصحاب محاضير و شتاب کنندگان هلاک شدند، و مقربین نجات یافتند و قلعه بر پایه خود استوار است و بعد از غم فتح و گشایش عجیبی خواهد بود؛\*\* یاری با سلاح بعد از اجتماع اهل بیت (علیهم السلام) - رد برخی رایات سود خراسان؛

در غیبت نعمانی نقل شده است که: (۲)

عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبَانُ عَلِيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَ ذَلِكَ حِينَ ظَهَرَتِ الرَّايَاتُ السُّودُ بِخُرَاسَانَ فَقُلْنَا مَا تَرَى فَقَالَ اجْلِسُوا فِي بُيُوتِكُمْ فَإِذَا رَأَيْتُمُونَا قَدْ اجْتَمَعْنَا عَلَيَّ رَجُلٍ فَأَنْهَدُوا إِلَيْنَا بِالسَّلَاحِ

ص: ۱۵۰

---

۱- غیبت نعمانی ؛ ص ۱۹۸

۲- غیبت نعمانی - ص ۱۹۷

ابی بکر حضرمی گوید: من و ابان به خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدیم و این به هنگامی بود که پرچم های سیاه در خراسان ظاهر شده بود عرض کردیم شما در این باره چه می فرمائید؟

فرمود: در خانه خودتان بنشینید و هر وقت دیدید که ما اهل بیت علیهم السلام بر مردی اجتماع کردیم آن وقت با سلاح به یاری ما برخیزید؛

### زیدیه - خروج کنندگان - سپر بلای شیعیان

و باز در غیبت نعمانی نقل شده است که: (۱)

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: كُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ الزُّمُّوا بُيُوتَكُمْ فَإِنَّهُ لَا يُصَيَّبُكُمْ أَمْرٌ تُخْضُونَ بِهِ أَبَدًا وَ يُصَيَّبُ الْعَامَّةَ وَ لَا تَرَالُ الزَّيْدِيَّةَ وَ قَاءَ لَكُمْ أَبَدًا. امام صادق (عليه السلام) فرمود:

زبان های خود را نگهدارید و در خانه های خود ساکت بنشینید؛ پس هرگز بلیه و گرفتاری خصوص شما را نخواهد گرفت بلکه اگر بلیه و گرفتاری واقع شود همگانی خواهد بود و همواره زیدیه سپر بلای شما خواهند بود؛

ممکن است مراد از زیدیه کسانی باشند که قائل به قیام با سلاح و خروج بوده باشد به این قرینه که دعوت به سکوت می نمایند و خانه نشینی را توصیه می نماید ولی طوائفی که این عمل را انجام دهند خود در معرض هلاک واقع می شوند؛

ص: ۱۵۱

در غیبت نعمانی نقل شده است که: (۱)

عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَوْمًا وَعِنْدَهُ مِهْرَمُ الْأَسَدِيِّ فَقَالَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ مَتَى هَذَا الْأَمْرُ الَّذِي تَنْتَظِرُونَهُ فَقَدْ طَالَ عَلَيْنَا فَقَالَ يَا مِهْرَمُ كَذَبَ الْمُتَمَتُّونَ وَهَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَنَجَا الْمُسْلِمُونَ وَإِنَّا يَصِيرُونَ؛

عبدالرحمن بن كثير گوید روزی در محضر امام صادق (عليه السلام) بودم و مهزم اسدی نیز خدمت امام (عليه السلام) حضور داشت؛ عرض کرد خدا مرا فدای شما گرداند؛ این امر که انتظار آن را می کشید چه زمانی خواهد بود؛ که زمان آن طولانی شد؛ فرمود:

ای مهزم؛ آرزومندان و تمناکنندگان دروغ گفتند و شتاب کنندگان هلاک شدند و تسلیم شدگان امر ما نجات یافتند و بازگشت امر آن ها به سوی ما خواهد بود؛

در روایت دیگر هم وارد شده است که آرزومندان هلاک شدند و این که در این خبر فرموده کاذب هستند چون با تمنی و آرزو در وقوع امر اهل بیت (علیهم السلام) گرچه مطلوب و سازنده است لکن باید در محدوده شرعی که از اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده تکلیف خود را انجام دهند و هر اقدامی را انجام ندهند تا سبب هلاک آن ها بشود؛

\*\* خروج کننده؛ قبل از قائم (عليه السلام) مثل جوجه ای است که بازیچه شود؛

در غیبت نعمانی نقل شده است که: (۲)

ص: ۱۵۲

۱- غیبت نعمانی - ص ۱۹۸

۲- غیبت نعمانی - ص ۱۹۹

أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ (عليه السلام) قَالَ: مَثَلُ خُرُوجِ الْقَائِمِ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ كَخُرُوجِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَمَثَلُ مَنْ خَرَجَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ مَثَلُ فُرُخٍ طَارَ فَوْقَ مَنْ وَكَّرَهُ فَتَلَاعَبَتْ بِهِ الصَّبِيَّانُ.

امام باقر (عليه السلام) فرمود: مثل خروج قائم ما اهل بیت (علیهم السلام) مانند خروج رسول الله (صلى الله عليه وآله) است و کسی که از ما اهل بیت (علیهم السلام) پیش از قیام قائم (عليه السلام) خروج کند، مانند جوجه ای است که پرواز کند و از آشیانه خود بیرون افتد ولی دستمایه و ملعبه و بازیچه کودکان شود؛

### فضیلت انتظار امر اهل بیت (علیهم السلام)

در غیبت نعمانی نقل شده است که: (۱)

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليهما السلام) أَنَّهُ قَالَ: مَنْ مَيَاتَ مِنْكُمْ عَلَيَّ هَذَا الْأَمْرِ مُنْتَظِرًا كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي الْفُسَيْطِ الَّذِي لِلْقَائِمِ (عليه السلام)

امام صادق (عليه السلام) فرمود: هر کس از شما که به انتظار این امر بمیرد مثل کسی است که در خیمه ویژه امام قائم (عليه السلام) باشد؛

که این امر دال بر فضل اخروی است و لذا با توجه به اخبار سابق که به ابی مرهف خطاب شد صبر برای خدا موجب گشایش است؛

ص: ۱۵۳

پس لزومی بر تحرکات نسنجیده وجود ندارد زیرا صبر هم موجب گشایش در دنیا و آخرت و نیز دارای فضلی این چنین است که اگر با انتظار در بستر خود بمیرد مثل کسی است که در خیمه امام مهدی (علیه السلام) باشد پس چه لزومی دارد شتابزدگی کند و از دستور معصوم (علیه السلام) تخلف نماید و خروج کند و با این تفصیل در فرض صبر و تقیه و انتظار چه مصلحتی از او فوت می شود تا با تحرک و خروج به دنبال آن باشد زیرا هم فرج و گشایش و هم منزلت اخروی بر صبر و انتظار وعده داده شده است؛

### اعمالی که سبب می شود انسان از اصحاب قائم (علیه السلام) باشد

در غیبت نعمانی نقل شده است که: (۱)

عن ابی بصیر عن ابی عبید الله (علیه السلام) أَنَّهُ قَالَ ذَاتَ يَوْمٍ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ شَهَادَةُ أَنْ لِمَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ الْبِقَرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَ الْوَلَايَةُ لَنَا وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا يَعْنِي الْأَائِمَّةَ حَاصَّةً وَ التَّسْلِيمَ لَهُمْ وَ الْوَرَعَ وَ الْجِتْهَادُ وَ الطَّمَأْنِينَةُ وَ الْإِنْتِظَارُ لِلْقَائِمِ (علیه السلام)

ابوبصیر گوید امام صادق (علیه السلام) روزی فرمود:

آیا شما را خبر ندهم به عملی که خداوند هیچ عملی را از بندگان بدون آن نمی پذیرد؛ عرض کردم بلی بفرمائید؛ فرمود: شهادت دادن بر این که معبودی جز الله نیست؛ و این که محمد (صلی الله علیه و آله) بنده او و فرستاده او است، و اقرار نمودن به آن چه خداوند متعال

ص: ۱۵۴

به آن امر فرموده است؛ و ولایت ما اهل بیت (علیهم السلام)؛ و برائت و بیزاری از دشمنان ما اهل بیت (علیهم السلام)؛ - یعنی دشمنان ما اهل بیت (علیهم السلام) و ما امامان به طور خاص - و تسلیم شدن به امر ما؛ و ورع و پرهیزگاری خاص و اجتهاد در عمل و علم؛ و طمأنینه و آرامش در هزارهز و انتظار فرج قائم (علیه السلام)؛

ثُمَّ قَالَ إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ مَنْ سَيَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ.

سپس فرمود:

برای ما اهل بیت (علیهم السلام) دولتی است که هر وقت خداوند بخواهد آن را خواهد رساند؛

سپس فرمود:

هر کس دوست دارد از اصحاب و یاران امام قائم (علیه السلام) باشد باید منتظر قائم (علیه السلام) باشد و بر اساس ورع و تقوای الهی عمل نماید و به محاسن و کمالات اخلاقی نیکو عمل نماید؛ پس اگر اجلش فرا رسید و امام قائم (علیه السلام) پس از مرگ او قیام کرد اجر و پاداش او همانند اجر و پاداش کسی است که امام قائم (علیه السلام) را درک کرده باشد؛ پس کوشا باشید و با جد و جهد تلاش کنید و به انتظار بنشینید و گوارا باد بر شما ای گروهی که مشمول رحمت خداوند هستید؛

ص: ۱۵۵

که این گروه خاص مراد شیعیان هستند - و قید فرموده تسلیم امر باشد و ولایت ما را بپذیرد و از دشمنان ما برائت جوید و این اخبار مقید و تبیین این امر است کهبرائت از دشمنان ائمه (علیهم السلام) واجب است تا قبح اعمال ظلمه در جامعه حفظ شود و ظلمی که به ائمه (علیهم السلام) وارد شده تبیین شود تا با این تبری دیگران نیز از ادامه این ظلم ها و تقویت ظلمه خودداری کنند؛

### سکوت مردم تا زمان سکوت آسمان و زمین

در غیبت نعمانی نقل شده است که: (۱) **أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ:**

اسْمِكُنُوا مَا سَيَكُنُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أَيُّ لَّا تَخْرُجُوا عَلَيَّ أَحَدٍ فَإِنَّ أَمْرَكُمْ لَيْسَ بِهِ خَفَاءٌ أَلَا إِنَّهَا آيَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَتْ مِنَ النَّاسِ - أَلَا إِنَّهَا أَضْوَاءٌ مِنَ الشَّمْسِ لَّا تَخْفَى عَلَيَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ أَوْ تَعْرِفُونَ الصُّبْحَ فَإِنَّهَا كَالصُّبْحِ لَيْسَ بِهِ خَفَاءٌ

امام باقر (علیه السلام) که فرمود:

تا آسمان و زمین ساکن است شما نیز ساکن و ساکت باشید- یعنی بر احدی خروج نکنید زیرا امر شما نه امری است که در خفاء و پنهانی انجام گیرد بلکه آن نشانه ای است از ناحیه خداوند متعال و از ناحیه مردم نیست؛ آگاه باشید که شناسایی این امر از خورشید روشن تر است که بر هیچ نیکوکار و بد کاری پنهان نمی ماند - و همه آن را می شناسند - آیا صبح را می شناسید؛

ص: ۱۵۶

این امر شما همانند صبح است که خفاء و پنهان شدن در آن نیست؛ -یعنی این امر به وضوح قابل تشخیص خواهد بود و در صورت تعلیم و تعلم و مراجعه به اخبار و کلامات مقدسه اهل بیت (علیهم السلام) می توان آن را یافت و این گونه نیست که اگر کسی طالب حقیقت باشد راهی برای رسیدن به آن نداشته باشد لکن این مسیر با مراجعه به فقهای دین و علمای ربانی و عالم به اخبار که مردم و جامعه را به معصومین (علیهم السلام) سوق می دهند روشن می شود؛

## مقصد سوم؛ انتظار فرج با صبر

### اشاره

علامه مجلسی در بحار شریف نقل می کند؛

قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) مِنْ دِينِ الْأَئِمَّةِ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ وَالصَّلَاحُ إِلَى قَوْلِهِ وَانْتَظَرُ الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ. (۱)

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

ورع و عفت و صلاح و .... و انتظار فرج با صبر کردن از دین ائمه (علیهم السلام) است.

و باز نقل می کند؛

عَيْنِ الرِّضَا عَنِ آبَائِهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتَظَرُ فَرَجَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. (۲) رسول خدا (صلى الله عليه و آله) فرمود: افضل اعمال امت من انتظار فرج خدای متعال است؛

ص: ۱۵۷

---

۱- بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۵۲؛ ص ۱۲۲

۲- همان؛



قَالَ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ (عليه السلام) مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ وَلَايَتَنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمًا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ.

امام سجاد (عليه السلام) فرمود: هر کس در زمان غیبت قائم (عليه السلام) ما بر ولایت ما ثابت باشد خداوند متعال اجر و پاداش هزار شهید مثل شهدای بدر و احد به او عطا می نماید؛<sup>(۱)</sup>

ص: ۱۵۸

مسلک چهارم: اخبار دجال

اشاره

ص: ۱۵۹



در اصول سته عشر نقل شده است: قَالَ جَابِرٌ: وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَا مِنْ كَافِرٍ يُدْرِكُ الدَّجَالَ إِلَّا آمَنَ بِهِ، وَإِنْ مَاتَ وَ لَمْ يُدْرِكْهُ آمَنَ بِهِ فِي قَبْرِهِ، وَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُدْرِكُ الدَّجَالَ إِلَّا كَفَرَ بِهِ، وَإِنْ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يُدْرِكَهُ كَفَرَ بِهِ فِي قَبْرِهِ، وَإِنَّ بَيْنَ عَيْنَيْ الدَّجَالِ مَكْتُوبٌ: كَافِرٌ يَعْرِفُهُ كُلُّ مُؤْمِنٍ. (۱)

جابر گوید؛ از امام صادق (علیه السلام) شنیدم فرمود؛ هیچ کافری نیست که دجال را درک کند مگر این که به او ایمان می آورد و اگر بمیرد و او را در نیابد در قبر به وی ایمان آورد و هیچ مؤمنی نیست که دجال را درک کند مگر به دجال کافر شود و اگر قبل از دجال بمیرد در قبر به او کافر می شود و در بین دو چشم دجال مکتوب است که این کافری است که هر مؤمنی او را می شناسد؛

عَنْ يَحْيَى الْحَضْرَمِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) وَ هُوَ نَائِمٌ وَ رَأْسُهُ فِي حَجْرِي قَبْلَ لِي مَا الدَّجَالُ فَاسْتَيْقِظَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) مُحَمَّرٌ وَجْهَهُ فَقَالَ فِيمَا أَنْتُمْ

فَقُلْتُ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) سَأَلُونِي عَنِ الدَّجَالِ فَقَالَ لِعَيْرِ الدَّجَالِ أَنَا أَخَوْفُ عَلَيْكُمْ مِنَ الدَّجَالِ الْأَيْمَةِ الضَّالُّونَ الْمُضِلُّونَ يَسْفِكُونَ دِمَاءَ عِثْرَتِي أَنَا حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَ سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلَهُمْ (١)

در احتجاج نقل شده است که یحییٰ حضرمی گوید که از امیرالمؤمنین (علیه السلام) شنیدم که فرمود در محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودیم که در خواب بودند و سر مبارک ایشان روی زانوی من بود؛

از من سوال کردند که دجال کیست؛ پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیدار شدند در حالی که رنگ چهره مبارکشان سرخ شده بود؛ فرمود: در مورد چه امری صحبت می کنید؛ گفتم یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) از دجال از من سؤال کردند؛ فرمودند:

از غیر دجال بیشتر از دجال بر شما ترس دارم؛ پیشوایانی گمراه که گمراه کننده هستند و خون اهل بیت من را می ریزند؛

پس من با هر که با اهل بیتم بجنگد در جنگ هستم و با هر کس با اهل بیتم در صلح باشد، در صلح هستم؛

### حذر از سه نفر در مورد دین

در کتاب سلیم نقل شده است؛ (٢)

الحديث الرابع و الخمسون [١] سلیم بن قیس قال: سمعت علی بن أبی طالب علیه السلام يقول قال رسول الله صلى الله عليه و آله:

ص: ١٦٢

١- الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)؛ ج ١؛ ص ٢٦٥

٢- کتاب سلیم بن قیس الهلالی؛ ج ٢؛ ص ٨٨٤

احذروا علی دینکم ثلاثه رجال: رجل قرأ القرآن حتی إذا رئی علیه بهجتہ كأن رداءً للإیمان غیره إلی ما شاء الله اخترط سیفه علی أخیه المسلم و رماه بالشرک.

قلت: یا رسول الله، أيهما أولى بالشرک قال: الرامی به منهما.

سلیم بن قیس می گوید: از امیرالمومنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: بر دین خودتان از سه نفر بر حذر باشید:

مردی که قرآن را می خواند تا این که آثار بهجت و سرور را بر خود می بیند به طوری که گوئی لباس و ردائی از ایمان او را به امری که خدا می خواهد تغییر داده است؛ پس در این حال شمشیر بر روی برادر مسلمان خود می کشد و او را متهم به شرک می کند؛ عرض کردم: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله)؛ کدام یک از این دو نفر به شرک سزاوارتر هستند؛ فرمود: آن کس که تهمت شرک می زند؛

و رجل استخفته الأحادیث کلما انقطعت أهدوثة کذب مثلها أطول منها، إن یدرک الدجال یتبعه.

و دیگر، مردی که نقل ها و گفته ها و احادیث او را از راه صحیح منحرف کرده است، به طوری که هر گاه گفته ای تمام می شود با کذب مثل آن را طولانی تر از آن نقل می کند و این چنین کسی اگر دجال را دریابد پیرو او می شود؛

و رجل آتاه الله عز و جل سلطانا فرعم أن طاعته طاعه الله و معصيته معصيه الله، و كذب، لا طاعه لمخلوق في معصيه الخالق، لا طاعه لمن عصى الله

و ديگر، مردی که خداوند متعال سلطنت و قدرتی به او داده است و گمان می کند اطاعت او اطاعت خداوند و معصیت او معصیت خداوند است؛ در حالی که دروغ می گوید؛ زیرا هرگز اطاعت مخلوقی با معصیت خالق ممکن نیست؛ و از کسی که معصیت خدا می کند نباید اطاعت کرد؛

## مقصد دوم: اسباب ایمان به دجال

### اشاره

اسباب ایمان به دجال و دفع شر آن؛ که اخبار آن بسیار زیاد و راه ها و دعاهاى رفع شر آن بسیار است و چند نکته مختصر ذکر می شود؛

بغض اهل بیت (علیهم السلام) سبب هلاکت؛

در محاسن نقل شده است که: أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَهُودِيًّا قَيْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ إِنِّ شَهِدَ الشَّهَادَتَيْنِ قَالَ نَعَمْ إِنَّمَا اخْتَجَبَ بِهَاتَيْنِ الْكَلِمَتَيْنِ عَنْ سَيْفِكَ دَمِهِ أَوْ يُؤَدَّى الْجَزِيَةَ وَ هُوَ صَاغِرٌ ثُمَّ قَالَ مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَهُودِيًّا قَيْلَ وَ كَيْفَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِنَّ أَدْرَكَ الدَّجَالَ آمَنَ بِهِ (۱)

ص: ۱۶۴

امام صادق (علیه السلام) فرمود؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس بغض ما اهل بیت (علیهم السلام) را داشته باشد خداوند متعال او را یهودی بر می انگیزد؛ عرض کردند؛ ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ولو این که این فرد شهادتین را بگوید؛ فرمود: بله؛ او با این کلمات - شهادتین - خون خود را از ریختن و دادن جزیه حفظ می کند ولی این بهره اندکی است؛ سپس فرمود: هر کس به ما اهل بیت (علیهم السلام) بغض ورزد خدای متعال او را یهودی بر می انگیزد؛ عرض کردند؛ چگونه؛ فرمود: اگر دجال را ببیند به او ایمان می آورد؛ بهره اندک در مقابل نعمت بی پایانی است که در سایه ولایت اهل بیت (علیهم السلام) و برائت از دشمنانشان به انسان می دهند که رضایت خداوند متعال و جنات نعیم و مرافقت با معصومین (علیهم السلام) در مقام اعلی بهشت البته قابل قیاس نمی باشد که نعمت دائمی است؛

### روزه رجب سبب عافیت از فتنه دجال

در امالی صدوق آمده است: وَ مَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّارِ خَنْدَقًا أَوْ حِجَابًا طَوِيلًا مَسِيرَةً سَبْعِينَ عَامًا وَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ عِنْدَ إِفْطَارِهِ لَقَدْ وَجَبَ حَقُّكَ عَلَيَّ وَ وَجَبْتُ لَكَ مَحَبَّتِي وَ وِلَايَتِي أَشْهَدُكُمْ يَا مَلَائِكَتِي أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ مَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ أَرْبَعَةَ أَيَّامٍ عُوفِيَ مِنَ الْبَلَايَا كُلِّهَا مِنَ الْجُنُونِ وَ الْجِيَادِمِ وَ الْبَرَصِ وَ فِتْنَةِ الدَّجَالِ وَ أُجِيرَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ



كُتِبَ لَهُ مِثْلُ أُجُورِ أُولَى الْأَلْبَابِ التَّوَّابِينَ الْأَوَّابِينَ وَ أُعْطِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فِي أَوَائِلِ الْعَابِدِينَ (۱)

هر کس سه روز از ماه رجب روزه دارد خدای عز و جل میان او و دوزخ خندقی قرار می دهد یا حجاب و پرده ای به طول هفتاد سال راه قرار می دهد؛ و خداوند متعال وقت افطارش به او می فرماید؛ که حق تو بر من واجب شد و محبت و ولایت تو بر من واجب است؛ ای فرشتگان من شاهد باشید که گناهان گذشته و آینده اش را بخشیدم؛ و هر کس چهار روز رجب را روزه دارد از تمام بلاها و جنون و جذام و برص در عافیت خواهد بود و از فتنه دجال و از عذاب قبر ایمن خواهد بود و خداوند متعال مثل اجر اولی الالباب توابین و اوابین برایش می نویسد و نامه عملش در زمره عابدین به دست راستش داده می شود؛

\*\* قرائت سوره قارعه سبب امان از دجال؛ شیخ صدوق در ثواب الاعمال نقل می کند؛ (۲)

ثواب قراءه سوره القارعه - بهذا الإسناد عن الحسين عن إسماعيل بن الزبير عن عمرو بن ثابت عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: من قرأ و أكثر من قراءه القارعه آمنه الله عز و جل من فتنه الدجال أن يؤمن به و من فيح جهنم إن شاء الله؛ ثواب قراءه سوره القارعه؛ عمرو بن ثابت روایت کرده است که

ص: ۱۶۶

---

۱- الأمالی (للصدوق)؛ النص؛ ص ۵۳۵

۲- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال؛ النص؛ ص ۱۲۵

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: هر کسی که سوره قارعه را تلاوت کند و زیاد آن را تلاوت نماید خداوند متعال او را از فتنه دجال و ایمان آوردن به او ایمن می دارد؛ و در قیامت او را از چرک جهنم نگاه می دارد، ان شاء الله؛

### متابعت هفتاد هزار نفر از دجال

در الزام الناصب نقل شده است؛(۱)؛

و عن النبي (صلى الله عليه و آله): يتبع الدجال من أمتي سبعون ألفا عليهم السيجان

رسول خدا (صلى الله عليه و آله) فرمود؛ متابعت می کند دجال را از امت من هفتاد هزار نفر که سرپوشی شبیه عمامه به سر دارند؛

### دو دجال از نسل فاطمه سلام الله عليها

سید بن طاوس در تشریف در ضمن روایتی از امیرالمومنین (علیه السلام) نقل می کند؛(۲)

..و كل من خرج من ولدي قبل المهدي فإنما هو جزور، و إياكم و الدجالين من ولد فاطمه، فإن من ولد فاطمه دجالين، و يخرج دجال من دجله البصره، و ليس مني، و هو مقدمه الدجالين كلهم» و هر کس از فرزندان من قبل از مهدی (علیه السلام) قیام کند کشته خواهد شد و بر حذر باشید از دو دجال از نسل فاطمه سلام الله عليها؛ زیرا از نسل فاطمه سلام الله عليها

ص: ۱۶۷

---

۱- إلزام الناصب ...، ج ۲، ص: ۱۱۱

۲- التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن ؛ ؛ ص ۲۴۸

دو دجال به وجود خواهد آمد و دجالی نیز از دجله بصره خروج خواهد کرد و او از من نیست و او مقدمه همه دجال هاست؛ لذا دجال ها متعدد هستند؛

### قتل دجال اصلی به دست امام مهدی (علیه السلام)

علامه مجلسی در روایتی از کمال الدین شیخ صدوق نقل می کند؛(۱)؛ ۲۹- ک، إكمال الدین ابن إدريس عن أبيه عن محمد بن الحسين بن زيد عن الحسن بن موسى عن علي بن سماعه عن علي بن الحسن بن رباط عن أبيه عن المفضل قال قال الصادق عليه السلام؛ إن الله تبارك و تعالی خلق أربعة عشر نورا قبل خلق الخلق بأربعة عشر ألف عام فهي أرواحنا فقيل له يا ابن رسول الله و من الأربعة عشر فقال محمد و علي و فاطمه و الحسن و الحسين و الأئمة من ولد الحسين (عليه السلام) آخرهم القائم الذي يقوم بعد غيبته فيقتل الدجال و يطهر الأرض من كل جور و ظلم

مفضل از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمود؛ خداوند تبارک و تعالی چهارده نور در چهارده هزار سال قبل از خلقت خلایق آفرید و آن ارواح ما اهل بیت (علیهم السلام) بود؛ پس خدمت امام (علیه السلام) رسیدند؛ ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله)؛ این چهارده نفر کدام هستند؛ فرمود؛ محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه امام از اولاد حسین صلوات الله علیهم اجمعین؛ و آخرین ایشان قائم (علیه السلام) است که بعد از غیبت خود قیام می کند و دجال را می کشد و زمین را از هر ظلم و جوری پاک می کند؛

ص: ۱۶۸

مسلك پنجم: بشارت بر مستضعفين

اشاره

ص: ۱۶۹



در هدایه الکبری نقل شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به سلمان فرمود؛(۱)

... قال سلمان و اشتد بكائي و شوقی ثم قلت بعهد منك قال: و الذي بعث محمدا إنه لعهدی و من علی و فاطمه و الحسن و الحسين و التسعة الأئمة و كل من هو منا مظلوما فينا إی و الله یا سلمان ثم ليحضرن إبليس و جنوده و كل من محض الإيمان محضا و محض الكفر محضا ثم يؤخذ بالقصاص و الأوتار «و لا يظلم ربك أحدا» و نحن تأويل هذا الآية:

«و نريد أن نمن علی الذين استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمة و نجعلهم الوارثین و نمکن لهم فی الأرض و نرى فرعون و هامان و جنودهما منهم ما كانوا يحذرون» قال سلمان فقلت من بین یدی رسول الله (صلی الله علیه و آله) و لا أبالی متى لقيني الموت أو لقيته

قسم به کسی که محمد را به پیامبری برگزید این عهدی است برای من و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) و ائمه نه گانه از اولاد امام حسین (علیه السلام) و هر کسی از ما که مظلوم بود و هر کسی که در راه ما مظلوم بود؛... و تاویل این آیه که فرمود «و نريد أن نمن علی الذين استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمة و نجعلهم الوارثین و

ص: ۱۷۱

نمکن لهم فی الأرض و نری فرعون و هامان و جنودهما منهم ما كانوا یحذرون» ما هستیم

و باز ابن حمدان خصیبی در هدایه الکبری نقل می کند؛(۱)

«و نرید أن نمّن علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمه و نجعلهم الوارثین» الآیه و الله یا مفضل إن تأویل هذه الآیه فینا:

...

که امام صادق (علیه السلام) به مفضل فرمود؛ مراد از این آیه «و نرید أن نمّن علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمه و نجعلهم الوارثین» ما اهل بیت (علیهم السلام) هستیم؛

و باز ابن حیون در شرح الاخبار نقل می کند؛

که امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود؛(۲)

[۶۹۱] و بآخر، عن علی (علیه السلام)، أنه قال:

فینا نزلت هذه الآیه «و نرید أن نمّن علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمه و نجعلهم الوارثین»(۳) این آیه «و نرید أن نمّن علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمه و نجعلهم الوارثین» در شان ما اهل بیت (علیهم السلام) نازل شده است؛\*\* طلوع بدر؛ ابن حمدان خصیبی در هدایه الکبری نقل می کند؛(۴) و عنه عن محمد بن یحیی الفارسی، عن محمد بن علی الصیرفی، عن إبراهیم بن هاشم، عن فرات بن

ص: ۱۷۲

---

۱- الهدایه الکبری ؛ ص ۴۲۱

۲- شرح الاخبار ... ج ۲ ؛ ص ۳۴۴

۳- القصص: ۵.

۴- الهدایه الکبری ؛ ص ۳۶۱

أحنف، عن سعيد بن المسيب، عن زادن، عن سلمان الفارسي، قال: قال أمير المؤمنين (عليه السلام) فذكر المهدي القائم (عليه السلام)، والله ليغيين حتى يقول الجهاد: ما بقي لله في آل محمد من حاجه، ثم يطلع طلوع البدر في وقت تمامه و الشمس في وقت إشراقها فتقر عيون و تعمى عيون.

سلمان فارسي گوید: امیر المؤمنین علی (علیه السلام) از قائم آل محمد (علیه السلام) سخن به میان آورد و فرمود: به خدا قسم او چندان از میان مردم غائب می شود که نادانان و جهال بگویند: خداوند چه احتیاجی به آل محمد (علیهم السلام) دارد؛ سپس مثل طلوع ماه تمام و خورشید در وقت نورافشانی خود طلوع می کند که چشم عده ای روشن و چشم عده ای کور می شود؛

روشن است که چشم مستضعفین و شیعیان روشن و چشم دشمنان حضرتش کور خواهد شد؛

### **مقصد دوم؛ جهانی شدن ندای توحید؛ وفور نعمت ها در دوران مهدی (علیه السلام)؛**

#### **قیام قائم (علیه السلام) همگانی شدن ندای توحید**

و نیز علامه مجلسی از تفسیر العیاشی نقل می کند: (۱) عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً- (۲)

ص: ۱۷۳

---

۱- بحار الانوار - ج ۵۲ - ص ۳۴۰

۲- آل عمران: ۸۳



قَالَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ.

رفاعه گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود مراد خداوند که می فرماید؛ وَلَهُ أَسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا یعنی وقتی که امام مهدی (علیه السلام) قیام نماید جایی از زمین باقی نمی ماند، مگر ندای شهادت توحید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و نبوت أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) در آن شنیده خواهد شد؛

### وفور نعمت ها

در روضه الواعظین نقل می کند؛ (۱)

و روی أبو سعید الخدری قال قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) المهدي يكون في أمتي إن قصر عمره فسيع و إلا فثمان أو تسع تنعم أمتي في زمانه نعيما لم ينعموا مثله قط البر منهم و الفاجر يرسل السماء عليهم مدرارا و لا تحبس الأرض شيئا من نباتها و المال كدوس يأتيه الرجل فيسأله فيحسني له - و الصحيح في مقدار مده و لايه القائم (علیه السلام) ما ذكرناه في باب إمامته (علیه السلام) أبو سعید خدری نقل می کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: مهدی (علیه السلام) میان امت من ظهور خواهد کرد. اگر مدت حکومتش کوتاه باشد، هفت سال و گر نه هشت یا نه سال است و امت من به روزگار او به نعمتی می رسند که چنان نعمتی را ندیده اند.

ص: ۱۷۴

خاتمه: ادعیه و توسل مختصر به امام مهدی (علیه السلام)

اشاره

ص: ۱۷۵



## مقصد اول؛ مختصر ادعیه و نماز و زیارت برای توسل به امام مهدی (علیه السلام)

### مقصد اول؛ ادعیه جامع مربوط به حضرت

و نیز مربوط به زمان غیبت در کتب متعدد ذکر شده اند اما از باب تبرک چند دعا ذکر می شود:

علامه مجلسی در بحار شریف نقل می کند؛(۱) هر کس این دعا را بعد از نماز هر فریضه بخواند امام مهدی (علیه السلام) را در خواب یا بیداری زیارت خواهد کرد؛

۶۹- اختیار ابن الباقر، عن الصادق علیه السلام أنه قال: من قرأ بعد كل فریضه هذا الدعاء فإنه يرى الإمام م ح م د بن الحسن علیه و علی آبائه السلام فی یقظه أو فی المنام؛

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان أينما كان و حيثما كان من مشارق الأرض و مغاربها سهلها و جبلها عنى و عن والدى و عن ولدى و إخوانى التحية و السلام عدد خلق الله و زنه عرش الله و ما أحصاه كتابه و أحاط علمه اللهم إنى أجدد له فى صبيحه هذا اليوم و ما عشت فيه من أيام حياتى عهدا و عقدا و بيعه له فى عنقى لا- أحول عنها و لا أزول اللهم اجعلنى من أنصاره و نصاره الذابين عنه و الممثلين لأوامره و نواهيه فى أيامه و المستشهدين بين يديه اللهم فإن حال بينى و بينه الموت الذى جعلته على عبادك حتما مقضيا فأخرجنى من قبرى مؤتورا كفى

ص: ۱۷۷

شاهرا سیفی مجردا قناتی ملبیا دعوه الداعی فی الحاضر و البادی اللهم أرنی الطلعه الرشیده و الغره الحمیده و اکحل بصری بنظره منی إلیه و عجل فرجه و سهل مخرجه اللهم اشدد أزره و قو ظهره و طول عمره اللهم اعره به بلادک و أحي به عبادک فإنک قلت و قولک الحق ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت أیدی الناس فأظهر اللهم لنا ولیک و ابن بنت نبیک المسمی باسم رسولک صلواتک علیه و آله حتی لا یظفر بشیء من الباطل إلا مزقه- و یحق الله الحق بکلماته و یحققه اللهم اکشف هذه الغمه عن هذه الأمة بظهوره- إنهم یرونه بعیدا و نراه قریبا و صلی الله علی محمد و آله

## دعای غریق

باز علامه مجلسی در بحار نقل می کند؛

عَبْدُ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) سَتُصِيبُكُمْ شُبُهَةٌ فَتَبْقُونَ بِمَا عِلْمٌ يُرَى وَ لَا إِمَامٌ هُدَى لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ قُلْتُ وَ كَيْفَ دُعَاءُ الْغَرِيقِ قَالَ تَقُولُ

عبدالله بن سنان گوید که امام صادق (علیه السلام) فرمود شبهاتی برای شما خواهد آمد که بدون علم و نشانه ای که دیده شود و بدون امامی که هدایت کند باقی می مانید و کسی از آن فتنه ها نجات نمی یابد مگر کسی که دعای غریق را ملازمت نماید؛ عرض کردم دعای غریق کدام است؛ فرمود می گوئی؛

ص: ۱۷۸

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ فَقَالَ إِنَّ  
اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُقَلِّبُ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ وَ لَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ (۱)

## دعای معرفت

علامه مجلسی در بحار شریف نقل می کند؛ (۲)

عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ ذَكَرَ فِيهِ غَيْبَةَ الْقَائِمِ (عليه السلام) قَالَ زُرَّارَةُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَإِنْ أَدْرَكْتُ  
ذَلِكَ الزَّمَانَ فَأَيُّ شَيْءٍ أَعْمَلُ قَالَ يَا زُرَّارَةُ إِنَّ أَدْرَكْتَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَالْزَمْ هَذَا الدُّعَاءَ

زراره از امام صادق (علیه السلام) در ضمن حدیث طولی که در آن ذکر غیبت قائم (علیه السلام) شده بود نقل می کند که  
گوید به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم اگر آن زمان را درک نمایم کدام اعمال افضل است: فرمود؛

ای زراره اگر آن روز را درک کردی بر این دعا ملازم باش؛ که این دعا به دعای معرفت مشهور است و روشن است که اگر  
کسی امام خود را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است، فلذا اهمیت و جایگاه معرفت امام (علیه السلام)، حیاتی است که  
درخواست آن تعلیم داده می شود؛ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ

ص: ۱۷۹

۱- بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۹۲؛ ص ۳۲۶

۲- همان؛

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ  
عَنْ دِينِي (۱)

و باز در موضع دیگر به این کیفیت نقل کرده است؛ باز علامه مجلسی در بحار آورده است: بِإِسْنَادِنَا إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ  
إِبْرَاهِيمَ الْجُعْفِيِّ الْمَعْرُوفِ بِالصَّابُونِيِّ فِي جُمْلِهِ حَدِيثِ بِإِسْنَادِهِ وَ ذَكَرَ فِيهِ غَيْبَهُ الْمَهْدِيُّ صِلَمَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قُلْتُ كَيْفَ تَصْنَعُ  
شَيْعَتُكَ قَالَ عَلَيْنُكُمْ بِالْدُّعَاءِ وَ انْتِظَارِ الْفَرَجِ وَ إِنَّهُ سَيَبْدُو لَكُمْ عِلْمٌ فَإِذَا بَدَأَ لَكُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَ تَمَسَّكُوا بِمَا بَدَأَ لَكُمْ قُلْتُ فَمَا نَدْعُو  
بِهِ قَالَ تَقُولُ

اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَّفْتَنِي نَفْسَكَ وَ عَرَّفْتَنِي رَسُولَكَ وَ عَرَّفْتَنِي مَلَائِكَتَكَ وَ عَرَّفْتَنِي وُلَاةَ أَمْرِكَ اللَّهُمَّ لَا آخِذُ إِلَّا مَا أُعْطِيتَ وَ لَا أُقِي إِلَّا مَا  
وَقَّيْتَ اللَّهُمَّ لَا تُعَيِّنِي عَنْ مَنَازِلِ أَوْلِيَائِكَ وَ لَا تُرْغِ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي اللَّهُمَّ اهْدِنِي لَوْلَايِهِ مَنْ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ (۲).

### دعای عهد

علامه مجلسی در بحار شریف نقل می کند؛ (۳) -۱۱۱- صبا، [مصباح الزائر] عن جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام) أنه قال:  
من دعا إلى الله أربعين صباحا بهذا العهد كان من

ص: ۱۸۰

۱- همان؛

۲- همان؛

۳- بحار الأنوار؛ ج ۵۳؛ ص ۹۵

أنصار قائمنا فإن مات قبله أخرجه الله تعالى من قبره و أعطاه بكل كلمه ألف حسنه و محا عنه ألف سيئه و هو هذا

امام صادق (عليه السلام) فرمود كه هر كس اين دعا را چهل صبح بخواند از ياوران قائم (عليه السلام) خواهد بود و اگر قبل از ظهور از دنيا برود خداوند متعال او را از قبرش بر مي انگيزد و به ازاي هر كلمه اش حسنه اي به او عطا مي كند و هزار گناه از او محو مي كند و دعا اين است؛

اللهم رب النور العظيم و رب الكرسي الرفيع و رب البحر المسجور و منزل التوراه و الإنجيل و الزبور و رب الظل و الحرور و منزل القرآن العظيم و رب الملائكه المقربين و الأنبياء و المرسلين اللهم إني أسألك بوجهك الكريم و بنور وجهك المنير و ملكك القديم يا حي يا قيوم أسألك باسمك الذي أشرفت به السماوات و الأرضون- و باسمك الذي يصلح به الاولون و الآخرون، يا حي قبل كل حي، و يا حي بعد كل حي، و يا حي حين لا حي، و يا محيي الموتى و مميت الاحياء يا حي لا إله إلا انت - يا حي قبل كل حي لا- إله إلا- أنت اللهم بلغ مولانا الإمام الهادي المهدي القائم بأمرك صلوات الله عليه و على آباءه الطاهرين عن المؤمنين و المؤمنات في مشارق الأرض و مغاربها سهلها و جبلها برها و بحرها و عنى و عن والدى من الصلوات زنه عرش الله و مداد كلماته و ما أحصاه علمه و أحاط به كتابه اللهم إني أجدد له في صبيحه يومى هذا و ما عشت من أيامى عهدا و عقدا و بيعهله



فى عنقى لا- أحول عنها ولا- أزول أبدا اللهم اجعلنى من أنصاره و أعوانه و الذاببن عنه و المسارعين إليه فى قضاء حوائجه و المحامين عنه و السابقين إلى إرادته و المستشهادين بين يديه اللهم إن حال بينى و بينه الموت الذى جعلته على عبادك حتما فأخرجنى من قبرى مؤتورا كفى شاهرا سيفى مجردا قناتى ملييا دعوه الداعى فى الحاضر و البادى اللهم أرنى الطلعه الرشیده و الغره الحمیده و اكحل ناظرى بنظره منى إليه و عجل فرجه و سهل مخرجه و أوسع منهجه و اسلك بى محجته فأنفذ أمره و اشدد أزره و اعمر اللهم به بلادك و أحي به عبادك فإنك قلت و قولك الحق ظهر الفساد فى البر و البحر بما كسبت أيدى الناس-(١) فأظهر اللهم لنا وليك و ابن بنت نبيك المسمى باسم رسولك حتى لا يظفر بشىء من الباطل إلا مزقه و يحق الحق و يحققه و اجعله اللهم مفزعا لمظلوم عبادك و ناصرا لمن لا يجد له ناصرا غيرك و مجددا لما عطل من أحكام كتابك و مشيدا لما ورد من أعلام دينك و سنن نبيك صلى الله عليه و آله و سلم و اجعله ممن حصنته من بأس المعتدين اللهم و سر نبيك محمدا صلى الله عليه و آله و سلم برؤيته و من تبعه على دعوته و ارحم استكانتنا بعده اللهم اكشف هذه الغمه عن الأمة بحضوره و عجل لنا ظهوره إنهم يرونه بعيدا و نراه قريبا العجل يا مولاي يا صاحب الزمان برحمتك يا أرحم الراحمين

ص: ١٨٢

١- الروم: ٤١.

ثم تضرب على فخذك الأيمن بيدك ثلاث مرات و تقول العجل يا مولای یا صاحب الزمان ثلاثا  
سپس سه بار بر روی پای خود - به حالت اضطرار - بزن و بگو العجل یا مولای یا صاحب الزمان؛

### دعای عهد دیگر

باز علامه مجلسی در بحار نقل می کند: (۱)

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ مَرَّةً وَاحِدَةً فِي دَهْرِهِ كُتِبَ فِي رِقِّ الْعُبُودِيَّةِ وَرُفِعَ فِي دِيْوَانِ الْقَائِمِ (عليه السلام)  
فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا نَادَى بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ ثُمَّ يُدْفَعُ إِلَيْهِ هَذَا الْكِتَابُ وَيُقَالُ لَهُ خُذْ هَذَا كِتَابَ الْعَهْدِ الَّذِي عَاهَدْتَنَا فِي الدُّنْيَا وَذَلِكَ  
قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (۲) وَادْعُ بِهِ وَأَنْتَ طَاهِرٌ تَقُولُ

امام باقر (عليه السلام) فرمود؛

هر کس این دعا را در طول عمر خود یک بار بخواند از شمار بندگان آزاد شده نوشته می شود و نامش در دفتر قائم (عليه السلام) نوشته می شود و وقتی قائم (عليه السلام) قیام کند او را به نام و نام پدرش صدا می زنند و این مکتوب به او داده شده و به او گفته می شود این کتاب عهد را بگیر که این عهد را با ما در دنیا بسته ای و اینهمان قول خداوند

ص: ۱۸۳

---

۱- بحار الانوار - ج ۹۲ - ص ۳۳۷

۲- [۲] مریم: ۸۷.

متعال است که فرمود؛ مگر کسی که نزد خدای متعال عهدی قرار داده است؛ و این دعا را در حالی که با طهارت هستی بخوان؛

اللَّهُمَّ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا آخِرَ الْآخِرِينَ يَا فَاهِرَ الْقَاهِرِينَ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى عَلَوْتَ فَوْقَ كُلِّ عُلُوِّ هَذَا يَا سَيِّدِي عَهْدِي وَأَنْتَ مُنْجِرٌ وَعَهْدِي فَصَلِّ يَا مَوْلَايَ وَعَهْدِي وَأَنْجِزْ وَعَهْدِي آمَنْتُ بِكَ وَأَسْأَلُكَ بِحَبَابِكَ الْعَرَبِيِّ وَبِحَبَابِكَ الْعَجَمِيِّ وَبِحَبَابِكَ الْعَبْرَانِيِّ وَبِحَبَابِكَ الشُّرَيَّانِيِّ وَبِحَبَابِكَ الرَّومِيِّ وَبِحَبَابِكَ الْهِنْدِيِّ وَأَثْبِتْ مَعْرِفَتَكَ بِالْعَمَائِهِ الْأَوْلَى فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَمَا تُرَى وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَاتَّقَرُّبُ إِلَيْكَ بِرَسُولِكَ الْمُنْذِرِ (صلى الله عليه وآله) وَبِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ الْهَادِي وَبِالْحَسَنِ السَّيِّدِ وَبِالْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ سَبْطِي نَبِيِّكَ وَبِفَاطِمَةَ الْبَتُولِ وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ذِي الثَّنَائَاتِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَنْ عِلْمِكَ وَبِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ الَّذِي صَدَقَ بِمِيثَاقِكَ وَبِمِعَادِكَ وَبِمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْحَصُورِ الْقَائِمِ بِعَهْدِكَ وَبِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الرَّاضِي بِحُكْمِكَ وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْحَبْرِ الْفَاضِلِ الْمُرْتَضَى فِي الْمُؤْمِنِينَ وَبِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ هَادِي الْمُسْتَرْشِدِينَ وَبِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ خِرَانِهِ الْوَصِيِّينَ وَاتَّقَرُّبُ إِلَيْكَ بِالْإِمَامِ الْقَائِمِ الْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ الْمَهْدِيِّ إِمَامِنَا وَابْنِ إِمَامِنَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ يَا مَنْ جَلَّ فَعَظَمَ وَهُوَ أَهْلُ ذَلِكَ فَعَفَا وَرَحِمَ يَا مَنْ قَدَرَ فَلَطَفَ أَشْكُو إِلَيْكَ ضَعْفِي وَمَا قَصِيرَ عَنْهُ عَمَلِي مِنْ تَوْحِيدِكَ وَكُنْهُ مَعْرِفَتِكَ وَاتَّوَجَّهْ إِلَيْكَ بِالسَّيِّئَاتِ الْبِئْسَاءِ وَبِالْوَحْدَانِيَّةِ الْكُبْرَى الَّتِي قَصُرَ عَنْهَا مَنْ

أَذَبَرُ وَ تَوَلَّى وَ آمَنْتُ بِحِجَابِكَ الْأَعْظَمِ وَ بِكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الْعُلْيَا الَّتِي خَلَقْتَ مِنْهَا دَارَ الْبَلَاءِ وَ أَهَلَّتْ مَنْ أَحْبَبْتَ جَنَّةَ الْمَأْوَى آمَنْتُ  
بِالسَّابِقِينَ وَ الصَّادِقِينَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الَّذِينَ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا أَلَّا تُؤَلِّينِي غَيْرَهُمْ وَ لَا تَفَرِّقَ بَيْنِي وَ  
بَيْنَهُمْ غَدًّا إِذَا قَدَّمْتُ الرِّضَا بِفَضْلِ الْقَضَاءِ آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ وَ خَوَاتِيمِ أَعْمَالِهِمْ فَإِنَّكَ تَخْتِمُ عَلَيْهَا إِذَا شِئْتُ يَا مَنْ أَنْتَ حَفِي  
بِالْإِقْرَارِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ وَ حَبَانِي بِمَعْرِفَةِ الرُّبُوبِيَّةِ وَ خَلَصْنِي مِنَ الشُّكِّ وَ الْعَمَى رَضِيتُ بِكَ رَبًّا وَ بِالْأَصْفِيَاءِ حُجَجًا وَ بِالْمَحْجُوبِينَ أَنْبِيَاءَ  
وَ بِالرُّسُلِ أَدْلَاءَ وَ بِالْمُتَّقِينَ أَمْرَاءَ وَ سَامِعًا لَكَ مُطِيعًا

هَذَا آخِرُ الْعَهْدِ الْمَذْكُورِ (١)

### دُعَاءُ الْمَهْدِيِّ (عليه السلام)

علامه مجلسی در بحار شریف نقل کرده است:

وَ رَوَى الشَّهِيدُ رَحِمَهُ اللَّهُ نَقْلًا مِنْ كِتَابِ الْإِسْتِدْرَاكِ لِبَعْضِ قَدَمَاءِ الْأَصْحَابِ عَنِ الشَّيْخِ عَبْدِ اللَّهِ الدُّورِيسْتِيِّ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ  
مُحَمَّدِ بْنِ بَابُوَيْهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ ثَابِتٍ إِلَى آخِرِ السَّنَدِ وَ ذَكَرَ الْأَدْعِيَةَ فَقَطَّ إِلَى أَنْ قَالَ: دُعَاءُ الْمَهْدِيِّ (عليه السلام):

شہید از کتاب استدراک از قدمای اصحاب امامیہ از شیخ عبداللہ دوریستی از از جدشان از پدرش از محمد بن بابویہ از احمد  
بن ثابت تا آخر سند کہ فقط ادعیہ را نقل کرده نقل می کند تا این کہ گوید؛ دعای مهدی (علیہ السلام)؛ یا نُورَ النُّورِ یا مُدَبِّرَ  
الْأُمُورِ

ص: ۱۸۵

يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي وَلِشَيْعَتِي مِنْ كُلِّ ضَيْقٍ فَرَجًا وَمِنْ كُلِّ هَمٍّ مَخْرَجًا وَأَوْسِعْ لَنَا الْمَنْهَجَ وَأَطْلِقْ لَنَا مِنْ عِنْدِكَ وَافْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمُ. (۱)

هم چنین در صحیفه مهدیه (علیه السلام) فرموده است که در روایتی است که هنگام واقع شده صدایی عجیب که تعبیر به صیحه شده، در نیمه ماه مبارک رمضان و در طلوع صبح جمعه که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرموده وقتی این صدا را شنیدید به سجده بیفتید و بگوئید: سبحان القدوس سبحان القدوس ربنا زیرا که هر کس این دعا را بخواند نجات یافته و هر کس انجام ندهد، هلاکت می یابد. (۲)

هم چنین در اعلام الدین آمده است که:

هر کس بعد از نماز ظهر روز جمعه هفت بار بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ أَصْحَابِ قَائِمٍ (علیه السلام) خواهد بود. (۳)

### دعایی بعد از تعقیبات نماز

در مکارم الاخلاق نقل می کند؛

دعاء آخر: رُوِيَ أَنَّ مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ عَقِيبَ كُلِّ فَرِيضَةٍ وَوَاطَبَ عَلَى ذَلِكَ عَاشَ حَتَّى يَمَلَ الْحَيَاةَ وَيَتَشَرَّفَ بِلِقَاءِ صَاحِبِ الْأَمْرِ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ وَهُوَ

ص: ۱۸۶

۱- بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۹۱؛ ص ۱۸۷

۲- صحیفه .... ص ۳۱۵.

۳- أعلام الدین فی صفات المؤمنین

هر کس این دعا را بعد از هر نماز واجب بخواند و بر آن مواظبت کند نمی میرد تا این که از عمر خود سیراب شود و به لقاء صاحب الامر (علیه السلام) نائل می شود و دعا این است؛

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ الْمُصَدَّقَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ اللَّهُمَّ فَصِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لَأَوْلِيائِكَ الْفَرَجَ وَ النَّصْرَ وَ الْعَافِيَةَ وَ لَا تَسُوؤُنِي فِي نَفْسِي وَ لَا فِي فُلَانٍ

قَالَ وَ تَذَكَّرْ مَنْ شِئْتَ (۱)

و نام هر کس را هم که می خواهد ببرد.

### دعای سلامتی حضرت

شیخ جلیل طوسی نقل کرده که: از ائمه معصوم (علیهم السلام) به ما رسیده است که: در شب یست و سوم ماه مبارک رمضان، این دعا را در حال سجده یا ایستاده یا نشسته و در هر حالی و در تمامی ماه مبارک، و هر طور که برایت امکان دارد و در تمام دوران عمرت تکرار کن: و بعد از بزرگداشت و ادای احترام به خداوند متعال و درود بر پیامبرش (صلی الله علیه و آله) بگو:

ص: ۱۸۷

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فَلَانَ بْنِ فَلَانَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَيِّدَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا (۱)

و به جای فلان بن فلان الحجه بن الحسن بگوید؛

### مقصد دوم؛ زیارت و نماز استغاثه به امام زمان (علیه السلام)

#### اشاره

شیخ محمود عراقی در دارالسلام می نویسد؛ (۲)

معجزه چهل و هشتم: [رفع غصه و الم با توجه و تضرع به سوی صاحب الزمان]

فاضل معاصر "نوری" - انار الله برهانه - روایت کرده از مجلد بیست و دوم بحار که او روایت نموده از کتاب "قبس المصباح" تألیف "شیخ سهرشتی" که او گفته:

«شنیدم از "شیخ ابی عبد الله حسین بن حسن بن بابویه" رضی الله عنه در سال چهارصد و چهل در شهر ری که او روایت کرد از عم خود "ابی جعفر محمد بن علی بن بابویه" رحمه الله، که بعضی از مشایخ قمیین من ذکر نمود که مرا امری حادث شد که دلم از آن تنگ گردید و نمی توانستم که اظهار آن به اهل و اخوان خود کنم و از این جهت غمگین بودم. تا آن که یک وقت در خواب دیدم مردی را با روی خوب و لباس مرغوب و بوئی نیکو، و چنان گمان کردم که آن مرد، بعضی از مشایخ قمیین باشد که نزد ایشان درس می خواندم. پس با خود گفتم: تا چه وقت این درد و غصه و

ص: ۱۸۸

۱- مصباح المتعجد ج ۲ ص ۶۳۰.

۲- دار السلام ...؛ ص ۳۱۳

الم را متحمل شوم و درد دل را به کسی نگویم. این مرد از جمله مشایخ و علمای ما باشد و باید درد خود را به او اظهار نمود؛ شاید نزد او در این باب علاج و تدبیری باشد.

ناگاه دیدم که او بر من پیشدستی گرفت و قبل از سؤال من فرمود که: رجوع کن در این باب به سوی خدا و طلب یاری کن از صاحب الزمان علیه السلام و او را مفرع خود قرار داده، زیرا او معین خوبی است و او است عصمت اولیای مؤمنین. بعد از آن دست راست مرا گرفت و گفت: زیارت کن و سلام کن بر او و سؤال کن او را که شفاعت کند از برای تو، به سوی خدا، در حاجت تو. پس به او گفتم: مرا تعلیم کن که چگونه بگویم؛ زیرا این اندوه که دارم، هر زیارت و دعایی که می دانستم از خاطر بردم.

چون آن مرد این بشنید، آه جانسوزی کشید و گفت: لا حول و لا قوه الا بالله پس دست خود به سینه من کشید و گفت: باکی بر تو نیست. برخیز و تطهیر کن و دو رکعت نماز بکن. بعد از آن بایست رو به قبله در زیر آسمان و بگو:

«سلام الله الكامل التام الشامل العام و صلواته الدائمه و برکاته القائمه على حجه الله و وليه في ارضه و بلاده و خليفته على خلقه و عباده سلاله النبوه و بقيه العتره و الصفوه صاحب الزمان و مظهر الايمان و معلم احكام القرآن مطهر الارض و ناشر العدل في الطول و العرض الحجه القائم المهدي و الإمام المنتظر المرضي المرتضى



ابن الاثمه الطاهرين الوصى ابن الأوصياء المرضيين الهادى المعصوم ابن الهداه المعصومين السلام عليك يا امام المسلمين و المؤمنين، السلام عليك يا وارث علم النبيين و مستودع حكمه الوصيين، السلام عليك يا عصمه الدين، السلام عليك يا معز المؤمنين المستضعفين، السلام عليك يا مذل الكافرين المتكبرين الظالمين، السلام عليك يا مولاي يا صاحب الزمان، السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن امير المؤمنين و ابن سيد الوصيين، السلام عليك يا ابن فاطمه الزهراء سيده نساء العالمين، السلام عليك يا ابن الأئمه الحجج المعصومين و الامام على الخلق أجمعين، السلام عليك يا مولاي سلام مخلص لك فى الولايه، أشهد أنك الإمام المهدي قولا و فعلا و أنك الذى تملأ الأرض قسطا و عدلا بعدما مثلت ظلما و جورا و عجل الله فرجك و سهل مخرجك و قرب زمانك و كثر أنصارك و أعوانك و أنجز لك ما وعدك و هو أصدق القائلين و نريد أن نمن على الذين استضعفوا فى الأرض و نجعلهم أئمه و نجعلهم الوارثين (1) يا مولاي، يا صاحب الزمان، يا ابن رسول الله، حاجتى كذا و كذا ... فاشفع لى فى نجاحها».

پس هر حاجت که داری ذکر کن در عوض کذا و کذا.

راوى گوید: پس از خواب بيدار شدم در حالتى که يقين به راحت و فرج نمودم. چون ملاحظه وقت کردم، دیدم که از شب زمانى وسيع باقيست. پس مبادرت کرده، اين

ص: ۱۹۰

زیارت را نوشتم که از خاطر من نرود. بعد از آن تطهیر کرده [و] به زیر آسمان رفته، دو رکعت نماز به جا آوردم و در رکعت اول بعد از حمد، سوره فتح (۱) و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره نصر را خواندم، چنان که تعلیم و تعیین کرده بود آن مرد.

پس سلام نماز گفته، برخواستم و رو به قبله ایستادم و آن زیارت را خواندم و حاجت خود را ذکر کردم و استغاثه به مولای خود، حضرت صاحب الزمان - علیه سلام الرحمن - کردم. بعد از آن به سجده شکر رفتم و طول دادم در دعا، آن قدر که ترسیدم وقت نماز شب برود. بعد از آن برخواستم و نماز شب را بجا آوردم. تا آن که وقت صبح داخل شده، نافله و فریضه صبح بجا آوردم و مشغول تعقیب نماز صبح شدم و دعا کردم.

به خدا قسم که هنوز آفتاب طلوع نکرده بود [که] از آن شدت و حادثه ای که داشتم، فرج در رسید و دیگر در باقیمانده عمر، آن حادثه عود نکرد و احدی را تا امروز بر آن حادثه اطلاع نشد. «و المنه لله و له الحمد کثیرا»

مؤلف گوید: این عمل هم مانند عمل سابق که در معجزه چهل و چهارم مذکور شد، از مجربات حقیر است و از این هم آثار غریبه مشاهده کرده ام و اول دریافت این عمل، در سفر دوم حقیر - که مقارن سال هزار و دویست و هفتاد و پنج بود - ظاهرا از نجف اشرف به همین بلد که دار الخلافه طهران می باشد از یکی از علما - طاب ثراه - گردید

ص: ۱۹۱

که [این عمل را] از مجربات خود در مهمات کلیه می دانست و مضایقه می نمود از تعلیم آن به غیر اهل. باعث بر تعلیم حقیر هم اخذ آن عمل سابق [توسط او] شد. در عوض چون مطلع شد بر آن و خواهش نمود، حقیر هم بر این مطلع شده، در عوض خواستم و [او] داد و لکن مستند به این مأخذ نکرد؛ بلکه اجمالا مستند به رؤیای بعض صلحا نمود، و ذکر نمود که از بعض اختیار به ما رسیده و مجرب گردیده.

حقیر چون اصل مأخذ آن را نمی دانستم، اعتمادم بر عمل اول در قضاء حاجات بیشتر بود، تا آن که در نجف اشرف به این مأخذ مطلع شدم و ظاهر این مأخذ چنان که گذشت تعیین سوره فتح و سوره نصر است و آن عالم هم تعیین این دو سوره کرد و فاضل معاصر مذکور هم در کتاب.

بلکه دور نیست که خصوص وقت نیمه آخر شب هم معین باشد؛ زیرا در آن وقت راوی مأمور به عمل شد، و اطلاق در کلام- که مستند غیر آن وقت شود- نیست و قدر متیقن همان وقت است، و آن عالم هم آخر شب را تعیین نمود. بلکه معاصر مذکور از کتاب "بلد الامین کفعمی" نقل کرده که به علاوه تعیین هر دو سوره، غسل را هم قبل از نماز و زیارت اضافه کرده. اگرچه از کتاب "مصباح الزائر" عدم تعیین سوره ای را هم نقل نموده، و مستند اضافه و ذکر غسل در کلام "کفعمی" شاید لفظ تطهیر در کلام راوی باشد، یا آن که مستند دیگر داشته باشد غیر مستند مذکور؛

چنان که مستند اطلاق سوره در کلام "ابن طاووس" شاید اطلاق فقره اول کلام راوی باشد. اگرچه در فقره دوم مقید کرده است و مقتضای تقید ثانی تقید اول است.

پس اظهر تعیین سوره باشد، چنان که تعیین وقت اقوی نباشد [بلکه] احوط باشد. لکن اظهر عدم اعتبار غسل است اگرچه احوط باشد، و در هر حال مراد از غسل، غسل زیارت باشد و عموم اخبار غسل زیارت به علاوه فتوای "کفعمی"، در شرعیت آن کافی باشد. پس مراعات تعیین سوره و وقت و غسل را ترک نمایند و الله العالم.

فلذا مطلوبیت این اجزاء و شرایط از تعیین سوره و وقت و غسل و انتصاف لیل و زیر آسمان بودن قطعا تم به مقصود است که از اخبار دیگر هم ظاهر می شود که این شرایط بنفسه نیز مطلوبیت دارند؛

### نماز و دعای فرج

در کتاب شریف صحیفه مهدیه (علیه السلام) نقل شده است؛<sup>(۱)</sup>

### نماز و دعای فرج برای رفع مشکلات مهم

ابو جعفر محمد بن جریر طبری در کتاب «مسند فاطمه علیها السلام» می گوید: ابو حسین کاتب گفت: کاری را از ابی منصور صالحان به عهده گرفتم و چیزی میان من و او پیش آمد کرد که لازم شد مخفی شوم و او در جستجوی من بود و تهدیدم می کرد.

ص: ۱۹۳

مدتی از ترس او مخفی شدم و در شب جمعه ای که باد و باران می وزید به قبرستان قریش رفتم. آنجا برای دعا در حجره ای نشستم و از ابن جعفر قیم خواستم که درها را ببندد و کوشش کند تا آن محل خلوت باشد و من برای دعا و نیایش با خدا خلوت کنم، و ایمن باشم از وارد شدن شخصی که نسبت به او ایمن نیستم و از دیدارش بیمناکم. ابن جعفر درها را قفل کرد و شب به نیمه رسید و آن قدر باد وزید و باران بارید که دیگر کسی به آنجا نمی توانست بیاید.

من دعا و زیارت و نماز می خواندم تا این که در این بین صدای پایی از کنار قبر مولای مان حضرت موسی بن جعفر علیها السلام به گوشم رسید؛

در این هنگام مردی را دیدم که زیارت می خواند. در زیارتش به حضرت آدم و پیامبران اولو العزم علیهم السلام و هر یک از ائمه علیهم السلام درود فرستاد تا به امام زمان صلوات الله علیه رسید ولی آن حضرت را یاد نکرد. از این کار او تعجب کردم و با خود گفتم: شاید فراموش کرد یا نمی داند یا مذهب این مرد این گونه است.

وقتی زیارتش به پایان رسید دو رکعت نماز خواند و رو کرد به طرف قبر مولای مان ابی جعفر امام جواد علیه السلام و مثل همان زیارت و سلام را خواند و دو رکعت نماز گزارد. درحالی که من از او بیمناک بودم چون او را نمی شناختم. و او را جوانی از بزرگان دیدم که لباس های سفیدی بر تن داشت و عمامه ای که دارای تحت الحنک بود و ردایی که بر دوش داشت.

به من گفت: ای ابا الحسین پسر ابی العلاء؛ چرا دعای فرج نمی خوانی؟ گفتم: چگونه است ای سرور من؟

فرمود: دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

یا من أظهر الجمیل و ستر القبیح، یا من لم یؤاخذ بالجریه و لم یهتک الستر، یا عظیم المن، یا کریم الصفح، یا مبتدی النعم قبل استحقاقها، یا حسن التجاوز، یا واسع المغفره، یا باسط الیدین بالرحمه، یا منتهی کل نجوی، و یا غایه کل شکوی، و یا عون کل مستعین، یا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها

«یا رباه» ده مرتبه، «یا سیداه» ده مرتبه، «یا مولاه» ده مرتبه، «یا غایتاه» ده مرتبه، «یا منتهی رغبتاه» ده مرتبه. أسألك بحق هذه الأسماء، و بحق محمد و آله الطاهرین علیهم السلام إلا ما کشف کربی، و نفست همی، و فرجت عنی، و أصلحت حالی.

ای کسی که زیبایی را آشکار کرد و زشتی را پوشانید، ای آن که به گناه مؤاخذه نکرده و پرده را ندرد، ای آن که احسانش بر بندگان بزرگ و عفو و گذشت او بزرگوارانه است، ای آغازگر نعمت ها قبل از استحقاق آن، ای صاحب گذشت نیکو، و آمرزش فراگیر، ای آن که دستان رحمتش باز است، ای نهایت هر نجوا و رازگویی، و ای پایان هر شکوه و شکایت، ای یار هر یاری طلب، ای آغازگر نعمت ها قبل از استحقاق آن، ای پروردگارم؛ ای آقا و سرورم؛ ای مولایم، ای نهایت مقصودم؛ ای نهایت اشتیاقم؛ از تو می خواهم به حق این نام ها و به حق محمد و آل پاکش - که بر آنان درود باد- که

ص: ۱۹۵

بلا و سختی را از من برطرف کنی، و اندوهم را بزدایی، و گشایش در کارم دهی، و حالم را اصلاح نمایی. بعد از آن هرچه می خواهی دعا کن، و حاجتت را بطلب؛ سپس گونه راست صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه در آن حال می گویی:

یا محمد یا علی، یا علی یا محمد، إکیفانی فإنکما کافیانی، و انصرانی فإنکما ناصرانی.

ای محمد ای علی؛ ای علی ای محمد؛ مرا کفایت کنید که همانا شما مرا کفایت کننده اید و یاریم کنید که شما مرا یاری کننده اید.

سپس گونه چپ صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه می گویی: «أدرکنی» (مرا دریاب) و آن را بسیار تکرار کن. و سپس به اندازه یک نفس می گوئی:

«الغوٲ [الغوٲ] الغوٲ» (به فریادم برس، به فریادم برس، به فریادم برس)؛ بعد سر از زمین بردار که خداوند با بزرگواریش حاجتت را برآورده می کند إ شاء الله.

وقتی به نماز و دعا مشغول شدم او خارج شد. بعد از نماز به سراغ ابن جعفر رفتم تا از او درباره آن مرد و چگونگی ورودش بپرسم. دیدم درها بسته و قفل هستند، تعجب کردم و با خود گفتم: شاید او از ابتدای شب این جا بوده و من نمی دانستم. ابن جعفر قیم را صدا زدم. ابن جعفر از اطاقی که روغن چراغ های حرم در آنجا بود آمد.

از او درباره این مرد و چگونگی ورودش سؤال کردم. گفت: همان طور که می بینی درها بسته است و من آن را باز نکرده ام. دوباره جریان را از او جويا شدم، گفت: آن

مرد مولای مان امام زمان صلوات الله علیه بود و من بارها ایشان را در مثل امشب و هنگامی که این جا خالی از مردم است دیده ام. با شنیدن این حرف، تأسف و حسرت فراوان خوردم که چرا ندانستم.

نزدیک طلوع فجر از آنجا خارج شدم تا به محلی که در آن مخفی شده بودم روانه شوم. آفتاب هنوز بالا- نیامده بود که کسانی از سوی ابن صالحان با امان نامه ای از وزیر و نامه ای به خط خودش سراغ مرا از دوستانم می گرفتند و به دنبال من می گشتند. با یکی از دوستان مطمئن خود نزد او رفتم، برایم برخاست و مرا چنان احترام کرد که هرگز مانند آن را به یاد نداشتم. رو کرد به من و گفت: حالت آن گونه شد که به امام زمان ارواحنا فداه شکایت مرا نمودی؟

گفتم: من تنها دعا و درخواست کردم. گفت: وای بر تو، دیشب (شب جمعه) مولایم امام زمان صلوات الله علیه را در خواب دیدم که مرا به نیکی کردن درباره تو امر فرمود و در این مورد چنان به من تندی نمود که ترسیدم. پس گفتم: لا إله إلا الله؛ شهادت می دهم که ائمه علیهم السلام بر حق اند و حق به آنان ختم می شود؛ من دیشب آقایم را در بیداری دیدم و به من چنین و چنان فرمودند. و آنچه با چشم خود دیده بودم شرح دادم.



ابی منصور از آن تعجب کرد و کارهای بزرگ نیکی انجام داد. و به برکت مولایمان صاحب الزمان ارواحنا فداه آنچه فکر آن را هم نمی کردم، از سوی امیر درباره من انجام شد.

### مقصد سوم؛ رقعہ مختصر بہ محضر امام زمان (علیہ السلام)

در کتاب صحیفہ مہدیہ (علیہ السلام) نقل شدہ است؛<sup>(۱)</sup>؛

۱- کیفیت نوشتن نامہ بہ محضر امام عصر عجل اللہ تعالی فرجہ؛ بعضی از قضایا و فوائد را در زمینہ نوشتن نامہ حاجت بہ پیشگاہ امام عصر ارواحنا فداہ ذکر کردیم و اکنون بہ کیفیت و چگونگی عریضہ می پردازیم: عباراتی را کہ در پی می آید در کاغذی نوشتہ و آن را بر روی قبر یکی از امامان علیہم السلام می افکنی. یا آن را بستہ و مهر کن و در میان گل پاکی کہ ساختہ ای قرار دہ؛ سپس آن را در جوی آب یا چاهی عمیق یا بر کہہ آبی بینداز کہ نامہ بہ محضر مقدس امام عصر ارواحنا فداہ خواہد رسید و آن حضرت، خودش عہدہ دار بر آوردن خواستہ ات می گردد.

کیفیت نوشتن نامہ بدین صورت است:

بسم اللہ الرحمن الرحیم کتبت یا مولای صلوات اللہ علیک مستغیثا، و شکوت ما نزل بی مستجیرا باللہ عز و جل ثم بک، من أمر قد دہمنی، و أشغل قلبی، و أطال فکری، و سلبنى بعض لبی، و غیر خطیر نعمہ اللہ عندی، أسلمنی عند تخیل و روده الخلیل، و

ص: ۱۹۸

تبراً منى عند ترأى إقباله إلى الحميم، و عجزت عن دفاعه حيلتى، و خاننى فى تحمله صبرى و قوتى. فلجأت فيه إليك، و توكلت فى المسأله لله جل ثناؤه عليه و عليك فى دفاعه عنى، علما بمكانك من الله رب العالمين، و لى التدبير و مالک الامور، و ائقنا بك فى المسارعه فى الشفاعه إليه جل ثناؤه فى أمرى، متيقنا لإجابته تبارك و تعالى إياك بإعطائى سؤلى. و أنت يا مولای جدیر بتحقیق ظنى و تصدیق أملی فیک فى أمر کذا و کذا

به نام خداوند بخشنده مهربان ای مولای من - که درود خدا بر تو باد - به پیشگاه مقدست می نویسم درحالی که تو را به فریاد می طلبم؛ و به تو از مشکلی که برایم پیش آمده شکوه و شکایت می نمایم، درحالی که به خداوند و تو پناه آورده ام؛ از مصیبتی که تحملش برای من مشکل است و قلبم را به خود واداشته است، و اندیشه ام در موردش به درازا کشیده است، و مقداری از عقل و خرد مرا زایل گردانده، و نعمت ارزشمندی را که خدا به من داده است دگرگون ساخته است. هنگام گمان ورود این مشکل، دوست صمیمی من، مرا وا گذاشت، و خویشاوند صمیمی من نیز وقتی متوجه شد این مشکل در راه است از من بیزارى جست. چاره جویی های من در مقابله با این گرفتاری راه به جایی نبرده است، و بردباری و نیروی من قادر به تحمل آن نیست و به وظیفه خود عمل نکرده است.

بدین سان، چاره ای ندیدم جز آن که به سرعت به آستان مقدست پناه آورم، و برای درخواست از خداوند- که ستایش شکوهمند، از آن اوست- به خداوند و همچنین به حضرتت توکل کردم تا این گرفتاری را از من دور کنید.

این گفتارهای من، از (روی بی دقتی نیست؛ بلکه) علم دارم به جایگاه باعظمت تو نزد خداوندی که پروردگار جهانیان است صاحب تدبیر و مالک همه امور است. در این حالات روحانی به تو اطمینان دارم و امیدوارم که برای شفاعت نزد خداوند- که ستایش او شکوهمند باد- در مورد انجام کارهای مربوطه به من شتاب می کنی؛

و از سویی نیز یقین و اعتقاد دارم که خداوند- که مرتبه اش والا- و مبارک است- درخواست تو را با برآورده کردن درخواست من اجابت می فرماید. ای سرور و سالار من؛ خودت نیز آن قدر بزرگوار و سزاوار هستی که مطمئن هستم گمانم را محقق می سازی و آرزویم را به واقعیت پیوند می دهی در مورد این کارها-

(در این قسمت حاجت نوشته شود)؛

فیما لا- طاقه لی بحمله، و لا صبر لی علیه، و إن كنت مستحقا له و لأضعافه بقبیح أفعالی و تفریطی فی الواجبات التی لله عز و جل، فأعثنی یا مولای صلوات الله علیک عند اللهف، و قدم المسأله لله عز و جل فی امری، قبل حلول التلف، و شماته الأعداء، فبک بسطت النعمه علی، و اسأل الله جل جلاله لی نصرا عزیزا، و فتحا قریبا، فیه بلوغ

ص: ۲۰۰

الأمال، و خیر المبادی، و خواتیم الأعمال، و الأمن من المخاوف كلها فی کل حال، إنه جل ثناؤه لما یشاء فعال، و هو حسبی و نعم الوکیل فی المبدء و المال.

که برایم سخت شده است و دیگر طاقت تحمل آنها را ندارم، و شکیم در این موارد تمام شده است؛ البته به خوبی می دانم که همه این مشکلات، حق من است و سزاوار چند برابرش نیز هستم؛ چرا که کارهای زشت من، و کوتاهی و کندی در انجام واجباتی که برای خداوند- شکوهمند بزرگ- است نتیجه ای جز این مشکلات دربر نخواهد داشت. ای سرور و آقای من؛- که درود خداوند نثارت باد- با این همه، در این دل سوختگی و اندوه به فریادم برس؛

و در پیشگاه الهی درخواست انجام کارهای من و برطرف شدن مشکلم را تقدیم کن، و زودتر این کار را انجام بده؛ پیش از آن که تلفاتی به بار آید، و دشمنان به مسخرگی و شماتت من پردازند؛ زیرا، تنها به خاطر توست که این همه نعمت بر من گسترده شده است. نیز، از خداوند- شکوهمند- درخواست کن که یاری بزرگ و ارزشمند، و فتح و پیروزی نزدیک و سریع خود را نصیب من فرماید؛

به گونه ای که به آرزوهایم برس و آغاز و پایان کارها نیز به نیکی باشد؛ و در هر حال از تمام ترسناک ها در امان باشم. اعتقاد بر این است که خداوند- که ستایشش شکوهمند باد- هرچه بخواهد به طور کامل انجام می دهد؛ و کفایت گر من و وکیل نیکوی من نیز در دنیا و آخرت، تنها خداست.

پس از آماده شدن نامه، به طرف جوی آب یا برکه (یا چاه) می روی و یکی از چهار نایب خاص حضرت بقیه الله ارواحنا فداه یعنی: جناب عثمان بن سعید، پسرش محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی، و علی بن محمد سمري قدس سره (که راه های دستیابی و واسطه ما به آن حضرت هستند) را انتخاب می کنی و با این عبارات او را صدا زده و می گویی:

یا فلان بن فلان، سلام علیک، أشهد أن وفاتک فی سبیل الله، و أنك حی عند الله مرزوق، و قد خاطبتک فی حیاتک التی لک عند الله جل و عز و هذه رقعتی و حاجتی إلى مولانا علیه السلام، فسلمها إليه، فأنت الثقة الأمين.

ای (فلان فرزند فلان)؛

سلام و درود بر تو. گواهی می دهم که درگذشت تو در راه خدا بوده، و اینک تو نزد خداوند زنده هستی و روزی خاص او را دریافت می کنی. و بدین سان، من در حیاتی که نزد خدا داری تو را مخاطب قرار می دهم، و این نامه و عریضه و درخواست حاجت من به سرورمان حضرت مهدی علیه السلام است، پس آن را به حضرتش تسلیم کن. به راستی که تو مورد اطمینان و امانت دار هستی. آن گاه نامه را در جوی آب یا درون چاه یا برکه بینداز که به خواست خداوند، خواسته ات برآورده خواهد شد؛

ص: ۲۰۲

قران كريم؛

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، ۱۱۰ جلد، دار إحياء التراث العربی - [بی جا] ([بی جا])، چاپ: ۱.

طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ۲ جلد، نشر مرتضی - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامیه)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامه (ط - الحدیثه)، ۱ جلد، بعثت - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.

ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ۱ جلد، دار المرتضویه - نجف اشرف، چاپ: اول، ۱۳۵۶ ش.

ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.

ابن بابویه، علی بن حسین، الإمامه و التبصره من الحیره، ۱ جلد، مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.

حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد (ط - الحدیثه)، ۱ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.

طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، نوادر المعجزات فی مناقب الأئمه الهداه عليهم السلام، ۱ جلد، دلیل ما - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۲۷ ق.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۲ جلد، دار الکتاب - قم، چاپ: سوم، ۱۴۰۴ ق.

ص: ۲۰۳

عراقی، محمود بن جعفر، دار السلام در احوالات حضرت مهدی (علیه السلام) و ...، جلد، مسجد مقدس جمکران - قم (ایران)، چاپ: ۲، ۱۳۸۴ ه.ش.

طوسی، محمد بن الحسن، مصباح المتہجد و سلاح المتعبد، جلد، مؤسسہ فقہ الشیعہ - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۱ ق.

ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن المعروف بالملاحم و الفتن، جلد، مؤسسہ صاحب الأمر (عجل اللہ تعالی فرجہ الشریف) - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۶ ق.

فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضہ الواعظین و بصیرہ المتعظین (ط - القدیمہ)، ۲ جلد، انتشارات رضی - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۷۵ ش.

منسوب بہ علی بن موسی، امام ہشتم علیہ السلام، الفقہ المنسوب إلی الإمام الرضا علیہ السلام، جلد، مؤسسہ آل البیت علیہم السلام - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۶ ق.

طوسی، محمد بن الحسن، الغیبہ (للطوسی) / کتاب الغیبہ للحجہ، جلد، دار المعارف الإسلامیہ - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۱ ق.

عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ۲ جلد، المطبعہ العلمیہ - تہران، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ق.

خزاز رازی، علی بن محمد، کفایہ الأثر فی النصّ علی الأئمہ الإثنی عشر، جلد، بیدار - قم، ۱۴۰۱ ق.

مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفہ حجج اللہ علی العباد، ۲ جلد، کنگرہ شیخ مفید - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.

ص: ۲۰۴

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، بهجه النظر فی إثبات الوصایه و الإمامه للأئمه الإثنی عشر، ۱جلد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی - مشهد، چاپ: دوم، ۱۴۲۷ ق.

ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، ۱جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق.

ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲جلد، نشر جهان - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۸ ق.

ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، فضائل أمير المؤمنین علیه السلام، ۱جلد، دلیل ما - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۲۴ ق.

حسن بن علی علیه السلام، امام یازدهم، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ۱جلد، مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.

فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، ۲۶جلد، کتابخانه امام أمير المؤمنین علی علیه السلام - اصفهان، چاپ: اول، ۱۴۰۶ ق.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ۱جلد، جامعه مدرسین - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق.

شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ۱جلد، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.

عده ای از علماء، الأصول الستة عشر (ط - دار الشبستری)، ۱جلد، دار الشبستری للمطبوعات - قم، چاپ: اول، ۱۳۶۳ ش.



صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فى فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ١جلد، مكتبه آيه الله المرعشى النجفى - ايران؛ قم، چاپ: دوم، ١٤٠٤ ق.

صحيفه مهديه. سيد مرتضى مجتهدى سيستانى. ترجمه مؤسسه اسلامى ترجمه. چاپ هجدهم. ١٣٩٣.

يزدى حايرى، على، إلزام الناصب فى إثبات الحجه الغائب عجل الله تعالى فرجه الشريف، ٢جلد، مؤسسه الأعلمى - بيروت، چاپ: اول، ١٤٢٢ ق.

ابن بابويه، محمد بن على، كمال الدين و تمام النعمه (اسلاميه)، ٢جلد، دار الكتب الإسلاميه - تهران (ايران)، چاپ: ٢، ١٣٥٩ ه.ش.

ابن أبى الحديد، عبد الحميد بن هبه الله، شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد، ١٠جلد، مكتبه آيه الله المرعشى النجفى - قم، چاپ: اول، ١٤٠٤ ق.

خصيبى، حسين بن حمدان، الهدايه الكبرى، ١جلد، مؤسسه البلاغ - بيروت (لبنان)، چاپ: ١، ١٣٧٧ ه.ش.

ابن حيون، نعمان بن محمد، شرح الأخبار فى فضائل الأئمه الأطهار، ٣جلد، جماعه المدرسين فى الحوزه العلميه بقم، مؤسسه النشر الإسلامى - قم (ايران)، چاپ: ١، ١٤٠٩ ه.ق.

هلالى، سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس الهلالى، ٢جلد، الهادى - ايران؛ قم، چاپ: اول، ١٤٠٥ ق.

برقى، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ٢جلد، دار الكتب الإسلاميه - قم، چاپ: دوم، ١٣٧١ ق.

ابن بابويه، محمد بن على، الأموال (للصدوق)، ١جلد، كتابچى - تهران، چاپ: ششم، ١٣٧٦ ه.ش.

ابن بابويه، محمد بن علي، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ١ جلد، دار الشريف الرضي للنشر - قم، چاپ: دوم، ١٤٠٦ ق..

قضاعي، محمد بن سلامه، شرح فارسي شهاب الأخبار (كلمات قصار پیامبر خاتم (صلى الله عليه و آله))، ١ جلد، مركز انتشارات علمي و فرهنگي - تهران، چاپ: اول، ١٣٦١ ش.

ص: ٢٠٧

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

